

جاودان باد یاد شهدای
قیام بهمن ماه و رستاخیز
سیاهکل

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

سال دوم - شماره ۹۶

ویژه قیام و سیاهکل پنجشنبه ۱۶ بهمن ماه ۱۳۵۹

۳۲ صفحه - ۲۰ ریال

قیام شکوه مند ۲۲ بهمن و دو سال حکومت جمهوری اسلامی

دو سال از بیست و دوم بهمن ماه
۵۷ روزیکه، کارگران و همه زحمتکشان
میهن مان، با قیام مسلحانه و قهر
توده های رژیم سلطنتی را واژگون
کردند میگذرد
قیام بهمن ماه نقطه اوج تحولی،
ناگهانی و شدید زندگی توده های

وسیع مردم بود. توده های زحمتکش
میهنمان که سالیان سال زیر بارستم
و استثمار امپریالیسم، سرمایه -
داران و زمینداران، اختناق و
دیکتاتوری قرار داشتند، بیاختناستند
تا زندگی مشقت بار خود را دگرگون
نمایند در صفحه ۲

گرامی باد سالنروز
حماسه افتخار آفرین
سیاهکل
و آغاز یازدهمین سال
فعالیت
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

ما اکنون یازدهمین سالگرد روزی
را گرامی میداریم که در آن، نخستین
شلیک سلاحهای تنی چند از فداکارترین
کمونیستها در جنگل سیاهکل، سکوت
سالیان طولانی را درهم شکست و آغاز
فعالیت سازمانی را اعلام نمود که برای
تحقق آرمانها و اهداف تاریخی و
والای طبقه کارگر و زحمتکشان ایران،
تلاشهای خستگی ناپذیر، قهرمانیها،
از خودگذشتگی و فداکاری های بیمانندی
را در طول حیات پرفراز و نشیب
خوبش بظهور رساند.

یازده سال پیش در چنین روزی
هنگامیکه حمله مسلحانه به پاسگاه
سیاهکل برای رهائی یکی از رفقای
دستگیر شده انجام شد، رژیم درنده خو و
ددمنش شاه آنچنان به هراس افتاد که
بخش بزرگی از نیروی نظامی و امنیتی
خود را برای سرکوب هر چه سر به سر
انقلابیون بکار انداخت و سرانجام
جنگل پر برف سیاهکل را با خون بهترین

بقیه در صفحه ۱۵

روز شمار قیام

سالروز قیام پرشکوه خلق در بهمن
ماه ۵۷ فرا رسیده است. سالروز قیام
هما نگونه که یاد آورد دلوری هسا و
جانفشانیهای خلق رزمنده ایران
است، هما نگونه نیز سازش و خیانت
"رهبران" را تداغی میکند. با وجودیکه
خلق در ۲۱ و ۲۲ بهمن ماه توانست بسا
قیام مسلحانه خود ضرباتی کاری بر
پیگرد امپریالیسم، با بگاها و نها ده های
داخلیش از جمله ارتش و اردو وارد ما

بقیه در صفحه ۵

نگاهی به کارنامه یکساله
ریاست جمهوری بنی صدر

بنی صدر از حرف تا عمل

انتخابات ریاست جمهوری در روز ۵
بهمن ۱۳۵۸ آغاز شد. از همان اولین روز
شمارش آراء بخوبی مشاهده شد که
بنی صدر با اکثریت قاطع به ریاست
جمهوری انتخاب می گردد. در روز ۱۶ بهمن
مراسم تحلیف در بیمارستان قلب مهدی
رفا نشی در حضور آیت الله خمینی، بعمل
آمد و بنی صدر رسماً کار خود را بعنوان
رئیس جمهور آغاز کرد. و بدینگونه

بقیه در صفحه ۱۱

بازسازی و تقویت ارتش به نفع امپریالیسم و علیه توده ها است

حکومت کارتر بر سر گرفتن تجهیزات
نظامی بیشتر، خطاب به کنگره آمریکا
گفت:
"من دوست جهانی که آنست را
امپریالیست می نامند هستم... در
ویتنام ۵۵ هزار تن از افراد شما مستقر
بودند ولی تعداد نیروهای مسلح
بقیه در صفحه ۱۹

"دولت مقدم بر هر چیز شامل
دسته های از افر دسلح است
با اضافه زوایندی از قبیل
زندانیها"
"انگلس"
شاه جنایتکار طی مصاحبه ای بسسه
تاریخ ۲۸ دیماه ۱۳۵۵ با مجله
نیوزویک آمریکا، ضمن چانه زدن با

در این شماره

● اخبار کارگری

● از اعلامیه های کارگران پیشرو

● ماه بهمن، سرخترین ماه
آرمانیان
و انقلاب

گرامی باد سالروز قیام مسلحانه خلق و رستاخیز سیاهکل

قیام شکوهمند ۲۲ بهمن و ...

نصفه از صفحه ۱

ساخته و به استقلال، کار، مکتب و آزادی دست یابند.

انقلاب بهمن ماه جشن ستمکشان ایران بود. توده های میلیونی با تهوری بی مانند و شور و شوقی زائنده الوصف، با مشت های گره کرده، با چوب و سنگ، با کونکل مولوتف، با نارنجک های دست ساز، با معبود سلاح های که از مزدوران رژیم صادره کرده بودند و هر آنچه دم دستشان بود، به یادگانها، کلانتریها، زندانها، مراکز واک و سایر نهادهای جور و ستم رژیم سلطنتی حمله برده و بسیاری از این مراکز را تسخیر نمودند.

فدائیان خلق، پرسنل انقلابی و سایر نیروهای انقلابی دوشادوش و پیشاپیش توده های بیخاسته فعالانه در این حرکت تاریخی شرکت کردند و نقش ارزنده ای در سرنگونی رژیم سلطنتی ایفا نمودند.

شوراها برپا شد، کارخانه ها تحت کنترل کارگران درآمد، دهقانان برای معادله زمینهای زمینداران بزرگ حرکت کردند، سازمانهای انقلابی دفاتر علنی دایر نمودند، توده ها خود بطور مستقیم و بلاواسطه به اعمال قدرت انقلابی خویش اقدام کردند.

توده ها به نیروی خویش، آزادی - تشکیل شورا، آزادی مطبوعات، آزادی میتینگ و اجتماعات، آزادی بیان و آزادی فعالیت را یکف آوردند.

اما رهبری که از حرکت انقلابی توده ها هراسناک بود در آستانه یک تحول عظیم تاریخی، راه سازش با امپریالیسم، سازش با سرمایه داران و زمینداران را در پیش گرفت. رهبری تلاش کرد تا با دعوت توده ها به مبارزه مسالمت جویانه مانع حرکت انقلابی و ابتکار انقلابی توده ها گردد، اما هنگامیکه توده ها با سرپیچی از فرمان رهبری، مستقلاً قیام را آغاز کردند، سیاستهای گام بگام و انتقال مسالمت آمیز قدرت را برهم زدند، رهبری دستور توقف قیام را صادر کرد و کوشید تا مانع گسترش دامنه انقلاب گردد.

رژیم سلطنتی سرنگون شد و حکومتی که محصول سازش سران خرده بورژوازی با نمایندگان بورژوازی متوسط بود قدرت را در دست گرفت. در این حکومت پست های مهم که دارای اهمیت قطعی است، در اختیار نمایندگان سرمایه داران و تجار متوسط قرار گرفت.

در دولت موقت بازرگان و "شورای انقلاب"، این دوازان مهم تصمیم گیری و اجرایی لیبرالها و سراسر حزب جمهوری اسلامی نقش اصلی را

بسمعه داشتند.

این حکومت از همان نخستین ساعات بقدرت رسیدنش بنام انقلاب علیه انقلاب و بنا م توده ها علیه توده ها عمل کرد.

ارتش مصون از تعرض ساخته شد، فرماندهان ارتش بر سر پست های حساس گمارده شدند، بسیاری از مزدوران رژیم سابق را واکیب بدون محاکمه آزاد شدند و برخی از آنها سرپست های مهم برگزیدند.

سرمایه داران و زمینداران مورد حمایت واقع شدند و دولت بازرگان میلیونها تومان وام برای سرمایه داران اختصاص داد.

شوراهای کارگری و دهقانی تحت فشار قرار گرفتند، دهقانانی که به معادله زمینهای ملاکین بزرگ اقدام کرده بودند مورد تعقیب واقع شدند، مطبوعات و نشریات انقلابی توقیف شد، انقلابیون دستگیر و زندانی شدند، پرسنل انقلابی اخراج گردید، هنوز خون زحمتکشان که برای رهایی از قید ستم و استعمار قیام کرده بودند بر روی سنگفرشهای خیابانها خشک شده بود که دولت بازرگان با توپ و تانک، سرکوب توده های خلق کرد و آغاز کرد و گنبد و ترکمن محراب را به خاک و خون کشید.

مجلس موسسانی که رهبران وعده اش را داده بودند، به مجلس خبرگاران استحاله یافت و مضحکه تاریخ شد و نمایشات کهنه آن مورد تسخر توده ها قرار گرفت.

این حکومت حتی یک گام جدی برای پاسخ گفتن به خواستها و نیازهای واقعی توده ها و تحقق استقلال، کار مکتب و آزادی برنداشت.

تمامی تلاشهای دولت بازرگان این بود که با سرکوب مبارزات توده ها و حمایت از سرمایه داران و زمینداران امنیت از دست رفته سرمایه را دوباره بازگرداند.

این حکومت در حرف بمردم وعده وعید داد و از انقلاب سخن گفت ولی در عمل علیه توده ها و علیه انقلاب اقدام کرد و کوشید تا دستاوردهای قیام بهمن ماه را زیر پا نهاده و حقوق دمکراتیکی را که توده ها با مبارزه و قیام خویش کسب کرده بودند، بازستاند.

اما مبارزات توده ها آنچنان ریسه دار و عمیق نبودند تا گونه محدوده های تنگ بورژوازی را در نور دیده بود که ضد انقلاب حاکم نتوانست مبارزات توده ها را سرکوب نموده و نظم کذائشی بورژوازی را برقرار سازد. قیام سطح آگاهی توده ها را به میزان زیادی بالا برده بود، آنها قدرت واقعی خویش را در سرنگونی رژیم سلطنتی دیده بودند، آرگانهای خاص خود را هر چند بشکل نطفه ای ناقص و سا زمان نیافته پدید آورده بودند و حاضر نبودند به سادگی دست از خواستهای خویش برداشته و عقب نشینی نمایند. مبارزات توده ها هر روز عمق و گسترش

می یافت. بحران اقتصادی و تداوم آن زندگی مردم را سخت تر کرده بود. موج اعتصابات و اعتراضات توده ای - بعثت بر آورده نشدن خواستهای زحمتکشان ادامه داشت. تظاهرات و تحصن کارگران بیکار، اعتصاب کارگران در کارخانه های مختلف، مبارزات کارگران و دهقانان برای تشکیل شورا، مبارزات خلقها برای کسب حقوق حقه خویش، همه حاکی از ادامه مبارزه و تعمیق آن بود.

ضد انقلاب حاکم در اواسط تابستان ۵۸ بورژوازی همه جانبه ای را برای سرکوب خلق آغاز کرد. علیه خلق قهرمان کردجه را اعلام شد، ارتش و سپاه پاسداران به کردستان اعزام شدند، شهرها و دهکده های کردستان بمباران شدند. دفاتر سازمانهای انقلابی توسط چماقداران، فالانژها و کمیتیه ها مورد حمله واقع شدند. هرگونه اعتراض، اعتصاب و تظاهرات ممنوع اعلام شد. توقیف نشریات انقلابی و دستگیری انقلابیون شدت گرفت. شکنجه و اعدام انقلابیون در دستور قرار گرفت اما علیرغم همه اینها، مقاومت دلیرانه خلق و مبارزات کارگران، دهقانان و زحمتکشان سراسر کشور از یک سو و تداوم و شدت یافتن بحران اقتصادی و سیاسی و گسیختگی و فقدان تمرکز ضد انقلاب حاکم از سوی دیگر، حکومت را مجبور به عقب نشینی ساخت.

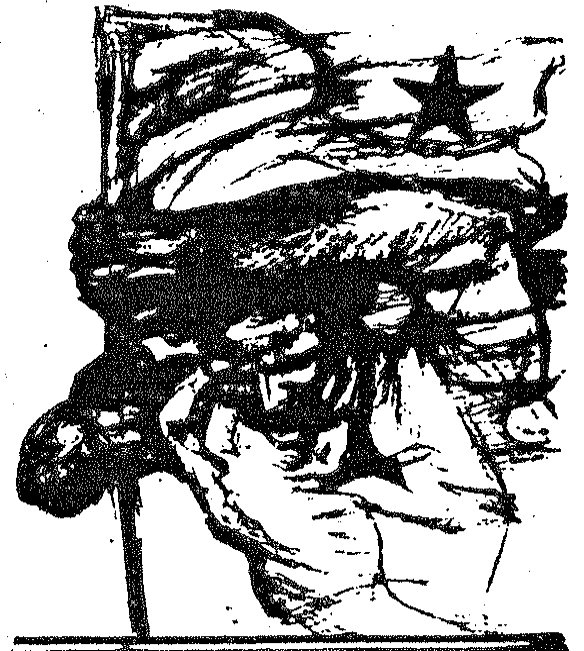
دراواشل آبان ماه ۵۸ دولت بازرگان بی کفایتی خود را در حل بحران اقتصادی و سیاسی و پاسخگویی به خواستهای واقعی توده ها به همگان نشان داده بود. دولت بازرگان که پس از گذشت نه ماه جز وعده وعید، بدبختی، رنج و مشقت و سرکوب چیزی دیگر برای توده ها به ارمغان نیاورده بود، در بین توده ها رسوا و بی اعتبار گشته بود.

با اواخر دولت بازرگان پس از قریب به نه ماه وعده وعید پس از تسخیر سفارت آمریکا کناره رفت و "شورای انقلاب" قدرت اجرایی را نیز در اختیار گرفت و واقعه تسخیر سفارت و گروگانگیری دستاویزی شد برای حزب جمهوری اسلامی تا با سودجستن از احساسات ضد امپریالیستی توده ها، برخی از لیبرالها را از حکومت برکنار نماید و با به انحراف کشاندن مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک توده ها، زمینه را برای تصویب قانون اساسی ارتجاعی فراهم کند.

ماجرای گروگانگیری و پیآمدهای آن در طول مدت متجاوز از چهارده ماه و باز پس دادن گروگانها با شرایطی فضاحت بار بروشن ترین وجهی نشان داد که حمایت حزب جمهوری اسلامی از تسخیر سفارت توسط "دانشجویان پیرو خط امام" نه بیشتر در مبارزه ضد امپریالیستی بلکه استفاده از این موضوع برای تضعیف لیبرالها و کسب

نصفه در صفحه ۲۹

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اخبار کارگری

مبارزه پیروزمندانه کارگران تهران - جنوب

شرکت تهران - جنوب یکی از شرکتها ی بزرگ پروژه های وابسته به شرکت نفت است که در سراسر ایران دارای کارگاه های بسیاری است.

در تاریخ ۱۳/۱۰/۵۹ تعدادی از کارگران این شرکت که در پروژه جوهر کوگرد سازی A.S.P در پالایشگاه آبادان کار میکرده اند برای گرفتن حقوق شهریور ماه خود به تهران آمدند. آنها تا سوم مهرماه یعنی سه روز پس از جنگ که پالایشگاه مورد حمله شدید راکت و خمپاره قرار گرفت، کار می کردند و شرکت از بهره اخت حقوق عقب افتاده آنان خودداری میکرد. مراجعات مکرر کارگران به اهواز (مرکز دفتر شرکت در خوزستان) بی نتیجه بود. شکایت کارگران به فرماندار آبادان و مراجعه به اداره کار ما ه شهر نیسیز بی نتیجه بود. بالاخره کارگران به وزارت کار در تهران پاس داده میشوند. وزارت کار تمام حرفهائی را که کارگران از آبادان تا تهران از دست اندرکاران شنیده اند مجدداً تحویل آنها میدهد که: "دفتر مرکزی در اهواز است. بروید آبادان... و غیره. کارگران که به تجربه دریافته بودند که فقط با مقاومت و پیگیری و مبارزه با سرمایه داران خواهند توانست به حقوق حق خویش برسند، خشمگین و آواره و گرسنه، مقاومت میکنند. کارگران هر روز به شرکت و وزارت کار مراجعه

کرده و با دقت مسئله را پیگیری نمودند تا آنکه در روز ۱۶/۱۰/۵۹ چکی به مبلغ ۵ میلیون ریال برای پرداخت دستمزد به کارگران در وجه شرکت تهران - جنوب بطور علی الحساب صادر میشود. روز چهارشنبه ۱۷/۱۰/۵۹ کارگران احساس میکنند توطئه ای در کار است. بالاخره بعد از تلاش و پیگیری متوجه میشوند که آقایان قصدها رند بیبها نه ارسال پول به اهواز و فرستادن کارگران به آنجا، کارگران را از سر بازکنند. کارگران پس از کشف توطئه بلافاصله به وزارت کار رفته و توطئه را افشاء و خنثی میکنند. در روز پنج شنبه ۱۸/۱۰/۵۹ ما حیکا ر برای کارگران نطق غرائی میکند و میگوید با نطمیع و چرب زبانی و سپس تهدید، آنها را از گرفتن حقوق منصرف کند و لی کارگران با اعتراض یکپارچه خود او را ادا کردند که دستور وصول پول از بانک را صادر کند کارگران تهدید میکنند که اگر روز شنبه حقوق آنها پرداخت نشود کار فرما هر چه دیدار چشم خودش دیده است.

روز شنبه ۲۰/۱۰/۵۹، عده ای از نمایندگان سندیکای فلزکار و مکانیک به محل اجتماع کارگران می آیند و با آنها اعلام همبستگی میکنند که با استقبال گرم و پر شور کارگران روبرو میشوند. کارگران که از این همبستگی جان تازه ای گرفته بودند به دور نمایندگان سندیکا حلقه زده و با شوق به گفتگو پرداختند. کار فرما که متوجه این تحول میشود با وحشت، بلافاصله دستور پرداخت را صادر میکند. کارگران که با مبارزه پیگیرانه خویش به پیروزی رسیده بودند پر غرور، برای سرپرستی خانواده های آواره خویش تهران را ترک کردند.

مبارزه کارگران تهران - جنوب می آموزد که:

- ۱- کارگران پروژه های جنوب میبایست از متلاشی شدن سندیکای خویش جلوگیری می کردند و اکنون نیز با شکل در سندیکای واقعی و مبارزه متحدانه خواهند توانست به حقوق خویش دست یابند.
- ۲- پشتیبانی سندیکای فلزکار و مکانیک از مبارزات این کارگران نشانه هائی از مهمترین گامهای شکل نیرومند طبقه کارگر است که بی شک ابزار هر قدرت پیروزی نهائی کارگران بر سرمایه داران خواهد بود. کارگران به موازات رشد آگاهی طبقاتی شان میکوشند در مبارزات محدود یکدیگر شرکت کرده و با اعلام همبستگی مبارزات را گسترده تر کرده و آنرا از پراکندگی به یکپارچگی و سراسری شدن مبارزات کارگری، سوق دهند. بی شک کارگران در شکل های سراسری خویش خواهند توانست به مثابه یک طبقه، نیرومندی تاریخ ساز خویش را بنمایش گذارند.

اخبار کوتاه کارگری

چند خبر از ماشین سازی اراک

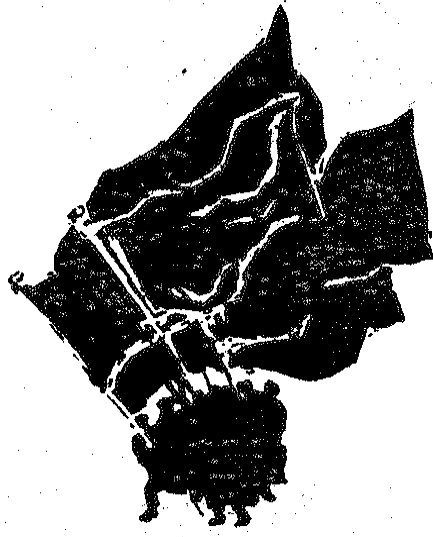
چندی قبل قرار بود که هیئت مدیره سازمان گسترش و کارخانه برای بررسی وضعیت تولید و پاکسازی (افراد تعلیمی) به کارخانه بیایند. کارگران که به خوبی از اهداف اینگونه بررسیها و پاکسازی ها آگاهی دارند میگویند آنها میخواهند بگویند تولید کم است، ضرر داده ایم. و با زهم عده ای از کارگران انقلابی را اخراج کرده و ساواکیها را برگردانند. یکی از ساواکیهای کارخانه که قبلاً عضو سندیکای نیز بود گفته است که از طرف هیئت پاکسازی در سازمان گسترش برای کلیه ساواکیهای کنه بعد از قیام اخراج شده اند حکم بازگشت بکار گرفته ایم و نماینده امام در این شهر نیز موافقت نموده است و ما تا ده روز دیگر به کارخانه باز خواهیم گشت؟! مدیریت اعلام کرد که طرح طبقه بندی مشاغل تحت بررسی است. به دنبال این خبر، کارگران فعالان خواستار شرکت نمایندگان خود در بررسی طرح شدند و متعاقب آن، انتخابات در قسمت ها آغاز شد. کارگران کوشش دارند که کارگران آگاه و انقلابی راه نمایندگی انتخاب کنند تا بتوانند از حقوق و منافع خود بخوبی دفاع کنند ولی مدیریت که از اینگونه انتخابات خوشنود نیست و از کارگران انقلابی دل خوشی ندارد در راه انتخابات سنگ اندازی کرده و حتی نمایندگان کارگران را تهدید میکند. ولی کارگران که به درستی دریافته اند که فقط کارگران انقلابی و مبارز نمایندگان واقعی آنها هستند، به تلاشهای مذبوحانه مدیریت واقعی ننهادند و با جدیت و تصمیم انقلابی نمایندگان واقعی خویش را انتخاب میکنند و با پشتیبانی همه جانبه آنان خواهند توانست طرح طبقه بندی مشاغل را برفع خویش تدوین کنند.

از خروج ماشین آلات کناره جلوگیری کنیم!

استاندار و سایر مقامات به بهانه شرایط بحرانی و جنگی قصدها رند و سایل و ماشین آلات عمرانی را که متعلق به پایگاه کناره است بوسیله ۶ فروند کشتی، مخفیانه از بندر خارج کنند. در شرایطی که مردم چلوبهار، کناره از آب شیرین محرومند، در شرایطی که مردم منطقه دشتباری در قحطی آب بسر میبرند، در شرایطی که روستاهای منطقه فاقد جاده های ارتباطی، لوله کشی و برق هستند، دولت قصدها رند این ماشین آلات را که در رژیم گذشته با بقیه در صفحه ۲۷

دو روز تعطیل، ۴۰ ساعت کار در هفته، حق مسلم کارگران است

از اعلامیه ها، تراکتها و نشریات کارگران پیشرو



داری کوشش خواهند کرد "نظام" دلخواه خود را برقرار سازند... راه مقابله کارگران با مدیریت نه انتخاب سرپرست بلکه متشکل شدن در شورا های انقلابی است.

کارگران پیشرو کارخانجات تولید پارو، ضمن بخش ۲ سندافشاکری از "انوری" معاون اینواحدکه ما موریت برگزاری جشنهای پنجاهمین سال سلطنت خاندان خائن پهلوی را در آنجا بعهده داشته است گفته اند:

"کارگران میپرسند: چرا کسی که یک میلیون ریال دسترنج ما را برای جشنهای شاهنشاهی خرج کرده است معاون مدیرعامل شرکت است در حالیکه کارگرانیکه سالها برضد رژیم شاه مبارزه کرده اند هر روز با انواع حيله ها اخراج میشوند."

کارگران پیشرو چیت تهران (با فکار) در ماه گذشته ۲ اعلامیه در رابطه با مسائل جاری داخل کارخانه منتشر کرده اند. در اعلامیه اول آمده است:

"مدیرعامل (زکی خانی) گفت: عامل اصلی عقب افتادن اجرای طرح طبقه بندی "عرب" است و "عرب" هم دزدیهای کلاه در فروشگاههای پارچه شده بود (حدود ۵۰۰۰۰۰۰ تومان) را بگردن مدیرعامل میاندازد. "عرب" به اصطلاح نماینده کارگران در مجلس خبرگان بود!

در همین نوشته از کارگران خواسته شده:

"با تشکیل شورایی از نمایندگان واقعی کارگران دست دزدان و شرکای آنها را زوکنیم."

کارگران پیشرو با فکار در دومین اعلامیه خود ضمن افشای مجدد مدیرعامل نمایندگان سازشکار شورا و "عرب" با نشان دادن علت وحشت آنها از هیئت بررسی کارخانه گفته اند:

بعد از فشاری هیات بررسی آنها مجبور شدند یک جلسه تشریفاتی تشکیل دهند. در این جلسه فقط یک پرونده کوچک مورد بررسی قرار گرفت اما با همین مختصر هم هیات به دزدیهای مدیران فروشگاههای پارچه و مسائل دیگری دست یافت. آنها سپس از کارگران خواسته اند تا با حمایت همه جانبه خود هیئت بررسی را تقویت نمایند و در پارتیا نگفته اند:

"بکوشیم همواره با انتخاب نمایندگان مادیق و از خود گذشته ای که کاری جز دفاع از حقوق حقه کارگران نمیکند جلوی خود سربها و غارتگریهای دزدان شرکای آنها را بگیریم."

کارگران پیشرو کارخانجات نجات محابرات ایران (کما) ضمن انتشار تراکتی از صفحه ۲۷

نداریم. در دو سال گذشته معاینه عمومی نشده ایم - لباس و کفش کار نداریم. بهداشت محیط کار ما نا سالم است. خواهان دوروز تعطیل در هفته هستیم تا بکارهای ضروری خود برسیم، پایه های عقب افتاده و طبقه بندی صحیح چه شد؟ و..."

این کارگران در آخر گفته اند: "ما کارگران تنها با تشکل در شورا های واقعی خویش قادریم در راه بر آوردن خواستهای برحق خویش مبارزه کرده و به آنها جامه عمل بپوشانیم."

کارگران پیشرو کارخانه ایران زاک قزوین در اعلامیه ای به اخراج همکاران خود به بهانه نبودن مواد اولیه شدیداً اعتراض کرده و در قسمتی از اعلامیه آمده است که:

"ما باید بدانیم پیش از آنکه از لحاظ قومی و فکری و... با هم اختلاف داشته باشیم همه مان کارگریم. در شرایطی که همه فشارهای زندگی بردوش ما سنگینی میکند اخراج همکاران ما باعث از هم پاشیدگی زندگی آنها خواهد شد. اگر امروز در مقابل توطئه کارفرما علیه همکارانمان ایستادگی نکنیم چه بسا بزرگ دیگر توطئه دیگری برای اخراج ما بچینند. بکوشیم توطئه سرمایه داران را خنثی کنیم و با اتحاد خود همکارانمان را به سرکار برگردانیم."

کارکنان پیشرو صنایع دفاع پنجمین خبرنامه خود را در این ماه منتشر نمودند. این خبرنامه در ابعاد گوناگون به افشای اعمال مدیریت این واحداز جمله بازاری ضد اطلاعات تحت عنوان "اداره حفاظت" پرداخته است. در بخشی از آن آمده است:

"کارگران مبارز باید بدانند که تا زمانی که سرمایه داری حاکم است، مدیران بعنوان عوامل سرمایه

اکنون که با اوگیری مبارزات کارگران فعالیتهای آگاهانه کارگران پیشرو اوج نویسی یافته است میکوشیم تا با انعکاس بخشی از اعلامیه ها و تراکتها و نشریات آنان در نشریه کار، گامی دیگر در جهت پیوند و انتقال تجارب مبارزات طبقه کارگر ایران به یکدیگر برداریم. از این پس علاوه بر درج بهترین نمونه آنها بطور کامل خلاصه ای از برخی اعلامیه ها و تراکتها ای کارگران آورده میشود. باشد تا هر چه بیشتر بر فعالیت کارگران پیشرو افزوده گردد.

در شماره پیش بخشی از نشریات کارگران پیشرو در دیماه درج گردید. اکنون برخی دیگر از فعالیتهای این کارگران در همان ماه آورده میشود - کارگران پیشرو کارخانه پارس الکتریک تهران ضمن اعلامیه ای به افشای نمایندگان سازشکار شورا کارخانه پرداخته و در بخشهایی از آن آمده است:

"اعتصاب کارگران بخش نجاری و توشیبا که جهت افزایش حقوق هم کارگران، نه عده معدودی از کارمندان آغاز شده بود با توطئه انجمن اسلامی همراه با اخراج عده ای از کارگران خاتمه یافت. اخراج این عده با خشم و اعتراض تمامی کارگران همراه بود. کارگران در گوشه و کنار از نمایندگان شورا میپرسیدند که چرا کارگران اخراج شده اند؟ آیا نمایندگان شورا اخراج کارگران را تا نشد کرده اند؟ اما آنها با دروغ و فریب سعی میکردند خود را از زیر بار سئوالات کارگران نجات دهند..."

در آخر اعلامیه آمده است که: "تنها زمانی میتوانیم شورا را به سنگری از مبارزه علیه سرمایه داران و دولت حامی آنان تبدیل کنیم که نمایندگان واقعی خویش را انتخاب نمائیم."

کارگران پیشرو کارخانه مکانیک تهران ضمن بخش تراکتی گفته اند: "دکترو داری درست و حسابی

باید با استخدام کارگران بیکار، بساط "اضافه کاری اجباری" در کارخانه ها برچیده شود!



روزشمار / قیام



ملاح خودنمی‌دانند و را برای خروج تحت فشار می‌نهد. شاه جلاد با اکراه اعلام می‌کند که خسته است و احتیاج به مسافرتی کوتاه برای استراحت دارد.

توده‌ها با ردیگر در شهرهای مختلف دست به تظاهرات می‌زنند. این تظاهرات در برخی شهرها به جنگ و گریز خیابانی منجر می‌شود. بتدریج بر اثر حملات وحشیانه ارتش توده‌ها تا کتیک تظاهرات موضع می‌را بخوبی می‌آموزند و به کار می‌گیرند. مردم غیررتبیرز شبانه به خیابان ریخته و به تظاهرات می‌پردازند.

روزنامه‌ها پس از اکتساب موفقیت آمیز خود بر ضد اسنور با اکتفاء به نیروی خلق شروع بکار می‌نمایند اما دیدیم دیری نپایید که رژیم جمهوری اسلامی با اکتفاء به توهم خلق دوباره آنان را به اختناق و اسنوری سیاه‌کشانید.

کارکنان مبارز بانک مرکزی لیست دزدیها و غارت و جپاول سرمایه داران بزرگ را منتشر می‌کنند. این لیست نقش مهمی در افشای چهره‌گریه خاندان پهلوی و سرمایه‌داران وابسته در نزد توده‌ها بازی کرد. آنان تصور نمی‌کردند پس از مدتی کوتاه، بار دیگر اسناد خروج ارز و دزدیهای سران رژیم جمهوری اسلامی را افشاء نمایند (بعنوان مثال سند دو بیست میلیون تومان‌های هاشمی رفسنجانی).

در این شرایط که ایران یکپارچه خون‌آش است و توده‌ها می‌روند تا تومار رژیم سلطنتی را با انقلاب قهرآمیز خود درهم پیچند. آیت‌الله خمینی طی اطلاعیه‌ای می‌گوید: "بسر حضرات علمای ایران است که مردم را با اطلاعیه‌ها بیدار کنند و آنان را به وظائف شرعی خود آگاه نمایند. که مجازات اشخاص خیانتکار و محرم بعد از اثبات خیانت با محاکم صالحه است نه با اشخاص متعارف."

۱۹ دیماه - ساعت ۱۰ صبح یک واحد ارتشی مستقر در خیابان آنتبول فرانس که در سرکوب خونین دانشگاه نقش اساسی داشت مورد حمله مسلحانه یک واحد عملیاتی سازمان قرار گرفت.

کارگران رزمنده صنعت نفت در پالایشگاههای تهران، شیراز، تبریز و کرمانشاه با تشکیل سندیکای شرکت کارکنان صنعت نفت اداره کنترل امور را در دست گرفتند. آنان شرایطی را جهت تولید سوخت رسانی برای مصرف داخلی توده‌های زحمتکش اعلام نمودند که از جمله "عدم مداخله" مقامات شرکت نفت و پالایشگاهها در امور - کنترل کامل امور پالایش و توزیع و پخش و تخلیه مواد نفتی - عدم هرگونه مداخله قوای نظامی و تخلیه آنها از پالایشگاهها و مناطقی نفت خیز - استفاده نکردن ارتش از نفت مصرفی مردم و... بود. رژیم بقیه در صفحه ۶

روزنامه با سخنرانی سید خروشان توده‌ها می‌روند تا کل سیستم حاکم را بر سر سوال بکشد. آمریکا هراسان و سمناک خار را در خروج شاه مزدور می‌بیند تا با تدفیر خلق فروکش کند. بخیرا مزدور اما دکی خود را جهت حفظ و حراست ارتاج و تخت در غیاب شاه اعلام می‌کنند.

۱۵ دیماه ۵۷: بحیاریکی از سران جبهه ملی احزاب ایران "فرمان نخست وزیری خود را از دست شاه جلاد دریافت کرد و در این روز گفت: شاه شاه موافقت کردند که سلطنت نکند. طبق قانون اساسی دولت باید حکومت کند."

سازان جبهه ملی و نهضت آزادی به مشروطه خود که سلطنت و نه حکومت شاه بود رسیده بودند. اما لگوموتیوا انقلاب که حرکت در آمده بود راه سومی برای آنان نهاد. با اشدن زیرجرخهای آن و با کشیده شدن به همراهش موضع گیری سریع توده‌ها در مقابل بخیرا رسمی جهت سازش با قی نه نهاد. درست در همین روز شعارهای "مزرک بر بخیرا رنوگری یا خیرا" "بختیار سک جدید در بار" و... در کوجه و خیابان نقش بست و دهان به دهان می‌چرخیدند.

۱۷ هزار کارگر قهرمان ذغال سنگ کرمان دست به اعتصاب زدند. در این روز او سی جلاد استعفا کرد و به خارج گریخت. اریسدره با غی رئیس بنا دار رس شد.

در این روز ژنرال هوپرز جهت بررسی و کنترل اوضاع جاری به همراه تعدادی دیگر از مزدوران آمریکائی به ایران آمدند.

۱۷ دیماه: بخیرا رکابینه خود را معرفی می‌کند. آمریکا که دیکتر بقای شاه را به

شده از متحدان حاکمیتی که نفس ارتسام قدرت را به جنگ خود شرف بد دولتی خوشیده از بدلی قیام. بلکه ارکان سازی بود که با وجه الممال احد فرار دادن جنسین توده‌ها، و بدورا شرکت و تصمیم گیری آنان تلفد بسته بود. حاکمیتی که معرفت تا آرام آرام با سازشهای پشت پرده تمامی ماسین دولتی را سالم و دست نخورده تصرف کنند. و بهمین علت سر قیام خلق نه سودا و نه در جهت بنسبت و تحکیم او، بلکه سلی بود که بر سر او فرود آمد، سلسلی که گرچه توسط رهبران مها رگشت اما عواقب خرابیها "بی که در ماشین دولتی بیار آورد تا امروز نیز گریبان رهبران خیانتکار را رها نکرده است. مبارزات خلق که بر اثر بحران حاکم، اوج یافته بود، بعد از کشتار وحشیانه ۱۷ شهریور وارد مرحله جدیدی شد. توده‌ها اشکال متنوع مبارزه را تجربه می‌کردند و پیش می‌رفتند، تحصن، اعتصاب غذا، راهپیمائی، گروگان گیری، تعطیل مغازه‌ها، اعتصابهای کارگری نظا هرات موضعی، مستینک، اعتصاب سیاسی، حمله و تخریب ساختمانهای دولتی و بانکها، مقابله های موضعی با ارگانهای سرکسوب، انهدام و به آتش کشیدن وسایل نقلیه دولتی و... همگی اشکالی است که توده‌ها بکار گرفتند. همرا با اشکال مبارزاتی خلق در سوراخهای خود سوراخهای محلی، سوراخهای کارخانه، سوراخهای ادارات و... مشکل می‌گشت و این حرکت نکاملی بود که سرانجام به قیام مسلحانه خلق انجامید.

در او خرابی شیز ۵۷ مبارزات پیگیر خلق را دیکتر کشار و سرکوب جلادان

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

روز شمار قیام

بقیه از صفحه ۵

تحت فشار شدید توده ها بالا حصار تمامی شرایط را پذیرفت و کارگران با قدرت تمام عملیات را بدست گرفتند.

● ۲۵ دیماه - خمینی در مصاحبه با لوموند میگوید: اگر آمریکا به نحوی صحیح رفتار نکند و در امور داخلی ما مداخله نکند و مشاوران خود را که در امور کشور ما دخالت دارند فراخواند ما نیز آنها را احترام خواهیم گذاشت.

● در سراسر ایران راهپیمایی های وسیع توده ها ادامه دارد. با وجود سرمای شدید توده های مردم، زن کودک، پیرو جوان با شرکت در تظاهرات وسیع کینه و نفرت خود را نسبت به رژیم حاکم نشان می دهند.

● در مهاباد "شورای اجتماعی" برای شکل دادن به سازماندهی جنبش خلق در این شهر بوجود آمد. توده های رزمنده کرد بشکلی سازش ناپذیر چون سالیان طولانی قبل به مقابله با رژیم ادامه میدادند.

● ۲۱ دیماه: در دزفول دهقانان با شعار "زمین مال دهقان است، نه ارباب و رعیتی، نه شرکت گشت و صنعت به تظاهرات پرداختند."

● در تهران بهشت زهرا به مرکز تجمع توده های بدل گشته است. هر روز تعداد زیادی از مردم با تجمع در این مکان به تظاهرات می پردازند. نیروهای ترقیخواه با سازماندهی بحث بر سر مسائل توده ها به روشنگری و تبلیغ می پردازند. توده ها که از زیر فشار سالها دیکتاتور سر بردار ورده اند تشنه دانستن و آگاه هیند و علی رغم نقش مخرب فالانژها (که دیگر در حال شکل گیری اند) بشکل وسیعی در بحث ها شرکت میکنند.

● ۲۳ دیماه: دانشگاهها پس از مدتی که از سوی رژیم تعطیل گشته بود به نیروی خلق گشوده گشت. در این روز توده های وسیعی بسوی دانشگاه تهران حرکت کردند. مردم با دادن شعارهای چون مرگ بر شاه، مرگ بر بختیار - مرگ بر آمریکا و همچنین تنها ره واقعی جنگ مسلحانه است. تمامی روح میا رزاتی خود را به نمایش نهادند اما رهبران سازشکار از پشت پرده گوها به بهانه اینکه "مردم بداندید توطئه ای در کار است" آنان را به "سکوت انقلابی" فرا می خواندند.

در این روز کارگران و همچنین زندانیان سیاسی این فرزندان راستین خلق، اجازه سخن گفتن نیافتند. با وجود تمامی تلاش "رهبران" در مهار کردن جنبش این روز نقطه عطف دیگری جهت پیوند هر چه عمیقتر دانشجویان و روشنفکران انقلابی با توده ها گشت. با زنگشایی دانشگاه ها حرکات وسیع دانشجویان

انقلابی در جهت حضور در کارخانه ها و در میان کارگران را تشدید نمود در عین حال دانشگاه ها را نیز به کانون پرشور انقلاب، به آموزشگاهی وسیع جهت انتقال تحریکات توده ها بدل نمود.

● دانشجویان با کوله بار عظیمی از مبارزات انقلابی در سالهای سیاه دیکتاتوری در این روزها به پیوندی عمیق با توده ها، با کارگران و زحمتکشان دست یافتند. پیوندی آنچنان مستحکم که تعطیل دوباره دانشگاهها توسط رژیم جمهوری اسلامی هیچگاه قادر به کسین آن نیست.

● آیت الله خمینی در این روز در پیام خود میگوید "توطئه ای در خارج از کشور... در دست اجراست... میخواهند به مجرد رفتن شاه دسته هایی از مزدوران و اشرار را وادار کنند که به اسم ملت مسلمان حمله به ارتش و سربازها و شهرهای آنها و دیگر مؤسسات دولتی و نظامی کنند. مردم موظفند به نیروهای انتظامی و ارتش با برادری و مهربانی رفتار کنند و اگر اشرار قصد حمله به آنان را داشتند از برادران خود دفاع کنند."

● آیت الله خمینی که اینک دیگر چشمانداز بدست گیری مسالمت آمیز قدرت را می بیند سعی دارد با مهار جنبش خلق جلوی هرگونه "هرج و مرج و اغتشاش" را که احیاناً به خارج شدن کنترل جریان از دست "رهبران" منجر گردد، بگیرد.

● ۲۴ دیماه: مجلس به بختیار رأی اعتماد داد.

● اساس شورای سلطنت اعلام شد. در این شورا ارتش قدره با غی رئیس ستاد ارتش شرکت دارد. نام آیت الله بهشتی بعنوان روحانی عضو شورا در آخرین لحظات بعثت وجود جنبش توفنده خلق از لیست حذف شد تا این مهره بتواند در زمانی دیگر و با حضور خود در "گادر رهبری" جنبش، نقش خود را ایفا کند.

● در همین روز وزیر امور خارجه آمریکا از ارتش درخواست کرد تا از بختیار حمایت کنند و بهیچوجه دست به کودتا نزنند.

● سنجایی که شاهداست چگونه سیل خروشان خلق سازشکاران را از سر راه خود برمی دارد، او که خودش همدون چگونه کوچکترین سعی در جهت جلوگیری از رشد مبارزات خلق به سختترین صورت پاسخ داده میشود، او که دید چگونه در روز بزرگداشت استاد نجات الهی توده ها او و فرور را که جهت به انحسراف کشانیدن و منتفی کردن مراسم به سخنانی پرداختند بزرگشیدند و از صحنه خارج کردند، با دستپاچگی تمام در مسجد شاه هرگونه انتساب بختیار با جنبه ملی را انکار میکنند.

● در این روز از سوی آیت الله خمینی تشکیل شورای انقلاب و وظایف دولت موقت اعلام میشود این وظایف بشرح زیر است:

- ۱- تشکیل مجلس مؤسسان بمنظور تصویب قانون اساسی.
- ۲- انجام انتخابات بر اساس مصوبات مجلس مؤسسان و قانون

اساسی جدید.
۳- انتقال قدرت به منتخبین جدید. شاه بودیم که چگونه تمامی این وظایف پس از قبضه کامل قدرت دگرگون گشت.

● آیت الله خمینی در سخنرانی خود میگوید "ارتش خیال نکند که ملت با آنها دشمن است، به تنهایی نمیتواند بلکه ملت با آنها دوست است، ملت نه با ارتش نه با شهرهای و با زاندارمری مخالف نیست و این نقشه ای است که از طرف ساطن کشیده شده تا برادر کسی راه بیاندازد..."

● توده ها به پیروی از "مبوبات رهبری" در مسرهای راهپیمایی خود به سوی دانشگاهها به ارتش گل میدهند ولی ارتش آمریکائی از ساعت ۲ بعد از ظهر گشتار را آغاز می کند و توده ها را به گلوله می بندد.

● ۲۵ دیماه: ارتش قدره با غی مزدور در مصاحبه مطبوعاتی خود میگوید "اطمینان میدهم که ارتش کودتا نخواهد کرد... وظیفه ارتش دفاع از ملت در برابر دشمنان داخلی و خارجی است و حوشختانه در ۵۰ سال گذشته به وظیفه خود عمل کرده است."

تیمسار مزدور اینک که رفتن شاه را ناگزیر می بیند تمام می همت خود را در جهت حفظ ارتش ضد خلقی بکار گرفته است و به همین علت است که از عدم پیروی همه توده ها از "دستورات

رهبری" در مورد ارتش نگران است او میگوید: "می بینیم همه کسانی که در میان مردم هستند تابع دستور روحانیان نیستند و می خواهند از اوضاعی که پیش آمده بفرج خود سوء استفاده کنند و اینها همگان دشمنانی هستند که آیات عظام به آنها اشاره کرده..."

● ۲۶ دیماه: در این روز شاه این مزدور آمریکائی پس از ۳۷ سال ظلم و ستم بر توده های محروم خلق ایران فرار میکند توده های خلق در این روز در کوجه و خیابان به سادی و بیابویی می پردازند و فرار شاه را احسن میگیرند. او جگری و فراگیر شدن شعار "بعد از شاه نوبت آمریکاست" که بدرستی و بشکلی وسیع توسط نیروهای ترقی خواه به میان توده ها برده میشود این جشن و شادی را به "رهبرانی" که "اوج انقلاب" را در رفتن شاه میدیدند حرام کرد.

● سازمان در این روز در اعلامیه فرار شاه "نوشت: "امروز با سرنگونی شاه حدود مرزهای نیروهای سازشکار و فرصت طلب و نیروها و عناصر انقلابی صادق روشنتر میگردد. این حدفاصل تنها بر اساس چگونگی جهت گیری نظری و عملی روی شعارهای ضد امپریالیستی و مبارزه آشتی ناپذیر جهت سرنگونی حاکمیت امپریالیسم و نوکرائش قابل تشخیص است."

● ۲۸ - ۲۷ دیماه: مزدوران ارتش و ساواک بر حرکات وحشیانه و دیوانه وار خود می افزایند. اهواز و دزفول نیز بزرگترین شهرهای تانکهای ارتش ضد خلقی می لرزد و توده های آزادی بخش و خون بر جای میمانند. تانکها

بقیه در صفحه ۷



روز شمار قیام

بقیه از صفحه ۶

وحشیانه در شهر جولان میدهند. وتوده های محروم، مردوزن و کودک را به همراه ماشین و منازعه و هر چه بزرگتر راه می بینند و با شلیک گلوله و بیابیزیر زنجیرهای خود به نا بودی می کشاند.

♦ حدود ۵۰۰۰۰ حماق بدست در حوالی میدان فوزیه تهران به مردم حمله میکنند اینان با شعار "جا ویدشاه" به نظر هراتی وحشیانه می پردازند.

♦ در این شرایط که توده های خلق در میان آتش و خون به آفرینش حماسه تاریخ مشغولند "سران" در حال فراهم آوردن زمینه های سازش و بدست گیری قدرت از طریق مسالمت آمیزند.

آیت الله بهشتی که بعدها به "مرد قدرتمند ایران" معروف گشت به همراه حجت الاسلام رفسنجانی بنا تیمسار مقدم رئیس دستگاه اهریمنی ساواک و ارتشبد قره باغی رئیس ستاد ارتش، مزدوران و خود فروختگان آمریکائی ملاقات میکنند.

♦ آیت الله خمینی در پاریس بنا خسروفتائی ملاقات و مذاکره میکند.

♦ خلق قهرمان کردیک پاسگاه ژاندارمری را پس از محاصره خلع سلاح میکند.

♦ بتدریج شوراها از میان مبارزات خلق میجوشند و سربسروون میاورند. اینک دیگر شوراها محلی، تعاونی های توزیع و انجمنهای همکاری توده ای شکل گرفته است. توده ها با بدست گیری امور محلات، توزیع و خدمات و... در عین برقراری رگانهای خاص خود در حال تمرین و فراگیری اند، خلق آموزش می بیند.

در این زمان دیگر تمامی دیوارها و گذرگاها پراست از اوراق مصور آموزش اسلحه، فراگیری ژ-۳، نارنجک دست ساز، بمب ساعتی - سراهی - کوکتل مولوتف و... همگی بر روی دیوارها آموزش داده میشود. خلق به ضرورت تسلیح، به ضرورت مقابله مسلحانه پی برده است. دانشگاه مفهوم واقعی خود را یافته است. آموزشگاهی وسیع جهت توده ها، هر کس که آموزش نظامی دیده یا دوره سربازی را گذرانده جزئیات اسلحه، با زو بسته کردن و تیر اندازی را بدیگران یاد میدهد. با وجودیکه اسلحه ای در دست نیست اما توده ها وسیعاً به آموزش مشغولند.

♦ زندانیان سیاسی این فرزندان راستین خلق نیز در اثر اوچکیوری مبارزات توده ها و بقدرت خلق بتدریج آزادی خود را بازمی یابند. استقبال چشمگیر توده ها از این مبارزین خود



بیا نگر احترام و محبت بی شائبه ای - است که خلق به تمامی کسانی که در راه او و به همراه او می رزمند قائل است.

♦ ۳۰ دیماه : آیت الله خمینی، صادق طباطبائی - شهریار روحانی، احمد عزیز و رضا صدر را با مورا مور سفارتخانه و کنسولگریهای ایران در آمریکا می کند.

♦ حدود ۱۰۰۰۰۰ همافرو درجه دار در پایگاه هوائی بندرعباس راهپیمائی کرده و همبستگی خود را با نهضت و مخالفت خود را با هرگونه کودتا اعلام میکنند. در همین هنگام پرسنل پایگاه وحدتی در حال اعتصاب غذا بسر میبرند.

♦ بر اثر اوج گیری جنبش خلق تضادهای طبقاتی در ارتش نیز نمود خود را یافته است. فرزندان کارگران و زحمتکشان و دهقانان یعنی سربازان، درجه داران و افسران جزء همبستگی خود را با توده ها اعلام میکنند.

♦ ۱ بهمن ماه : آیت الله خمینی اعلام میکنند که "بزودی در میان شما خواهد بود."

♦ سید جلال تهرانی رئیس شورای سلطنت استعفای خود را در پاریس به آیت الله خمینی میدهد و با او ملاقات میکند.

♦ در این روز راهپیمائی مستقلی از سوی نیروهای چپ از میدان قزوین تهران سازمان داده میشود. این راهپیمائی با وجود حملات معدودی از نیروهای فاشیست موفقیست و با استقبال بسیار برگزار میگردد. به آذین - سردمدار علنی "توده ایها" این راهپیمائی را تحریم کرده بود.

♦ ۲ بهمن ماه : گروهی از افسران و درجه داران تیپ ۲۳ نوهد (نیروی ویژه هوا برد) در عین اعلام همبستگی با نهضت خلق به افشای ماهیت ضد خلقی سرهنگ رکنی مزدور، در رابطه با وادار

نمودن تیپ به سرکوب و انجام راهپیمائی های "شاهی" پرداختند. خواست مشخص سربازان، درجه داران و افسران جزء، از بین رفتن نظام اطاعت کورکورانه و ساخت آمریکا ارتش و بوجود آمدن نظم شورایی در آن سرکوب و نابودی رکنیها بود اما رژیم جمهوری اسلامی با سرکوب شوراها، تحکیم اطاعت کورکورانه، بقای ساخت ارتش و پروبال دادن به رکنیها تا آنجا که قصد کودتا نمایند، به این خواست ها پاسخ داد.

♦ قطب زاده که بعنوان سنگسوی آیت الله خمینی معرفی شده است. در محاصره ای در پاریس اعلام کرد "در جمهوری اسلامی هر کس میتواند آزادانه بنویسد، بیان دهد و برای نشر عقاید خود فعالیت کند... مارکسیست - لنینیست ها و ما ثونیسیت ها و غیره... آزادند که نظرشان را بدهند و مانند سایر احزاب حرفشان را بزنند و نشر بدهند. قطب زاده که میداند توده های برخاسته از زیر شدیدترین اختناق در دیکتاتوری

یکی از اساسی ترین خواستهایشان آزادی است با چنین سخنانی آنان را می فریبند. اما ماهیت و عملکردهای این مزدور پس از قبضه قدرت، خود بهترین نشانه این مساله است که رژیم جمهوری اسلامی تا چه حد به خواستهای توده ها پاسخ مثبت داد.

کارگران و کارمندان کارخانه بوتان از مطبوعات خواستند که علیه تمام تهدیدها به هیچگونه سانسوری تن در ندهند مطبوعات که به نیروی خلق بر دیوسا نسور غلبه کرده بودند به این خواست پاسخ مثبت دادند و رسالت خود را به انجام رسانیدند این کار را ادامه یافت تا این با رحکام نسو پای جمهوری اسلامی با تکیه بر توهم بقیه در صفحه ۸

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد

روز شمار قیام

شماره ۷ از صفحه ۷

خلق پنجه در کلبوی مطبوعات سردند و با پیشوانه نیروهای سرکوبگر خود احمقانه و سیاه را بر مطبوعات حاکم گردانیدند.

● تیمسار قره باغی در اسرور کفست موضع ارتش دفاع از قاسون اساسی و دولت قانونی است.

● ۳ بهمن ماه : کمیته "تندیس" اعضا باها مستحدا مام "تهرباستت بداللهیجایی تشکیل شده و شروع بکار نمود.

● آیت الله خمینی در مصاحبه با روربا مطالبات از دادن جواب مشخص به شکل حکومتی و عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی طفره میزد و آیت الله در مورد آرا دیهای سیاسی میگوید "همه چیز و همه کس آزادند مگر اینکه مخالف مصالح مملکت باشند" وی در مورد نقش زنان میگوید "حالا وقت این حرفها نیست"

و در مورد شکل مالکیت میگوید "بعدها روشن خواهد شد" آیت الله خمینی که میدانداران سیاسی ترین خواستههای توده های خلق گسب آزادیهای سیاسی، کسب حقوق و آزادیهای دمکراتیک و

نابودی سیستم سرمایه داری و وابسته است تمام می این خواستهها را مسکوت می نهد تا حتی الامکان به "وحدت کلمه" لطمه ای وارد نشود.

● بازرگان در این روز میگوید "بختیار مردم منطقی وطن پرست و معقولی است" ذکر این سخنان درست زمانی است که شعار مرگ بر بختیار، نوکری اختیار در سراسر ایران بر زبانها جاری است و خون صدها جوان از جنگال مزدوری چون بختیار می جکد.

● ۵-۴ بهمن ماه : تعداد زیادی از نظامیان بسوی منزل آیت الله طالقانی راهیما می می کنند.

● کارمندان مبارزین در ادارات و وزارتخانه های مختلف از ورود وزراء و مدیرکل نامه محل کار جلوگیری بعمل می آورند بدین طریق عملا حکومت موجود را به رسمیت نمی شناسند.

● آیت الله خمینی میگوید "عجالتا" سانداندارم که امر به برداشتن سلاح کنیم هر وقت صلاح دیدم این امر را می کنم..." و زدی دربارین میگوید: "هواداران - آیت الله العظمی در نظرندارند بیه

خشونت موبسول نبود و در صورتی که نظامیان از فرود هواپیما مانع است کنند. آیت الله خمینی و اطرافیان با دیگر جنبی سخنانی نه تنها تمام می سعی خود را در مهار کردن توده ها و جلوگیری از شکل گرفتن قیام مسلحانه بکار

میبرند بلکه به ارتش و مزدوران حکومتی سر اطمنان خاطرهای لازم را جهت حفظ و مداوم آنان میدهند و به فراهم نمودن هر چه بوسرر میسه های سازش میبردارند.

● ۶ بهمن ماه : اصرار آیت الله خمینی در بازگشت متحر به سینه شدن فرودگاهها از سوی بختیار و بخش اعلامیه حکومت نظامی از رادیو مسکود. بختیار این مزدور آمریکائی، چهره کزیده خود را بیش از پیش نشان میدهد.

● راهیمائی های مینوی توده ها در ابعاد بسیار وسیع همچنان ادامه میدهد می باید. بعرض ارتش به راهیما نیها به سرعت آرا رادیو کالیزه کرده شده - نظا هرات موضعی و خنک و کزیر خیابانی بدل میکند. نیروهای جبهه یارزی در سازماندهی این حملات ایفا میکنند.

● آیت الله خمینی دربارین با ارتش فریدون جم ملاقات میکند.

● ۷ بهمن ماه : اطلاعیه لشکر سنج مبنی بر تحزیه طلب بودن خلق کرد با عت شکل گیری اعتراضات و حرکات وسیعی در بین این خلق بخصوص در سنج میگردد. خلق کرده

همیشه غیورانه همگام با توده های سراسر ایران برای رسیدن به خواستههای برحق خود مبارزه کرده است همواره از سوی ضد انقلاب به تحزیه طلبی محکوم گشته است. و این امر فقط بهانه است تا شاید بتوان دیگر خلقها را فریب داده سرکوب و حشیا نه خلق کرد را موجه جلوه دهد.

● تعدادی از روحانیون در مسجد دانشگاه تهران متحصن شده خواستار بازگشت آیت الله خمینی میگردند.

● در این روز کشتار وحشیانه میدان انقلاب تهران شکل میگیرد. مزدوران ارتش با یورش وحشیانه خود به توده های خلق با ر دیگر ما هبت ضد خلقی خود را نشان میدهند. مردم شدت به مقابله بر میخیزند. فریادهای "رهبران ما را مسلح کنید"، "تنهاره رها یی

جنگ مسلحانه است - مسلسل، مسلسل جواب ضد خلق است، تمام می میدار و خیابانهای اطراف را فرا گرفته است. جوانان پر شور به سازماندهی این حرکت مشغولند، مردم برای پرتاب کوکرتل مولوتف صف بسته اند - هر چه ارتش وحشیانه تر حمله میکند فریادها

اوج بیشتری میاید - ارتش خلقی به پای می کنیم میهن خود را رها می کنیم، ارتش ضد خلقی نا بود با بدگردد. این کشتار تا پاسی از شب ادامه می یابد.

● بختیار مزدور بر این کشتار صریحا صحه می نهد و آن را دفاع زاندار مری از خود می نامد. رژیم منح هرگونه اجتماع و نظا هرات را اعلام میکند، ولی دیگر بسیار دیر است توده ها بی

خواسته اند و چارچوب تمام می قوانین موجود را درهم می شکنند.

● سخنگوی آیت الله طالقانی درگیری های این روز را نقشه عوام مل بر سر برده و مزدوران می نامد و مردم را به صبر و شکیبائی و عدم درگیری دعوت میکند. همین سخنگو می گوید عوام مل ساواکی و خود فروخته که حتی در حال ارتکاب به اعمال خلاف و ضرب و جرح

وسط مردم دستگیر شده و به خانه آیت الله آورده شده اند "مهربانان" مصحح "ار" جنکال مردم عصائی بحاب داده شده و به خانه های خود عودت داده میشوند.

"رهبران" که قدرت را در دوقدمی خود می بینند و درک می کنند که برای کسب آن احتیاجی به بکارگیری ایلحه و حرکات قهرآمیز نیست نمیتوانند قیام را باور کنند و تمام می این حرکات دلبرانده را به مزدوران و سر

سیردگان رژیم نسبت میدهند.

● ۹ بهمن ماه : بختیار اعلام میکند رژیم ایران میتواند جمهوری شود ولی راه قانونی دارد و نا بدبتدریح انجام گیرد اما خلدیها خواسته راه - قانونی نمی شناسد. نظا هرات

خشمگسنا نه توده ها در این روزها دامنه میابد. موم بر این روز حالت نیا خمی - دارند. در میدان انقلاب بر لشکر لطیفی این مزدور وابسته در حالیکه

به روی مردم اسلحه کشیده است دستگیر میگردد. توده های خشمگن وی را با ضرب و شتم به سردرو حانیون متحصن میبرند تا "کسب تکلیف" کنند و

روحانیون متحصن با "سررس مردم از این کاروی را آزاد نموده بیه بیمارستان میبرسانند. "رهبران" به حوجه حاضر نیستند پای خود را فراتر از مبارزه، مسالمت آمیز در جهت کسب

قدرت بنهند.

● آیت الله خمینی در همین روز - اعلام میکند "ما میخواستیم ارتش را از دست این مستشاران نجات دهیم این گردن کلفت های ارتشی راضی نمی شوند. باید این گردن کلفت ها را با زنجیره طرف سعادت بکشیم

و ما می گوئیم شما باید آقا یا شیدا آنها میخواستند نوکریا شد. "حقا که این گردن کلفت ها فقط از روی حماقت طبقاتی خود این آفاشی را با جا زودل نمی پذیرفتند. اگر فلاحی ها و ظهیر

نژادها می دانستند که چگونه در رژیم جمهوری اسلامی بکار گرفته میشوند آنگاه دیگر برای کشیدن آنان بسوی سعادت زنجیر لازم نبود.

● در این روز مقر ژاندار مری در ۱۲۴ سفند به انتقام حملات وحشیانه و کشتار خلق در روز گذشته مورد حمله، یک اکیب از رزمندگان سازمان قرار گرفت.

● ۱۱-۱۰ بهمن ماه : کارگران شرکت نفت اعلام کردند که باید در شورای انقلاب شرکت داده شوند.

● کارگران مبارز نفت که با اعتصاب تاریخی خود نقش عظیمی را در سیرد مبارزات توده ها ایفا کرده اند - خواستار شرکت مستقیم در حاکمیت سیاسی اند.

● آمریکا دستور خروج وابستگانش از ایران را صادر نمود.

● مبارزات توده ها اشکال قهرآمیز سری به خود گرفته روزی نیست که به ماشینهای دولتی، کامیونها و حب های ارتشی به آتش کشیده شوند توده ها علیرغم خواست "رهبران" به اشکال قهرآمیز مبارزه روی می آورند.

● ارتش در تهران تدرت خود را به نمایش نهاد، رژه، وسیعی از سوب و تاک و نیروهای مسلح ارتشی در تهران انجام گرفت که در ساطلسی چون میدان فوزیه و روبروی دانشگاه تهران با تیراندازی و کشتار همراه شد در صده ۲۵



پیروزی با انقلاب السالوادور



قسمت دوم، شماره ۹۵

● مبارزات توده‌ها - تاکتیک کمونیست‌ها و دیگر نیروهای انقلابی

گرچه پیش از بر روی کار آمدن خونتای مبارزات توده‌ها روبه حدت میگذارد، اما پس از کودتای ۱۵ اکتبر ۱۹۷۹، این مبارزات گسترش فزاینده‌ای را شاهد بوده است. عامل موثر در تداوم این مبارزات از یکسوفشار اقتصادی ناشی از بحران اقتصادی و از سوی دیگر ارتباط عمیق و ارگانیک سازمانهای انقلابی با جنبش توده‌ها است. این واقعیت درخشانی است که انقلابیون کمونیست توانسته اند با منفرد ساختن خونتای و فریب‌دهنده‌ها را به آن سطح از آگاهی طبقاتی برسانند، که آنان قادر به تشخیص منافع تاریخی - طبقاتی خود باشند. نمونه بارز: اصلاحات ارضی خونتای و شکست رژیم در ارائه آن، بیان سطح آگاهی توده‌های دهقان و شدت و عمق نفوذ جریان‌های سازمانهای انقلابی در درون جنبش توده‌ای میباشد.

اشکال گوناگون مبارزات توده‌ها، از اعتصابات گرفته تا مصادره و مبارزه مسلحانه همه جای چشم میخورد. انقلابیون کمونیست توانسته اند با ایجاد شکل‌های توده‌ای، تمامی مبارزات را آگاهانه هدایت کنند. کارگران و پروولتاریای صنعتی کارگران کشاورزی و اقشار تهیدست دهقانان، فعالترین بخش توده‌ها را در جنبش توده‌ای تشکیل میدهند. دانشجویان، معلمین و دیگر اصناف، هر کدام سازمانهای توده‌ای خود را تشکیل و تحت نظارت و هدایت سازمانهای انقلابی مبارزه دم افزونی را علیه امپریالیسم و پایگاه داخلی اش به پیش میبرند.

شرکت زنان در جنبش از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. ۴۰ درصد از رهبری "بلوک انقلابی خلق" را رفقای

زن تشکیل میدهند. رفقای زن رهبری ارتش انقلابی خلق و سازمان توده‌ای آن "لژیون خلق - ۲۸ فوریه" را در دست دارند. رژیم نه تنها وحشیانه ترین شکنجه‌ها را در مورد زنان انقلابی اعمال میکند، بلکه زنان را تنها به صرف جوان بودن مورد تعقیب قرار میدهد. خونتای ارتش ارتجاعی میداند که زنان جوان شدیداً در فعالیت انقلابی درگیرند و به همین دلیل ترور خیابانی و کورزنان را هر روز گسترش میدهد.

سازمانهای انقلابی، علیرغم اختلافات تاکتیکی در مورد اشکال مبارزه و نحوه تسخیر قدرت، در مبارزات به وحدت عملی نسبی دست یافته اند. انقلابیون کمونیست اشکال عالیتر مبارزه را برای تسخیر قدرت سیاسی به توده‌ها مینمایانند توده‌ها امروز قادرند که به دفاع از خود مسلحانه پرداخته و اخیراً حتی در تسخیر شهرها، مبارزه مسلحانه توده‌ای را سازمان داده‌اند. سازمانهای سیاسی - نظامی متناسب با درک خویش از مسائل جاری جنبش و در ارتباط با مبارزات توده‌ها و برای هدایت و ارتقا مبارزات آنها اشکال و تاکتیک‌های متنوعی را در مبارزه بکار میگیرند. اقداماتی از قبیل اشغال سفارت اسپانیا و یا اشغال دفتر "حزب دمکرات مسیحی" بوسیله "لژیون خلق - ۲۸ فوریه" از جانب "بلوک انقلابی خلق" و "جبهه متحد عملیات خلقی" مورد انتقاد قرار میگیرد. انقلاب خودبه رهبران می‌آموزد و آموزش رهبران در عمل مبارزاتی توده‌ها مادیت پیدا میکند.

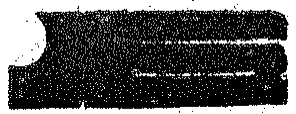
از هنگام روی کار آمدن خونتای جنبش از چهارده هزار عمل نظامی، اشغال مجامع و... صورت گرفته است. رادیوهای رژیم بوسیله نیروهای انقلابی با رها کردن اشغال و در آن پیام انقلابیون خوانده شده است. در همین حال ادارات دولتی و سازمانهای اجرائی که نقش مشخص و ملموسی در سرکوب توده‌ها دارند، توسط توده‌های

زحمتکش برهبری سازمانهای انقلابی اشغال میشود. مثلاً اتحادیه حاشیه نشین‌ها "عضو بلوک انقلابی خلق" با اشغال اداره مربوطه، از دولت خواست تا در مناطق حاشیهای، لوله‌کشی و آب مجانی اهالی را تامین کند. بلوک انقلابی خلق با اشغال وزارت کار، توانست خواسته‌های خود را به خونتای تحمیل کند. سران منفور رژیم و آنان که نقش برجسته و مستقیمی در سرکوب دارند، اعدام انقلابی میشوند جاسوسان و خبرچین‌ها نیز مجازاتی در حد مرگ دارند که مراکز تحقیق و اشاعه فرهنگ مپریالیستی از قبیل روزنامه‌ها و... اشغال میشود. همزمان با رشد مبارزات مردم، شهرهایی که در آنجا رژیم نیروی کمتری را متمرکز نموده، موقتاً تصرف میشوند و زمینه عدم تمرکز قوای دولتی را - تاکتیکی که توسط انقلابیون سازماندهی شده در نیکاراگوئه بکار گرفته شد - فراهم میکنند. در طول جاده‌ها، نیروهای مسلح رژیم موردتهاجم واحدهای نظامی انقلابیون قرار میگیرند. پادگانهای نظامی مستقیماً از اوایل سال ۱۹۸۰ به وسیله "بلوک انقلابی خلق" و شاخه سیاسی - نظامی اش "ارتش آزادیبخش خلق - فارابوندمارتی" مورد حمله قرار گرفتند.

پادگانهای نظامی سان سالوادور و سانتا آنتونیا از نخستین پادگانهای مورد حمله بودند. تلفیق اشکال مبارزاتی و دقت در بکارگیری تاکتیک‌ها، از جمله ویژگیهای انقلابی سالوادور است. و طبیعتاً "بلوک انقلابی خلق" و شاخه سیاسی - نظامی اش "ارتش آزادیبخش خلق" - فارابوندمارتی، در تعیین این تاکتیکها نقش عمده‌ای دارد.

بقیه در صفحه ۱۰

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



پنجمین صفحه ۱۰

● احزاب حاکم

محصول زیندسرمایه داری و ایستاده در آل سالوادور، اقتضای سرمایه داری متوسط بود که عمدتاً به دنبال رفاه های صنعتی دهنده و پدید آمدند. در دهه ۱۹۶۰ عمده ترین حزب بورژوازی متوسط در آل سالوادور تحت بنام "حزب دمکرات مسیحی" تشکیل شد این حزب حمایت دمکرات مسیحی های اروپایی را بدنبال داشت و توانست در اندک مدتی، با توجه به رشد نارضایتی مردم و سازشکاری "حزب کمونیست" با ناطا هرید، مخالف بنام دولت ریورا، گسترش قابل ملاحظه ای بنماید، بگونه ای که در سال ۱۹۶۸، کل شهرداریهای آل سالوادور در اختیار منبختی این حزب بود. در همین سال "حزب دمکرات مسیحی" توانست در مقابل "حزب ائتلاف ملی"، ۱۶ کرسی پارلمان در برابر ۲۸ کرسی آن حزب را از آن خود سازد. حوزه تاپلئون دوارته شهردار آل سالوادور در آن سال به پرجادیه ترین "رهبر" حزب دمکرات مسیحی بدل شده بود. او اکنون رئیس جمهور آل سالوادور و مسئول کتتار هزاران نفر از انقلابیون آل سالوادور می باشد.

"حزب دمکرات مسیحی" با برنامه "توسعه ملی" قدم به عرصه سیاست گذاشت و با طرح "صنعتی کردن آل سالوادور" و سهم کردن بخشهای بیشتری از بورژوازی در سودهای عاید، توانست بخش هایی از خرده بورژوازی را بسوی خود جذب کند. اما بتدریج عیان شدن طرحهای سازشکارانه و بورژوازی این حزب و بخصوص پس از جنگ هروزه هندوراس، جریانهای خرده بورژوازی درون حزب، انشعاب کرده بهمراه بخشی دیگر از چریکهای چپ گرا، "ارتش انقلابی خلق ERP" را بنانهادند. بطور کلی حزب در نخستین گامهای حیات خود با طرح "توسعه ملی" و فقدان یک آلترناتیو انقلابی و نیز با اتکاء به آراء و عقاید مذهبی مردم توانست پایگاه وسیعی در میان نوده ها پیدا کند.

"حزب دمکرات مسیحی" علیرغم پیروزی نسبی، در مجموع در انتخابات ۱۹۶۸ شکست خورد. بدنبال جنگ هندوراس و آل سالوادور، حزب حاکم یعنی حزب ائتلاف ملی، بمنابا به فرمان جنگ طرح شد. وسایه شوم خود را بر جداولها و آراء سیاسی مردم گستراند، بگونه ای که پس از جنگ توانست بیش از ۶۰ درصد کل آراء را بدست آورده و کنترل مجدد خود را بر شهرداریها و کرسی های مجلس اعمال کند. "حزب دمکرات مسیحی" پسرای انتخابات سال ۱۹۷۲، به همراه "اتحادیه دمکراتیک ملی" وابسته به "حزب کمونیست آل سالوادور" و جنبش انقلابی ملی، متشکل از سوسیالیستهای هم نظریا ایده های سوسیال دمکراسی اروپا، تشکلی را بنام "اتحادیه اپوزیسیون ملی" برپا نمود. در انتخابات سال ۱۹۷۲، سرهنگ آرتور مولینا از طرف "حزب ائتلاف ملی" و تاپلئون دوارته از جانب "اتحادیه اپوزیسیون

پیروز باد انقلاب السالوادور

ملی" گانبدندند که به نکت دوارته در انتخابات انجامید. آرتا که در انتخابات نطلب های آشکار صورت گرفته بود، عناصر مبارز درون "اتحادیه اپوزیسیون ملی" به دوارته فشار آوردند تا اعتراض کرده و فراخوان اعتصاب عمومی بدهد. اما وی همانند همتای ایرانی خود آقای بازگان عقبه ای کرد و از اعتراض چشم پوشید. اتحادیه اپوزیسیون ملی بگماه پس از انتخابات، تلاش کرد با کمک نظامیان هوادار خود در ارتش و ایضا بهمراه گروهی دیگر از نظامیان که اخیراً به وی پیوسته بودند، کودتایی راه بنماید. اما کوانتمالائو نیکارا کوشه، ارتش های خود را تا مرز آل سالوادور آورده و "اتحادیه اپوزیسیون ملی" را از انقلاب "منصرف نمودند. بهر حال بورژوازی بزرگ آل سالوادور تا اکتبر سال ۱۹۷۹ حکومت کرد. در این زمان بحران فزاینده اقتصادی، اوج گیری جنبش نوده ای بی اعتمادی و تهاجم به حاکمیت و رشد نیروهای انقلابی، امپریالیسم آمریکا را واداشت تا جوال سالوادور را "دمکراتیزه" کند. آس های مناسب بر زمین کوبیده شدند. "حزب دمکرات مسیحی" در خونتای جای گرفت و به حکومت رسید. از آغاز حکومت خونتای کنتون، عمده نیروی خونتای افسران وابسته به "حزب دمکرات مسیحی" تشکیل میدهند در این جاذکرایین نکته ضروری میباید که در سراسر حیات خونتای پست های وزارت خانه های دفاع، بازگانی و اقتصادی، و امور خارجه درید عناصر وابسته به بورژوازی بزرگ بوده است و فرمیست ها را در آن پهنه ها راهی نبوده است.

● باندهای سیاه

جوخه های مرکب یا گروههای ترور، از جانب الیکارشی زمیندار و بورژوازی بزرگ حمایت میشوند. این جریانات آنچنان در حیات سیاسی آل سالوادور بی اعتبارند که عمدتاً عناصر متنگه شان نهال سالوادوری، بلکه زلومین های کشور همجوار گواتمالا تشکیل میشوند. "اتحادیه جنگاوران سفید"، "نیروهای مسلح آزادیبخش ضد کمونیست" جنگ برای نابودی FALANGE (فالانژ)، "سازمان رهائی از کمونیسم"، از جمله این گروههای ترور میباشند. در تابستان ۱۹۸۰ اینان نیز جنبه های بنام "جبهه وسیع ملی" تشکیل دادند. جگزر گروههای فوق الذکر، سازمانی بنام ORDEN نیز که بوسیله حکومت مولینا تشکیل گشته بود و متشکل از جاسوسان، بازنشسته های ارتش و ...

میباشد و از طرف بورژوازی بزرگ حمایت میشود، جزو طیف باندهای سیاه قرار میگیرد. بخشی عظیمی از ترورها و حملات به اعضا بها و نظا هرات بوسیله این جریان انجام مییابد.

● حزب کمونیست

همانگونه که بیسر اشاره شد حزب کمونیست آل سالوادور در سال ۱۹۳۰ بوسیله رفیق فارابوندمارتی تشکیل شد. در اوایل سال ۱۹۶۰، ستاثر از انقلاب کوبا و وجود طیف وسیعی از عناصر انقلابی در درون حزب کمونیست، این حزب استراتژی مبارزه مسلحانه توده ای و ستوری "منطقه آزاد شده" را پذیرفت. بدنبال این تصمیم، "جبهه متحد عمل انقلابی FUAR" در سال ۱۹۶۲ تشکیل شد. اما متاتراز رفرمیسم حاکم بر این حزب، حتی بدون سلیک یک کلوله این جبهه منحل شد. حزب بدنبال نفی جنگ بملت مدت، تئوری قیام همه جانبه و ناکهانی را مبنای عمل خود قرار داد و بر آن شد که با شدت بخشیدن به کار در میان طبقه کارگر در یک فرصت مناسب به کسب قدرت تامل آید. حزب با دارا بودن پایه توده ای در میان کارگران، علیرغم اینکه مبارزات طبقه کارگر رنگ سیاسی می گرفت و خواسته های تقریباً سیاسی مطرح میشد، معتقد بود که مبارزه سیاسی، به درگیری مستقیم کارگران بسا حکومت میانجا مدوا این امر تمرکز و انسجام طبقه کارگر را از میان بر میدارد. به همین دلیل رهبری سندیکالیست حزب کمونیست، در اعتصاب صنایع فولاد ۱۹۶۵، در اعتصاب سرتاسری کارگران و معلمین در سال ۱۹۶۷ فعال نبود. دنباله روی از احزاب رفرمیست و اپوزیسیون های درون طبقه حاکم و ویژگی تمامی احزاب سنتی در آمریکای لاتین - بی بها کردن طبقه کارگر و توده ها، نفی عملی و نظری گذار قهرآمیز، بحرانهای درون حزب کمونیست را شدت میبخشید. در همین زمان تمامی احزاب سنتی دستخوش بحران بودند. عناصر صادق از راس تا پائین انشعاب مینمودند و پایه های جنبش انقلابی را در آمریکای لاتین بنام نهادند. این ایده حتمیت پیدا میکرد که احزاب رفرمیست سنتی احزابی نیستند که خواهان مبارزه طبقاتی انقلابی باشند. تمامی این عوامل در کنار وقوع جنگ ارتجاعی هندوراس و آل سالوادور و دفاع حزب کمونیست از بورژوازی - آل سالوادور، موجب انشعاب در "حزب کمونیست" آل سالوادور گردید. اقلیت حزبی "ارتش آزادیبخش خلق" فارابوندمارتی FPL را تشکیل داد. رهبری رفرمیست حزب، علیرغم فشارهای وارده و حتی ممنوعیت عمل، با اپوزیسیون های طبقه حاکم همسو میشد. بتدریج با قدرت گیری نیروهای انقلابی و متاثر از مواضع سازشکارانه حزب با یگانه های نوده ای خود را بتدریج از دست میداد.

ادامه دارد.



نگاهی به کارنامه یکساله ریاست جمهوری بنی صدر

بنی صدر از حرف تا عمل

بقیه از صفحه ۱

یک آرمان سی ساله "تحقق یافت". رئیس جمهور در مصاحبه با روزنامه با مداد در این باره چنین میگوید: "من در سالها قبل و در زمان بچگی از بیدرم آموخته بودم که سلطنت یا استبداد نمیخواند... از همانوقت هم (از زمان حکومت مصدق) بعضی بشوخی و بعضیها نیمه جدی در مورد تمایل من بر ریاست جمهوری صحبت می کردند. بنا بر این، آنچه برای من پیش آمده است تحقق یک آرمان سی ساله است" (با مداد ۷ بهمن ۵۸).

البته بنی صدر برای تحقق آرمان سی ساله "از روزهای قبل از انتخابات بمنظور فریب توده ها، دروغهایی درباره حذف بهره بانکی، درباره آزادی، استقلال و قطع وابستگی و غیره بهم بافته بود. پس از اعلام نتیجه قطعی انتخابات بنی صدر در پیام به ملت ایران "ادعا کرد که با انتخابات او ریاست جمهوری اینک محرومان جهان امید یافته اند که ایران پیشاپیش راه پیروزی آنان را هموار کرده است و سبیده دم آزادی نزدیک است" (با مداد ۷ بهمن ۵۸). در زیر خواهیم دید که "سبیده دم آزادی" برای محرومان جهان چگونه نزدیک می شود:

● در زمینه اقتصادی

مادر بنی صدر خلق (تیرماه ۵۹)، در مبحث "مختصری درباره پیرویه تحولی" گفت: "اندیشه و تفکر بنی صدر آنطور که در کتاب "اقتصاد توحیدی" آمده، نشانگر مواضع خرد بورژوازی اوست، اما در نظریات طرح شده در آن کتاب با مواضع کنونی او سازگار نیست... و اکنون در ریاست جمهوری، وقتی به مواضع، برنامه ها و سیاستهای عملی و آنچه که در مصاحبه ها و نطق های وی بازتاب یافته است توجه کنیم آنها را بکلی متغایر با نقطه نظریات مربوط به "اقتصاد توحیدی" می یابیم، اگر در آنجا محتوای ایده ها و تزهایی که ارائه میدهد نمود بارزی از بینش و شیوه نگارش یک متفکر خرد بورژوازی است، اینک اودر شرایط مبارزه طبقاتی جاری به تمام معنی در موضع یک بورژوا-لبرال قرار دارد، که با طرح های

رفرمیستی در صدد تخفیف و حل بحران اقتصادی و سیاسی جا معه بر آمده است. در همانجا و نیز در مبحث "سیاست های اقتصادی ارگان سازش" ضمن نقل قول داهیانه لنین مبنی بر اینکه "خرد بورژوازی" در کلیه مسائل قطعی و مهم همیشه دنباله روی بورژوازی بوده و بشکل زائده ناتوان آن و آلت مطیع در دست سلاطین سرمایه مالی عرض وجود نموده است، نشان داده ایم که بنی صدر اگر قبل از رسیدن به قدرت از مواضع خرد بورژوازی حرکت میکرد، ولی پس از کسب پست های دولتی و بویژه پس از انتخاب به ریاست جمهوری، آرمانخواهی خرد بورژوازی او در مقابل واقعیت های سرسخت جا معه سرمایه داری درهم شکسته شد و در این استحاله بینشی، به صورت نماینده تمام عیار بورژوازی در آمدوبه بازسازی سرمایه داری وابسته همت گماشت.

رئیس جمهور در سخنرانی های متعدد خود در حضور کارگران، ضمن حمله به شورا های کارگری و ارائه شعار معروف خود "شورایی شورا"، همواره یک شعار دیگر را نیز تکرار می کند: "بیشتر کار کنید و کمتر مصرف نمایید". مفهوم دقیق این شعار اینست: "با قبول استثمای رشدیتر، محرومیت بیشتری را متحمل شوید تا امنیت داخلی تامین شود تا موجبات چپا و لبیشتر سرمایه داران تضمین گردد.

بنی صدر ضمن اینکه بعنوان عضو و رئیس شورای انقلاب و رئیس جمهور، همواره در سیاستها و اقدامات ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی و دفاع از منافع سرمایه داران، شرکت مستقیم و فعال داشته است، با اینحال از همان اولین روزهای انتخاب به ریاست جمهوری برای فریب زحمتکشان، مرتباً وعده داده، وعده هایی دروغین که هیچگاه تحقق نیافته است:

"یک سری اقدامات وجود دارد که باید در آنجا زنگش مجلس باشیم و اقدامات دیگر سری هستند که بلافاصله شروع می کنیم و آن مسئله پائین آوردن قیمت ها و ایجاد کبازو فعالیت در کشور است که در نتیجه، بیکاران بکار مشغول شوند" (مصاحبه را دیوتلوویزیونی رئیس جمهور جدید با خبرنگاران داخلی و خارجی، با مداد ۷ بهمن ۵۸، تاکید زماست).
"مسئله بیکاران طبق برنامه

باید تا سه ماه دیگر انشاء الله بکلی حل شود" (با مداد ۱۳ اسفند ۵۸).
و امروز نزدیک به یکسال پس از آن تاریخ، نه تنها قیمت ها پائین نیامدند بلکه پاره ای از کالاهای مورد نیاز روزمره زحمتکشان از مرز دو بیست و سیصد درصد افزایش هم گذشته است. از آن تاریخ تا کنون، نه تنها مسئله بیکاری "بکلی" حل نشده بلکه تعداد بیکاران به مرز چهار میلیون و نیم رسیده است.

بنی صدر در جمع "بازاریان پیرو خط امام" گفت: "مسئله نان و گوشت تا قبل از عید (۵۹) حل می شود" (با مداد، ۱۶ اسفند ۵۸). او در همین سخنرانی، پس از نصیحت های خیرخواهانه به سرمایه داران درباره "گران فروشی نکردن" با لحن ملایمی به آنها اخطار کرد: "ما تا دو هفته صبر می کنیم امیدواریم که از بازارهای ما جواب مسا عدنیاید اگر دیدیم جواب مسا عدنا انشاء الله که آغاز سال نو را مردم ما با شادی واقعی شروع می کنند و بازار همگان بازاری اسلامی می شود که ما انتظار آنرا داشتیم" (همانجا).

و اکنون فریب یکسال از تاریخ آن وعده در مورد حل "مسئله نان و گوشت" قیمت آنها نه تنها پائین نیامده بلکه قوس صعودی بی سابقه ای را طی کرده است. سرمایه داران "پیرو خط امام" نه به "نصایح خیرخواهانه" بنی صدر گوش دادند، نه بازار، "بازار اسلامی" شد و نه آن "صبر" دو هفته ای، گره از کار "اقتصاددان" بورژوازی ما گشود.

"امیدوارم امسال (سال ۵۹) آخرین سالی باشد که شما مردم در این زاغه ها در منتهای محرومیت زندگی می کنید" (سخنرانی بنی صدر در اول فروردین ۵۹ در حلی آباد تهران پارس، اطلاعات، ۶ فروردین ۵۹).

و امروز بیش از دو ماه از آن تاریخ می گذرد، حلی آبادی ها همچنان در آن زاغه ها در منتهای محرومیت زندگی می کنند. شاید رئیس جمهور، در این مدت کمتر از دو ماه باقی مانده، به وعده های خود نه تنها در مورد حلی آبادی های تهران پارس بلکه همچنین در مورد همه مردم این کشور وفا کند و همانطوریکه وعده داده بود "زمین های آباد، خانه های خوب و زندگی مرفه" در اختیار آنها قرار دهد.

بقیه در صفحه ۱۲

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

بنی صدر از حرف تا عمل

بقیه از صفحه ۱۱

حلیسی آید بیهای تهران پارس اگر تاکنون از خانه های خوب وزندگی مرفه اشری ندیده اند ولی همین یکی دو هفته پیش شاه بوده اند که رژیم جمهوری اسلامی مانند رژیم شاه، خانه هائی را که زحمتکشان همین تهران پارس با قرض و بدبختی ساخته بودند با بولدوزرهای شهرداری بر آنها خراب کرد. و یکبار دیگر ثابت شد که رژیمهای مداخله گرمان داران بخاطر خصلت طبقاتی شان اگر از حل مسئله مسکن عاجزند ولی در خانه خرابی زحمتکشان دارای قاطعیت (که بنی صدر اینهمه بروی این کلمه تاکید می کند) می باشد.

در زمینه مسئله ارضی و کشاورزی، سیاستها و اقدامات بنی صدر، همواره در جهت سرکوب دهقانان و دفاع از زمینداران بزرگ بوده است. او در سخنرانی خود در مشهد اعلام کرد: زمین در ایران زیاد است. به همه زمین می رسد و آنها نیکه زمینهای بزرگ دارند هیچ نگرانی نیباشند. اگر خواستند اجرت المثل زمینشان را خواهند گرفت و اگر زمین خواستند دولت به آنها زمین خواهد داد (کیهان ۱۲، اسفند ۵۸). تاکید زماست (سیاستی که اساس آن "نگران" - نکردن زمینداران بزرگ با شایسته است که نمی توانند به خواستهای روستائیان تحقق بخشند و کشاورزی ورشکسته ایران را سامان داده و کشور را از جنگ و ابستگی به خارج در زمینه محصولات کشاورزی نجات دهد. با اینهمه، بنی صدر، در این خصوص نیز به وعده های دروغی - می پردازد:

■ برای مبارزه با محاصره اقتصادی می توانیم از کشورهای مستقل مثل هند بخریم. سال آینده (سال ۵۹) از نظر تولید محصول، سال خوبی خواهد بود (بنی صدر، اطلاعات، ۶ اسفند ۵۸. تاکید زماست).

■ روستائیان ما که میخواهند از زمین استفاده کنند باید با ما سازگار باشند که در سال جدید (سال ۵۹) مسئله ای بنام زمین نخواهیم داشت (سخنرانی بنی صدر در اولین نماز جمعه سال جدید، اطلاعات ۶ فروردین ۵۹).

■ امسال (سال ۵۹) کشور ما از خرید گندم بی نیاز است (سخنرانی بنی صدر در یوشهر، انقلاب اسلامی، ۱۲۹ ر دیبهبشت، ۵۹).

اکنون در آخرین ماههای سال ۵۹، تولید و محصول همچنان وضع اسفناکی دارد. مسئله زمین همچنان یکی از مسائل حل نشده در جامعه ماست و ایران از نظر گندم و سایر مایحتاج اولیه زندگی همچنان وابسته به خارج است و

این وابستگی ها ایضا در سیاستهای یافته است.

تزه های بنی صدر درباره "مپریالیسم" و "برقدرتها" را همه کم و بیش می شناسند. ما در این زمینه ضمن ارائه نقل قول هائی از کتاب "اقتصاد توحیدی" او در "نبرد خلق" نوشتیم: پایه های بسه اصطلاح تئوریک دکترین او تحت عنوان "مبارزه بر علیه ابرقدرتها و در درجه اول ابرقدرت شوروی سوسیال امپریالیست" رخنه می شود. "راه سوم" آقای بنی صدر که به تری است و نه تریستی! بقول خود او اقتصاد توحیدی و اسلامی نام دارد! (معفات ۱۷۱ - ۱۷۰)

همه کم و بیش می دانند که از نظر بنی صدر هم مپریالیسم بد و ج - بود دارد و هم مپریالیسم خوب. مپریالیسم بد، مپریالیسم آمریکا و "ابقدرتها" هستند و مپریالیسم خوب، مپریالیست های اروپائی و ژاپنی می باشند. بنی صدر در مصاحبه با خبرنگار روزنامه ایتالیائی "استامپا" از کشورهای اروپائی، مشخما از انگلستان، فرانسه، آلمان و ایتالیا درخواست می کند که... اورایاری دهند (ندای آزادی، ۲۷ اردیبهشت ۵۹). و از مپریالیستهای اروپائی میخواهد که حساب خود را از مپریالیسم آمریکا جدا کرده و به ایران برای رسیدن به استقلال اقتصاد دی قطع وابستگی کمک کنند.

بنی صدر در مصاحبه با تاراجی خبرنگار را اطلاعات، در مورد قطع وابستگی و عده سرخرمن میدهد: "لیکن این امر (قطع وابستگی) زمان لازم دارد و ما برای برنامها که بهیست ساله جمهوری اسلامی ایران انشالله به کلیه این وابستگی ها پایان داده خواهد شد" (اطلاعات، ۱۶ بهمن ۵۸).

یعنی ایران، در رژیم جمهوری اسلامی، در صورت "اجرای برنامه کار بیست ساله"، تازه "انشالله" ممکنست پس از گذشت بیست سال، از وابستگی نجات یابد و توده ها هنوز حداقل بیست سال دیگر (و این بار) مورد چپاول امپریالیستهای "خوب" اروپائی و ژاپنی قرار خواهند داشت.

در زمینه سیاسی و اجتماعی

در زمینه مسائل اقتصادی دیدیم که بنی صدر در فرضیه های با اصطلاح تئوریک خود (بوژه کتاب اقتصاد توحیدی) از موضع خرده بورژوائی حرکت می کند ولی در پراتیک (بوژه از زمان انتخاب به ریاست جمهوری)، بعنوان نماینده تمام عیار بورژوازی متحلی می شود. این استحاله در زمینه مسائل سیاسی و اجتماعی نیز بخوبی قابل رویت است. ما در این مورد در "نبرد خلق" نوشتیم: بنی صدر در کتاب "اقتصاد توحیدی"، تز انحلال ارتش ضد خلقی وابسته را طرح می کند و دلیل آنرا چنین بیان می دارد که در نظام "طاغوت" رژیم و سرمایه های بزرگ تنها توسط چنین ارتشی که از جانب "استعمار" حمایت

می شود قادر به ادامه حیات است و بنا بر این (نه تنها برای سرنگونی رژیم پهلوی بلکه همچنین برای از بین بردن سرمایه داران بزرگ که پایه های رژیم "طاغوتی" را تشکیل میدهند، لازم و ضروری است که ارتش ضد خلقی منحل شود و بجای آن ارتش خلقی ایجاد کنیم چنین ارتشی که خصوصیات آن غیر حرفه ایست جا یگزین ارتش حرفه ای می شود. زیرا تا هنگامی که ارتش حرفه ای وجود داشته باشد نظام "طاغوتی" جامعه حفظ خواهد شد و طبقات نیراز بین نخواهند رفت. اما ارتش توده ای با خصلت دفاعی ما را بسمت جامعه توحیدی هدایت خواهد کرد! (نبرد خلق صفحه ۱۷۰).

بنی صدر تئوریسین "در پراتیک اجتماعی، پشم کلاش می ریزد و تمام تئوری های خرده بورژوائی او نقش بر آب می گردد. بنی صدر وقتی که بریاست جمهوری میرسد بجای "انحلال ارتش ضد خلقی" به مرمت "پایه های رژیم طاغوتی" می پردازد.

از اولین اقدامات بنی صدر پس از انتخاب بریاست جمهوری، بویژه از تاریخ انتخاب از طرف آیت الله خمینی به فرماندهی کل قوا، عبارت بود از سرکوبی شورا های مترقی در پادگانها و بازسازی ارتش. بنی صدر کوشید که کمک تیسار ان شاهنشاهی، ارتش "طاغوتی" ضربه خورده در هنگام قیام را بازسازی کند و مقررات اطاعت کورکورانه را مجددا در ارتش برقرار سازد. وقتی که آیت الله خمینی در پیام نوروزی خود، سال ۵۹ را "سال امنیت" خواند (و این پیام بلافاصله مورد استقبال شدید کارتر قرار گرفت)، تلاش بنی صدر در بازسازی ارتش، چند برابر گردید.

بنی صدر پس از انتخاب بریاست جمهوری، در پیام "به ارتشیان" گفت: "در این سازمان، سلسله مراتب باید رعایت شود تا ارتش بمعنای درست کلمه وجود داشته باشد" (اطلاعات، ۳۰ بهمن ۵۸). در همین پیام می خوانیم: "باید در ارتش انضباط آهنین (بخوانید انضباط شاهنشاهی) رعایت شود" (همانجا).

رئیس جمهور جدید طی سخنانی در اهواز، پس از حمله به شورا های کارگری کارمندی و ارتشی، عملا به دفاع از فرماندهان ارتش شاهنشاهی پرداخت و "سابقه طاغوتی" فرماندهان را برای فرماندهی ارتش جمهوری اسلامی بلا مان دانست: "بجای تلاشهایی که متصدیان برای انتخاب فرماندهانی که سابقه طاغوتی نداشته باشند کردند، باید دقت صرف تغییرات مناسبات درونی ارتش میشد" (کیهان، ۲۷ فروردین ۵۹). و این "تغییرات مناسبات درونی"، بطوریکه در فوق دیده ایم، جز سرکوب شوراها، برقراری مجدد "سلسله مراتب" و "انضباط آهنین" و در یک کلمه، بازسازی ارتش آریامهری، چیز دیگری نبود.

بنی صدر در کرمان، پس از دفاع از انضباط و حمله به شوراها، هدف از تجدید سازمان ارتش را چنین بیان کرد: "برای اینکه چرخهای اقتصاد مملکت را بحرکت در آوریم لازمست که

بنی صدر از حرف تا عمل

بقیه از صفحه ۱۲

امنیت داخلی باشد. به این گروههایی که گمان می‌کنند با زور و گلوله و تعنگ خود را به ما بشناسند یا بدخالی کنیم که اسلام اهل این چیزها نیست (اطلاعات، ۱۶ اسفند ۵۸).

هدف بنی صدر از بازسازی ارتش شاهنشاهی چیست؟ برای سرکوب خاستهای حق طلبانه کارگران و استثمار هر چه بسرازان، برای سرکوب نیروهای انقلابی مدافع زحمتکشان و نیز (بطوریکه خواهیم دید) برای سرکوب خلقهای تحت ستم بویژه خلق قهرمان داخلی و به تعبیر روشن تر، بمنظور ایجاد امنیت برای استثمار سرمایه از نیروی کار.

و در رابطه با همین "سال امنیت" بود که بنی صدر، پس از سرکوب و حسیانسه دانشگاهها، در اجتماع دانشگاه تهران اعلام داشت: "وزیران و مسئولان حکومت در هر نقطه کشور باید بدانند که از این پس، دستورات آنها باید بدون چون و چرا اجرا شود، و در هر کارخانه، در مزرعه، مدرسه، کلاس که اراده مردم تجلی می‌نکند و یکبار مشغول نشوند ما مردم را در آنجا حاضر می‌کنیم" (با مداخله سوم اردیبهشت ۵۹).

از همان آغاز، یکی دیگر از اهداف بنی صدر در بازسازی ارتش بمنظور ایجاد "امنیت داخلی" سرکوب خلقهای بویژه خلق قهرمان گردیده است. شدت خشونت سپاه پاسداران در سرکوب خلقهای کرد و ترکمن و عرب، البته هیچگاه مورد کمترین انتقاد بازرگان و بنی صدر قرار نگرفت. آنچه همواره مورد انتقاد دلبرالها قرار داشت بی‌کفایتی و عدم کار آئی لازم سپاه پاسداران در سرکوب موثر و قطعی خلقها بود، و آنها برای رسیدن به این هدف، بازسازی ارتش را تبلیغ میکردند. بطوریکه قبلاً دیده ایم یکی از عمده ترین هدفهای بنی صدر از نابودی شوراها، ایجاد "انضباط آهنین"، استقرار مجدد اطاعت کورکورانه در ارتش و ایجاد "امنیت داخلی"، سرکوب خواستههای حق طلبانه خلقهای بویژه خلق قهرمان گردیده است.

بنی صدر در جریان دومین حمله رژیم به خلق زحمتکش ترکمن در ۱۹ بهمن ۵۸ تنها جم و حسیانسه پاسداران و ارتش و عوامل زمینداران و سرمایه داران وابسته فعالانه شرکت کرد و اعلام داشت: "در کنگره گنهان فدائی خلق با تفنگهای دوربین دارا امنیت را بر هم میزنند" (کیهان، ۲۱ بهمن ۵۸) و بهنگام حملات نیروهای سرکوبگر رژیم به روستائیان بی دفاع ترکمن اظهار داشت: "ما خانه ها خرابه

می‌گوئیم" و اضافه کرد: "این هنوز فقط ده درصد از قاطعیت ماست".

بنی صدر در اجتماع نمایندگان سپاه پاسداران گفت: "می‌بینید که وضع نسبت به یکی دو ماه پیش (یعنی از زمان انتخاب او به ریاست جمهوری) بهتر شده است. و یک کانون مقاومت علنی (در ترکمن صحرا) برجیده شده است" (اطلاعات، ۱۶ اسفند ۵۸).

و در همین اجتماع سپاه پاسداران اضافه کرد: "با کمک شما موضوع گنبد و ترکمن صحرا حل شده و یک کانون مقاومت که در مقابل حکومت ایجاد شده بود، از بین رفت" (کیهان، ۱۸ اسفند ۵۸).

بدینال کشتار وحشیانه ریسان و کودکان و پیران در قهلاتان "توسط ارتش و سپاه پاسداران، بنی صدر اعلام داشت: "آنچه مسلم است به ستون ارتش حمله شده و ارتش با قاطعیت جواب داده است. اگر تعرضی در هر جا به ارتش بشود ارتش باید با قاطعیت جواب دهد" (اطلاعات، ۱۰ فروردین ۵۹).

بنی صدر، در سالروز فریاد مردم جمهوری اسلامی، در میدان آزادی، در سخنان سرکوب خلق کرد، خطاب به ارتش اظهار کرد: "ار همین لحظه ارتش حق ندارد یوتین ها را از یاد در آورد مگر اینکه آن خطه را از وجودی غی ها پاک کند" (اطلاعات، ۱۴ فروردین ۵۹).

در ۱۳ اردیبهشت ۵۹، حبیبی سخنگوی شورای انقلاب اظهار داشت: "مسائل کردستان را رئیس جمهور شخصاً بدست گرفت" (اطلاعات، ۱۴ اردیبهشت ۵۹).

پس از "تسخیر" خونین دانشگاهها، بنی صدر در جشن دانشگاه تهران در تاکید به قاطعیت خود در سرکوب توده ها و خلق های تحت ستم، چنین گفت: "حضور شما در اینجا خود دلیل بر آنست که هر چه می‌گوئیم عمل خواهیم کرد. اگر در کردستان یا در هر نقطه دیگر کسانیکه بخوانند مسلحانه یا غیر مسلحانه در برابر ملت ما بایستند این ملت بدعوت رئیس جمهور منتخب خود بطرف کردستان خواهد رفت... باید بدانند ما این افراد را سختی مجازات خواهیم کرد" (با مداخله سوم اردیبهشت ۵۹).

"بنی صدر از ارتش خواست تا آخرین نیرو در بانه جنگند" (ندای آزادی، ۲۷ اردیبهشت ۵۹).

"رئیس جمهور به ارتش و پاسداران دستور داد بمنظور پاکسازی، خانه های سنج را تفتیش کنند" (همانجا).

بنی صدر در اجتماع مردم بوشهر گفت: "ما در کردستان به آنها که بر ضد حاکمیت بودند این درس را دادیم که وقتی یک ملتی در وجود فرزندان سلح خود می‌جنگد البته نمی‌تواند تسلیم بشود" (انقلاب اسلامی، ۱۹ اردیبهشت ۵۹).

و در همانجا اضافه می‌کند: "عده ای از برادران سرباز و سپاه می‌مانند که ننگند ما مجدداً برای مذاکره می‌رویم. اینها باید بدانند ما مردم هم با یاری شما با هر کسی که برای ما بیاید و بگوید که آمده ایم پیام شما را بشنویم به حکم روش قرآنی پیام خود را به او می‌رسانیم" (همانجا تا کداز ماست) مفهوم ساده عبارت فوق اینست که خلق کرد در صورتی که تسلیم بشود ما شرایط تسلیم شدن را به او اعلام کرده و

به رزمندگان خلق کرده ایم تا ما نخواهیم داد. بنی صدر در همان سخنرانی پس از رفع نگرانی از برادران سرباز و سپاه به خلق کرد اعلام می‌کند: "ما آن کاری که نمی‌کنیم مذاکره با شماست (همانجا). و با این کلام، در مقابل خلق کرد (یا بقول او "با غیها") راهی جز تسلیم یا سرکوب حش، باقی نمی‌گذارد. رئیس جمهور، همراه با بازسازی ارتش و یکا گرفتن نیروهای سرکوب، می‌کوشد که با دروغ پردازی، با سرکوب ناآگاه را تهییج کند و در مراسم نماز جمعه تبریز چنین می‌گوید: "در کردستان، استقلال و آزادی و اسلام با کفر و وابستگی و استبداد در برابر خود روبروست... تا این ملت بر جاست، شما سربازان و پاسداران و ای افسر که در آنجا بدن ترا قطعه قطعه کردند و در برابر سربازها انداختند، بویاری این جمهوری و برای این انقلاب جز شدی و من ترا در حضور این ملت بدرجه سرتیپی مفتخر می‌کنم... سربازان دلیر ما اینک که در بانه می‌جنگند بشنویند که فرمان من به آنها اینست که با تمام قوا بجنگند تا پیروز شوند. شما باید بدانید که از وجود مفسدان پاک کنید و فرما داده شما جز این برای شما فرمائی ندارد" (اطلاعات، ۱۲۷ اردیبهشت ۵۹).

در همانجا خطاب به خلق قهرمان کرد و رزمندگان دلاور او چنین می‌گوید: شما باید بدانید، آن اربابان آمریکائی که آن نقشه ها را کشیده اند بدانند که چپ تر از ما هیچکس در دنیا نیست. آن حیوانی ما هستیم که مسلمانیم. و ادا ما شده است: بنا بر این سمانی که اسلحه بدست گرفته اند این آخرین فرصت و آخرین اخطار است که ما باید بدانید از این پس به شما رحمی نخواهد شد و بسا قاطعیت شما را از پیش پای جمهوری اسلامی بخواهیم داشت" (همانجا).

دشمنی بنی صدر با نیروهای انقلابی برکسی پوشیده نیست و در اینجا نیازی نیست که بر آن تاکید کنیم. ولی این مارمولک بورژوازی گاهی ترحیم می‌دهد برای دشمنی آشکار، به دروغ باقی و دورویی و ریاکاری متوسل شود. رئیس جمهور، همانند جناح دیگر بورژوازی در ارگان سازش، می‌کوشد که بمنظور فریب توده های ناآگاه، مبارزه طبقاتی بین استثمار کنندگان و استثمار شوندهگان را بعنوان مبارزه بین اسلام و کفر، جلوه گرازد.

بنی صدر، پس از اعلام نتایج انتخابات، در یک مصاحبه رادیویی تلویزیونی با شرکت قریب ۵۰ خبرنگار داخلی و خارجی حضور یافت. او در این مصاحبه با استفاده از همان حربه کهنه شده بازرگان مبنی بر ۹۹ درصدیک در صد به نیروهای مترقی بویژه کمیونستهای کمونیستها اخطار کرد: "اکثریت قاطع اسلام را قبول دارند و اینکه اقلیتی نخواهد بود زور خود را به این اکثریت تحمیل کنند نمی‌شود و آخری همان بنی صدر است که گفتیم و اینجا و آنجا را فلسف می‌کنند و این ۹۹ درصدی را این خواهد رفت که این فلج ها را با تحمیل آن اقلیت در خود حل کنند بلکه برعکس می‌گویند با حذف این اقلیت باید آن فلج ها را حل کرد و این چیز ساده ایست

بقیه در صفحه ۱۴

بنی صدر از حرف تا عمل

بقیه از صفحه ۱۳

که باید فهمید. من ار این فرصت استفاده می‌کنم به آنها می‌گویم که از این فرصت استفاده کنند و این فرصت تاریخی است تا بجای همه کارها به بحث بشسیم و حرف حق را بپذیریم. اما اگر نپذیرفتی و زور را بمیان آوردی این ۹۹ درصد نمی‌ایستند و ما ساکنند. اگر من هم بعنوان رئیس جمهور نکویم زور بکار نبرید آنوقت سه مرتبه که سانسرا ندازی کردید آنها دیگر کوش نمی‌دهند، میرند (با مداد، ۷ بهمن ۵۸).

رئیس جمهور در اجتماع مردم بوشهر "ضمن اخطار شدید به گروههای مسلح یکبار دیگر قاطعیت خود را بعباد نیروهای انقلابی ابداحت و دفاع از منافع زحمتکشان را توطئه تلقی کرد و گفت: "توطئه گران نباید تصور کنند که در برابر توطئه‌هایشان قاطعیت بخرج نمی‌دهم" (انقلاب اسلامی، ۲۹ اردیبهشت ۵۹).

بنی صدر که امروز فرصت طلبانسه و ریاکارانه خود را مدافع بازگشائی دانشگاهها قلمداد می‌کند، نه ماه پیش بعنوان رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب، در کناره حزب جمهوری اسلامی، شورای انقلاب و ژ ۳ بدستها و جما قدران آنها قرار داشت. بدستهای او با اندازه دستهای جناح دیگر حاکمیت، بخون دانشجویان مبارز و انقلابی مالوده است. بنی صدر در روز دوم اردیبهشت ۵۹، پس از سرکوب خونین و وحشیانه دانشجویان سراسر کشور، در جشن دانشگاه تهران، "روز ولادت حاکمیت دولت" را بر جنازه دهها شهید و بر بیکر خون آلود صدها مجروح و هزاران دانشجو و استاد زندانی، جشن گرفت.

دانشگاه، لقب "سنگر آزادی" را آسان بدست نیاورده است. چه خونهایی که برای دفاع از آزادی و منافع زحمتکشان در این سنگر جاری شد! بنی صدر و قیاحانه این سنگر را "سنگر شیطان" نام نهاد: "اگر آنها واقعا می‌خواستند دانشگاه با زیماندوبه کار خود ادامه دهد چرا اصرار داشتند که این دانشگاه را به سنگر تبدیل کنند سنگری که در برابر ملت و در برابر اراده ملت، این سنگر هائی که در برابر ملت ساخته شود سنگر های شیطان تلقی می‌کنیم و بدون کمترین ترحم آنها را درهم می‌کوبیم" (با مداد، سوم اردیبهشت ۵۹).

● سیاست آزادیخواهی دروغین

انتخابات ریاست جمهوری، کمترین انقلاب ترین انتخابات رژیم جمهوری اسلامی بود و با اینحال بنی صدر در این انتخابات با قریب یازده میلیون رای

بریاست جمهوری انتخاب شد. چرا بنی صدر اینهمه رای آورد؟ او از میان کاندیداهای دستچین شده برای انتخابات ریاست جمهوری و رهبران جمهوری اسلامی، تنها فردی بود که بروی مسائل اساسی توده‌ها (هرچند بنحوی دروغین و ریاکارانه) انگشت گذاشت و مسائل مشکلات اقتصادی جامعه و اسفرا ر حقوق و آزادیهای سرکوب شده را وعده داد. بنی صدر بعنوان وزیر دارائی، چند روز قبل از انتخابات ریاست جمهوری، در یک برنامه وسیع و حساب شده تبلیغاتی، حذف بهره بانکی را اعلام داشت. بنی صدر سوسا مان دادن به اقتصاد در هر ریخته و کشاورزی ورشکسته، تا مین استقلال اقتصادی و قطع وابستگی، بهبود وضع زحمتکشان، کار به بیکاران، زمین به روستائیان، خانه به "محرمان" و خلاصه همه چیز را همه کس وعده داد. اما آقای رئیس جمهور منتخب، پس از چهار ماه و نیم رجزخوانی (از بهمن ۵۸ تا اواسط خرداد ۵۹) در زمینه "حل کامل مسئله زمین"، بی نیازی کشور را خریدندم از خارج، "رفع بیکاری در ظرف سه ماه"، "پائین آوردن قیمت مایحتاج اولیه"، "زمین های آباد"، "خانه های خوب"، "امکانات کار و تولید فراوان"، "زندگی مرفه" و غیره و غیره، بالاخره در اواسط خرداد ۵۹، آب پاکی را بروی دست زحمتکشان ریخت و در سخنرانی خود در جنوب شهر، چنین گفت: "زیادتی بخودتان وعده ندهید، ما خدا نیستیم که معجزه کنیم" (با مداد، ۱۷ خرداد ۵۹). و توصیه های تمام استنما رگران و حامیان منافع سرمایه داران را بزرگترین زحمتکشان تکرار کرد: من "دو چیز از شما میخواهم: کار کنید و کمتر مصرف نمائید" (همانجا).

و از اواسط خرداد ۵۹ به بعد، رئیس جمهور کمتر "پیش بینی های علمی" برای حل معضلات اقتصادی و اجتماعی جامعه ارائه میدهد و بویژه از شهریور ۵۹ تا کنون، بیشترین نیروی رئیس جمهور، صرف جدال با جناح دیگر سرور و بازی بر سر تقسیم "عادلانه" قدرت است. در این جنگ قدرت، البته رئیس جمهور، برای فریب توده‌ها (با توجه به جود آخوندی حاکم بر جامعه و اقدامات سرکوب گرایانه و ضد دمکراتیک بخش غالب حاکمیت)، می‌کوشد که با نقاب آزادیخواهی پیشش بیاید. کمونیستها و نیروهای آگاه جامعه که ماهیت ریاکارانه بورژوازی را می‌شناسند بخوبی میدانند که شعارهای آزادیخواهانها نه استقلال طلبانه کنونی بنی صدر با اندازه شعارهای قبلی اش (در زمینه حلقه های مسائل جامعه نظیر زمین، بیکاری، گرانسی، مسکن و غیره)، بی پایه و دروغین است.

بنی صدر که بویژه از شهریور ۵۹ تا کنون، از موضع ضعف و در رابطه مستقیم با تقسیم قدرت (و صد البته نه بخاطر زحمتکشان)، می‌کوشد که توهم جدیدی در توده‌ها ایجاد کند و ریاکارانه و مودیانه در باره آزادی و استقلال و وجود شکنجه و تعدد زندانها و غیره شعار میدهد، همان بنی صدری است که تا دیروز (بطوریکه در نمونه های فراوان فوق دیده ایم)، شمیررا از روستا بود. چرا؟ بدلیل اینکه تا دیروز فکر میکرد که هر مهابی

شاه در هجوم سرخ خلق گریخت



شاه گریخت

شاه در هجوم سرخ خلق گریخت
اما خلق به کریز خاشن دلخوش نکرد
تفنگ برداشت.

تفنگ ها درهم جوشید،

و خلق، یکبار رجه، بسوی ارتش و امپریالیسم
خروش برداشت.

فرماندهان و مزدوران، با توطئه
امپریالیستی به تسلیم پیش آمدند.

وقیام خونین، در نیمه راه، حیرت زده بر
جای ماند.

یا دبا دخروش خونین رزمندگان مسلح قیام
یا دبا د خاطره، شهیدان بهمن!

شهیدانی که در لحظه خونین شهادت
در لبخندشان شور سقوط یادگانها پررزد.

و طلوع تفنگ های رزمندگان راه برد و
بام یادگانها

طلیعه ارتش خلق دیدند.

یا دبا د نام شهیدان قیام توفانی بهمن
یا دبا د نام رفیق محمد علی ملکوتیان

یا دبا د نام رفیق قاسم سیادت
یا دبا د نام رفیق مهدی قنارمنش

یا دبا د نام رفیق محمد جواد عرفانیان
یا دبا د نام دیگر رفیقا شهید روزهای قیام

که در دریای توفانی خلق، برامواج
شهادت غلتیدند

و خونشان ستاره سرخ پرچم کارگران شد.

قدرت راه یکی پس از دیگری، بسادگی
از جنگ رفیق خارج خواهد کرد.

بنی صدرها، بازرگانها، قطب زاده
ها، اعلی رغم شعارهای دروغین آزادیخواهان

کنوایی شان، اگر به قدرت بلامنازع برسند
در استنما رکاران و سایر زحمتکشان،

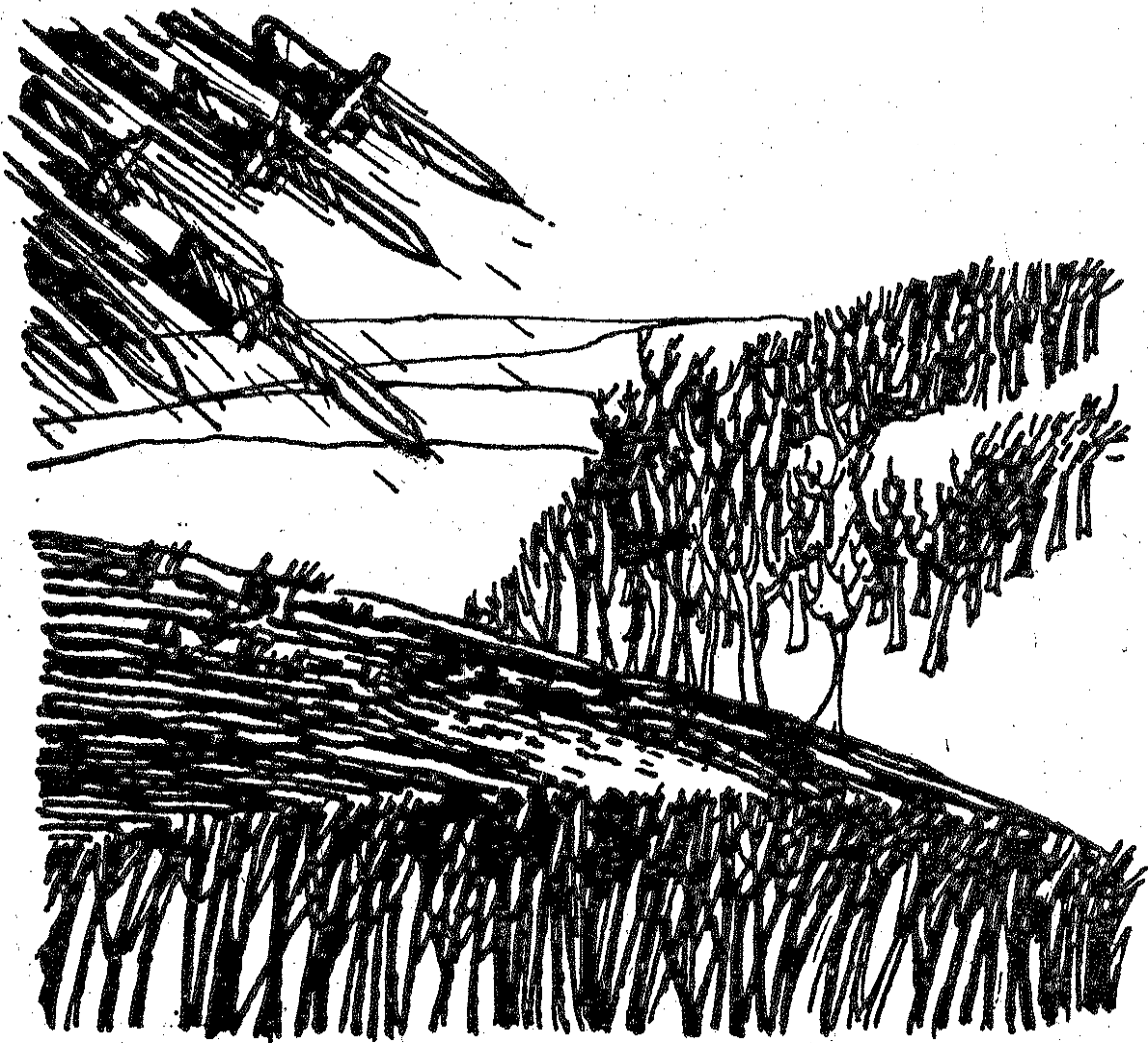
در سرکوب خواستهای عادلانه توده ها
و خلقهای تحت ستم و درنا بودی حقوق

و آزادیهای دموکراتیک، دست کمی از
بهشتی ها، رفسنجانی ها و خامنه ای ها

نخواهند داشت. و این درسی است که
توده های زحمتکش باید از تجربیات دو

ساله خود در جمهوری اسلامی و کارنامه
یک ساله بنی صدر بیاموزند.

* * *



گرامی باد سالروز حماسه افتخار آفرین سیاهکل و آغاز یازدهمین سال فعالیت سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

بقیه از صفحه ۱

فرزندان خلق رنگین ساخت .

در این سرکوب ۱۲۰ تن از فدائیان دستگیر و ۲ تن از آخرین بازماندگان در جنگل ، بعد از یک پایداری شجاعانه در برابر هجوم مزدوران مسلح رژیم به خون غلظیدند . آنگاه انتقام از دستگیر شدگان آغاز شد و پس از اعمال وحشیانه ترین شکنجه ها ، آنها را در روز ۱۶ سفند بدست سپیدسوخا اعدام سپردند .

پرچم سرخی که روز ۱۹ بهمن سال ۴۹ در جنگل سیاهکل برافراشته شد ، فریاد اعتراض و خشم انقلابی بر علیه حکومتی بود که پاسدار نکبت با رترین نظام طبقاتی و یکی از ارتجاعی ترین نظام های حکومتی در طول تاریخ معاصر ایران بشمار میرفت . حکومتی که با ترور و خفقان و با ایجاد ترس و وحشت در دل مردم و بوسیله اعمال خشن ترین شیوه های سرکوب در برابر کوچکترین حرکت های مخالفت آمیز سیاسی و شدیدترین عکس العمل ها در برابر اعتراضات حتی میانه رو ترین و بیژدل ترین محافل اپوزیسیون ، کوشش میکرد تا نظم و امنیت موجود را حفظ کرده و ایران را در شمار محکمترین حلقه های زنجیره جهانی امپریالیسم قرار دهد . حکومتی که سنگ بنای سیاست اش را جپاول بیحد و مهر منابع ملی ، ایجاد شرایط جهت پوشیدن شیره جان کارگران و زحمتکشان بود سرمایه های انحصاری امپریالیستی و سرمایه داران و زمینداران بزرگ داخلی و تبدیل ایران به یک سی از مهمترین بانکهای سیاسی ، نظامی و اقتصادی امپریالیسم آمریکا در منطقه خاورمیانه و خلیج فارس تشکیل

میداد .

مقاومت شجاعانه رفقای تیم کوه که بدون داشتن حداقل امکانات ، تا آخرین نفس جنگیدند ، انعکاس سیاسی نسبتاً وسیعی در سطح ایران پیدا کرد .

دشمن در گام اول سعی کرد تا از طریق بی اهمیت جلوه دادن مسأله و از موضع قدرت ، نشان دهد که این حرکت تنها انگ جوشی بود از طرف "خوابکاران" و عوامل خارج "که سرعت نیست و تا بود شد ، اما تداوم مبارزه مسلحانه بوضوح بمردم نشان داد که ادعاهای رژیم ما نیست همیشه چیزی جز دروغ و عوام فریبی نیست . غرض مسلسل فدائیان خلق در سرحرگاه یکی از روزهای فروردین سال ۵۰ ، که منجر به اعدام انقلابی تیمسار فرسیور رئیس دادستانی کل ارتش و یکی از مهره های اصلی رژیم شاه گردید ، تمام ظاهرسازیهای دشمن را فاش و بر ملا کرد .

از آن پس با ارزیابی تجربه سیاهکل مبارزه سازمان عمدتاً در شهادهادامه یافت .

رژیم شاه که برای حکومت کردن تنها به زور سرنیزه متکی بود ، مشاهده میکرد آتشی که بوسیله رزمندگان فدائی در سیاهکل برافروخته شد ، نه تنها با سرکوب به خاموشی نگراشد ، بلکه در ابعاد وسیع تر و به گسترش نهاد . از اینرو با دستگیری هرفدائی بویژه دهخیمان منفور شاه سعانه تریستن شکنجه ها را برای کشف خانه های تیمی و نابود کردن تشکیلات اعمال میکردند .

بعلاوه مطبوعات ، رادیو تلویزیون و سایر ارگانهای تبلیغاتی رژیم ، یک ضدا موج دروغ و افتراء و عوام فریبی را در مورد سازمان برافراشتند . اما سازمان ، علیرغم ضربه هایی که گاه تحمل نا پذیر و نا بودکننده می نمود ، در بدترین شرایط پایداری و استوار بر جای ماند و هر بار با تلاشی جدید ، با رنگینتری را برای جبران لطمات وارده و احیای تشکیلات بردوش میکشید .

عشق به توده ها و ایمان خلل ناپذیر به رهایی طبقه کارگر و کلیه ستمکشان در دل هرفدائی جای والایی داشته و همواره انگیزه اصلی مبارزه بوده است . وقتیکه رفقای سازمان در طول فعالیت خود در لحظاتی قرار میگرفتند که تحمل آن دردناک و طاقت فرسا بود ، در چنین لحظاتی ، در برابر بر دشمنان بی فروغ آنان ، ممانعت و رنجهای زحمتکشان میهن که این دردورنج ها را هر روز در زندگی با گوشت و پوست خود لمس میکنند ، ظاهر می شد به آنچنان نیروی مادی ای بدل میشد که مقاومت در برابر مشکلات مبارزه را صدچندان میکرد .

آنها می دیدند که زنجیرهای بردگی زحمتکشان همواره دست نخورده باقی مانده و بسیاری از جنبشهای توده ای در گذشته که میتوانست به آزادی و استقلال و حاکمیت توده ای در ایران منجر گردد ، بشکست انجامیده است . حماسه آفرینان سیاهکل به هنگام شهادت ، اقدام خود را نقطه آغازی میدانستند برای طرد اپورتونیستهای "حزب توده" که بدفعات

بقیه در صفحه ۱۶

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیش از مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

گراهی باد سالروز حماسه افتخار آفرین سیاهکل

بقیه از صفحه ۱۵

با سیاست مماشات و سازش با این یا آن جناح، از نمایندگان سیاسی طبقات ضد انقلابی، برجستش دموکراتیک - ضد امپریالیستی خلقهای ایران لطامات بزرگی وارد کرده و نام کمونیستهای ایران را در اذهان توده ها لکه دار نموده بودند.

آنها ایمان داشتند که با لاجره این شعله ها به قیام توده های نیرومندی منجر خواهد شد که با بهای حکومت مستمکران را لرزاند و فرو خواهد ریخت.



فدائی شهید رفیق
علی اکبر صفائی فراهانی

حماسه سیاهکل در واقع، تحولی جدید و اولین تلاشی بود که با وجود ضعف ها و محدودیت های فراوان خود، فقدان برنامه و نقشه صحیح و منطبق بر شرایط، تا اثبات سیاسی بسیار مثبتی را بر فضای عمومی جامعه برجای نهاد. این تاثرات سیاسی، نه بدان دلیل بود که حماسه سیاهکل بر پایه تحلیل همه جانبه از اوضاع اقتصادی-اجتماعی سیاسی ایران و دورنمایی که برای ادامه کاری ترسیم میکرد، سازماندهی شده بود، بلکه بدلیل آن بود که این اقدام و بطور کلی تاکتیک مسلحانه در شرایطی بکار گرفته میشد که جو فاشیستی حاکم، بکارگیری عنصر قهر و اقدامات مسلحانه را یکی از ضرورت های سیاسی - تبلیغی جنبش تبدیل نموده بود. مسلمانان امروز نه هیچگاه کسانی که بکارگیری تاکتیک مسلحانه از جانب پیشروان کمونیست را در آن شرایط میخواستند بکنند فرمولهای از پیش تعیین شده مردود اعلام کنند، نه تنها نقش تبلیغی مبارزه مسلحانه در شرایط گذشته را درک نمیکنند بلکه مسأله تاکتیک از نقطه نظر مارکسیسم رانیز درک نکرده و نخواهند کرد. نقش مثبت و ارزنده مبارزه مسلحانه در گذشته نه بوسیله فرمولها بلکه بوسیله خود

زندگی ناشد شده است. آنها حتی هرگز نفهمیده اند که چرا در میان چریکهای مارکسیستی - لنینیستی ایران، این تنها سازمان چریکهای فدائی خلق بود که پس از قیام همانند یک سازمان توده ای قدرتمند در عرصه سیاسی ایران ظاهر شد.

یکی از وظایفی که در آن سالها برای ایجاد یک سازمان مستحکم کمونیستی بمناب مرکزی برای تبلیغ و ترویج سیاسی میبایست انجام میشد، اعمال قهر انقلابی از جانب پیشاهنگ بود. پاسخگویی به این وظیفه در مقابل سرکوب فاشیستی و عیان گشته رژیم شاه، بیانگر بیگری و استواری پیشرو در کار آگاه هگران سیاسی بود.

اما نباید فراموش کرد که انحرافی که سازمان ما در آن زمان بدان دچار گشته بود، عبارت از آن بود که اقدامات مسلحانه را در مجموعه فعالیت خوب بقدری تعمیم و بسط داد و بقدری در نقش تبلیغی مبارزه مسلحانه راه اغراق پیمود که عملاً نتوانست در برخی از اشکال مبارزه بطور فعال و جدی نقش موثری را ایفا نماید. کم توجهی بکار سیاسی مستقیم در میان توده ها و ایجاد زمینه های لازم برای برپا داشتن سازمان های توده ای در دوران اوج گیسوی مبارزه، نتیجه اش آن بود که هنگام برآمدهای توده ای با نیروی وسیع هواداران که در هیچ شکل سازماندهی نشده بودند، روبرو شدیم.

با سرنگونی رژیم شاه و تغییر شرایط سیاسی، مرحله جدیدی از فعالیت سازمان آغاز شد.

موجی از کارگران پیشرو، که در جریان اعتصابات و تظاهرات خیابانی علیه رژیم شاه پرورش یافته و بسرعت بمنافع طبقاتی خویش آگاه شده بودند، بسوی سازمان روی آوردند. این وضع که قبل از هر چیز محصول مجموعه فعالیت و عملکردهای تبلیغی و سیاسی گذشته سازمان بود، نشان داد که سازمان در حال گذار از یک جریان روشنفکران انقلابی به یک جریان توده ای است. بعلاوه قیام توده ای بهمن مسأله دستاوردهای را با رمان آورده بود که با استفاده از آن سازمان موفق شد پایه و قدرت توده ای بیشتری بگیرد. با برپایی تظاهرات سیاسی و گرد هم آیی های عظیم و میتینگ های توده ای، توانستیم اهداف انقلابی سازمان را در مبارزهای که از حماسه سیاهکل آغاز شده و طی نزدیک بیک دهه پر شورترین صحنه های مبارزاتی را در دادگاهها، شکنجهگاهها و میدان های تیرباران،

در تظاهرات خیابانی و بالاخره در قیام مسلحانه توده ای بطهور رسانده بود، در ابعدی و وسیعتر تبلیغ نمائیم. در تمامی این حرکتها، هدف ما آن بود که با ارتقاء سطح آگاهی طبقه کارگر و مردم زحمتکش ایران و سازماندهی و پیشبرد مبارزات آنان و نیز شناختن ماهیت سازمان، انقلاب را آگاهانه در مسیر اهداف سیاسی پرولتاریا به پیش رانده و اقدامات خود بخودی کارگران و دهقانان را با داری آگاهانه و سازمان یافته تبدیل نمائیم.



فدائی شهید رفیق
جلیل انفارادی

اما نقائص و کمبودهای بزرگی در مقابل انجام وظایف اساسی و جدیدی که بر عهده ما بود قرار داشت و هر روز بیشتر در سیر فعالیتها یمان وقفه ایجاد می نمود. از یکسو تحولات سریع و گوناگون سیاسی در سطح جامعه، ضرورت شرکت در مبارزه توده ای را بیش از پیش شدت میبخشید و از سوی دیگر سازمان فاقد یک تحلیل عینی و علمی از اوضاع سیاسی و فاندیک برنامه و تاکتیک معین و مشخص که باید راهنمای عمل سازمان و هواداران در حرکات سیاسی باشد بود.

از نظر درونی وضع چنین بود که در یکسو توده های سازمانی قرار داشتند که هنوز مرحله شکل گیری سیاسی-ایدئولوژیک را از سر می گذراندند و در سوی دیگر مرکزیتی قرار گرفته بود که بهیچ عنوان نمیتوانست شایستگی برخورد با مسائل گوناگون و پیچیده را در شرایط جدید از خود نشان دهد.

طبیعی بود که سازمانی با این خصوصیات وقتی که بر بستریک محیط خرد بورژوازی حرکت کند، لزوماً نتیجه بقیه در صفحه ۱۷

های خیانت پیشه و امپریالیسم تلقی می کنند. آیا مضحک و خنده آور نیست که چریکهای فدائی خلق، بنام فدائی خلق مبارزه ای را که از جانب فدائیان راستین خلق برای از بین بردن تسلط سرمایه داران و تجار بر خیات اقتصادی اجتماعی و سیاسی جامعه، برای کوتاه کردن دست فئودالها و زمینداران بزرگ از سر دهقانان زحمتکش و ستمدیده، برای برپائی و گسترش شوراهای واقعی، برای اعمال اراده

گرامی باد سالروز حماسه افتخار آفرین سیاهکل

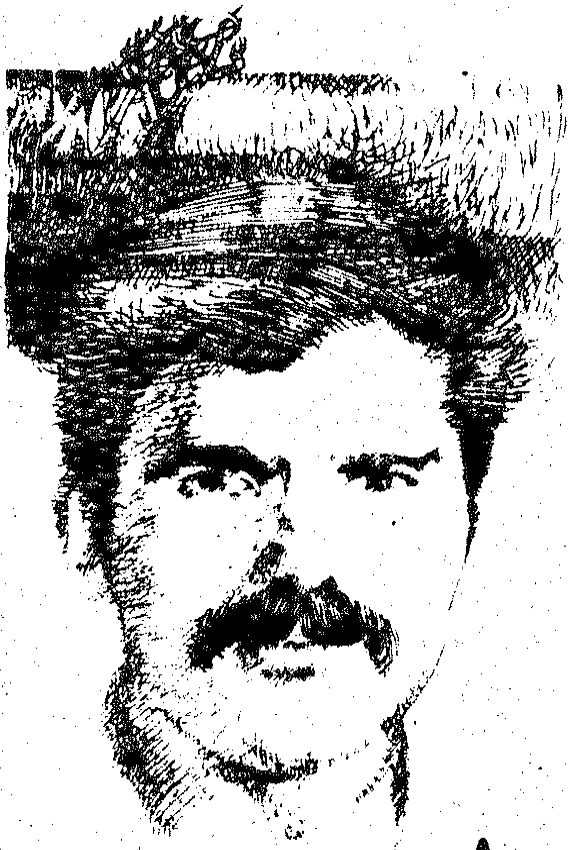
بقیه از صفحه ۱۶

حزب جمهوری اسلامی را به خود دهقانان می دهند؟ چریکائی که عملاً در جبهه واحدی با حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته و حاضر به قبول رهبری چنین حزبی گردیده است، طبیعتاً باید سعی کند مبارزه خود را در مسیری قرار دهد که خوشایند حکومت جمهوری اسلامی باشد.

بنابراین عجیب و غیر قابل تصور نیست که با اصطلاح "فدائیان" سروکار داشته باشیم که هرگونه مبارزه بیگانه علیه شکنجه، ترور و اعدام انقلابیون، کشتار مردم و بگلوله بستن توده ها را مبارزه ای لیبرالی و ضد انقلابی اعلام کنند!

آری اکنون ما در شرایطی قرار گرفته ایم که در تاریخ فعالیت سیاسی سازمان هیچگاه نظیر آن دیده نشده است. اگر در گذشته فدائیان خلق جان برکف علیه دیکتاتوری شاه و اربابان امپریالیست اش و برای استقرار دموکراسی توده ای، در کوچه و خیابان حماسه و قهرمانیهائی بی نظیری می آفریدند، امروز کسانی بنام آدامه دهندگان راه فدائیان را عین ارتجاع و همنوایی با لیبرال

ها و تفکرات غیر مارکسیست - لنینیستی را بدون خود رسوخ میدادند. همینطور نیز شد. تنها در دردل سازمان شکل گرفت و بتدریج به یک شکاف عمیق درون سازمانی تحول یافت. تا آنکه سرانجام به انشعابی که همگان از چگونگی آن باخبرند منجر گردید. جناح انقلابی سازمان به چریکها اپورتونیستی آیکه بر سازمان مسلط شده بود اجازه نداد که سازش و پشت کردن به توده ها را زیر پوشش سوابق انقلابی سازمان و سن مبارزاتی آیکه، فضای



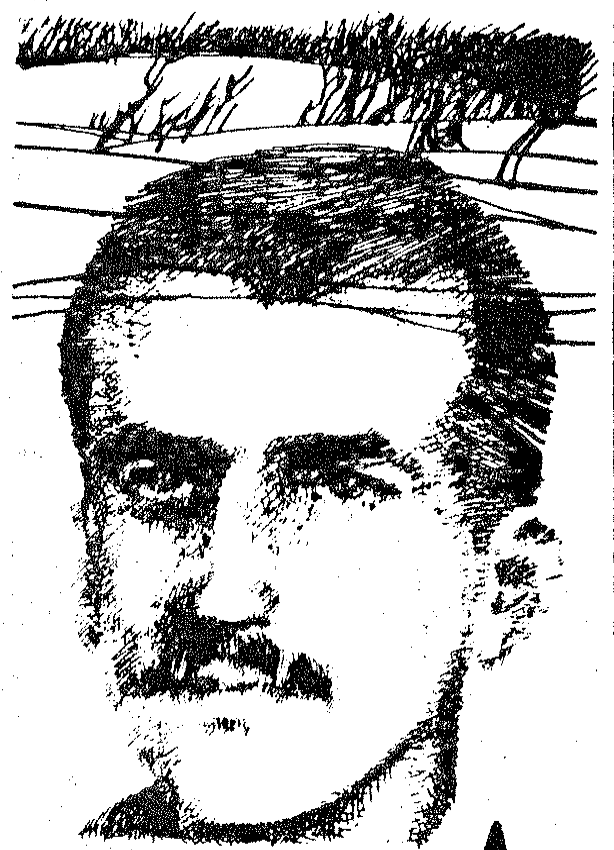
فدائی شهید رفیق

هوشنگ نیکو

مستقیم مردم، برای دموکراسی، آزادیهای سیاسی و حقوق دمکراتیک و بطور کلی برای تحقق وظایف اساسی انقلاب، انجام میگیرند، در جبهه امپریالیسم، قلمداد کنند؟ آیا چنین افرادی هیچگاه می توانند شایسته نام فدائی باشند؟ آیا آنها که اکنون حتی در مواردی با حرارتی بیشتر از دستجات و باندهای سیاه حزب جمهوری با هر فکر و اقدام مستقلاً و انقلابی مخالفت میورزند می توانند شایسته نام فدائی باشند؟ آیا این گونه خوش رقصیها هیچگونه رابطهای با مبارزات و تمام سنتهای غرور انگیز و قهرمانانه سازمان دارد؟

سرتاسر نشریه و اعلامیه و بیانییه های آنان را بخوانید، چه چیزی جز آه و ناله و شکوه و گلایه نسبت به برخی از عناصر هیات حاکمه که گویا تنها تقصیرشان اینست که مرز میان "دوستان و جاسوسان امپریالیسم" و "متحدین و دوستان" انقلاب را مخدوش جلوه گرمی سازند، تبلیغ و ترویج می کنند؟ کدام عنصر مبارزاتی فدائیان خلق در این سیاست نهفته است؟ اینک دیگر برای بسیاری از کارگران آگاه روشن شده، است که چنین سیاستی نه تنها ادامه و

بقیه در صفحه ۱۸



فدائی شهید رفیق

احمد فرهنگ

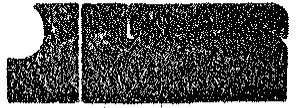
شهیدان در گذشته هر جای گذاشته بودند، و آنها کوچکترین اعتقادی بدان نداشتند، آدامه داده و به پیش برد، چریکائی که خود را "اکثریت" نامیده و بدروع خود را حامی سنن انقلابی سازمان می داند، و در عین حال چا بلوسا نه ترین عریضه نامه ها را به مقامات حکومتی که نه هیچیک از خواسته ها و مطالبات توده های ستمدیده را عملی کرده و نه در جهت آن گام بر میدارند می نویسد، نمی توانست و اکنون نیز نمی تواند در صف فدائیان خلق و تکامل دهندگان راه سازمان قرار داشته باشد.

براستی چگونه میتوان مبلغان چریکائی را که بدون احساس شرم و روش های خود را از "حزب توده" آموخته و کارگران را با طاعت از سرمایه داران و بردگی فراموش خوانند، فدائیان خلق نامید؟ چگونه میتوان باین چریک نام فدائی خلق آنها در حالیکه آنها دهقانان را به قبول بیوغبندگی زمینداران بزرگ فرا خوانده و هرگونه اقدام مستقل و انقلابی برای مصادره اراضی زمینداران بزرگ را تحت بهانه "مبارزه ضد امپریالیستی حاکمیت" و جلوگیری از اغتشاش و درگیری، منع و آنرا محکوم کرده و وعده ها و دروغهای



فدائی شهید رفیق

اسکندر رحیمی



گرامی باد...

بقیه از صفحه ۱۷

تکامل سیاست فدائیان خلق در گذشته نیست بلکه کوچکترین عنصر از عناصر مبارزاتی سازمان در گذشته را نیز در بر ندارد بنا بر این ما بخود حقوق میدهم که بگوئیم این سیاست است و گفتم حزب توده "است".

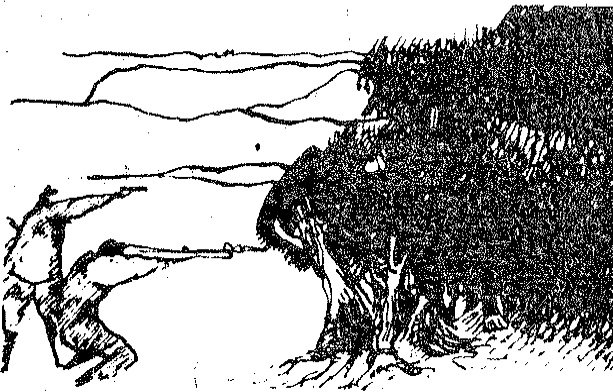
اما سوال اینست که آیا آنان توانسته اند به نیت خود جا معه عمل بپوشانند؟ حکومت جمهوری اسلامی به شکوایتهای و تظلمات آنها چگونه پاسخ داده است؟

علیرغم رویاها و خیالپردازیهای این جریان، واقعیتهای اجتماعی و سیاسی هر روز سرسختتر از گذشته، خود را با آنها می‌نماید. واقعیتها خیلی ساده نشان میدهند که در حکومت جمهوری اسلامی برای آنها جای چندانی وجود ندارد. دست و پا زدنهای اپورتونیسیم تنها هنگامی می‌توانست برای آنها امتیازات اساسی در پی داشته باشد، که پس از اوژگونی سلطنت جا معهدریک ثبات نسبی قرار داشته و بورژوازی می‌توانست حکومت خود را بطور کامل مستقر سازد. در آن صورت بورژوازی حاکم میتواند در جریان اعمال سیادت طبقاتی برای خراب کردن کارگران و دهقانان از پوشش مارکسیسم نیز درازای تکه تانسی که بسوی اپورتونیسیتها پرتاب میکرد استفاده کند. البته اکنون نیز

رهبران حزب جمهوری اسلامی بشیوه‌های دیگر اما بهمان اندازه تمسخر انگیزه ریش این "توده‌ای‌های جوان می‌خندند. بعنوان نمونه اعمال باندهای فاشیسترا که اکثر آنها از او باش ولمپن‌ها هستند در نظر بگیرد. این باندها که سر نخ همه آنها دردست رهبران حزب جمهوری است، پس از انجام هر ما موریت "مقدس و" مکتبی" خود که بطور معمول هجوم به



فدائی شهید رفیق اسماعیل معینسی عراقی



فدائی شهید رفیق محمدتقی فدجی

هر نوع تجمع آزاد و دموکراتیک است. به هواداران این جریان اپورتونیسیتی که با در دست داشتن مقوا و ویسکا پلاکارها، حرکتی دموکراتیک را تحریم و یا محکوم می‌کنند، حمله ور شده و چنان حماقت و کوری رهبران شان را برملا می‌کنند که بسیاری از هواداران با ایمان آنان، دیگر حاضر به اجرای چنین سیاستها نمی‌گردند. اما بجای اینگونه زبونی‌ها حماسه‌سایه‌هاکل برای ما همواره سرمشق بزرگی از مبارزه جوئی و جانفشانی در راه رها تسی خلقهای ایران از قید استعمار و ستیم امپریالیسم و طبقات ضد انقلاب داخلی بوده و خواهد بود. ما مطمئن هستیم که اکنون - و در آینده نیز بیشتر - حیل و ریاکاریهای "کمیته مرکزی" نمی‌تواند حیثیت سیاسی سازمان را که با خون صدها شهید فدائی بدست آمده آلوده و مخدوش سازد.

ایمان داریم که با تصحیح خطاها و جمعیندی تجربیاتی که در مبارزه گسب می‌کنیم و با تعمیق آموزشهای مارکسیست - لنینیستی موفق به جلب پشتیبانی اکثریت طبقه کارگر و زحمتکشان میهن شده و با طرد اپورتونیسیم از صحنه جنبش کارگری ایران و وحدت با نیروهای انقلابی، آرمانهای شهیدان سیاهکل را که همانا آرمان طبقه کارگر و زحمتکشان ایران است، به تحقق خواهیم رساند.

رودخانه پویان

خون گوزن جنگل پویان دیگری ست

بعد از صدای پویان
بعد از حریق سوخته خون شعله‌ور
بعد از حریق توفان
بعد از صدای جنگل

ایران دیگر
مانند رودخانه خونینی ست
بر صخره‌های سختی می‌راند
از قلله‌های رنج فرو می‌ریزد
در دره‌های دلتنگی می‌خواند
وزخم تا بناک شهیدان را
با کاکلی شکافته و خونریز
در خاک‌های گلگون می‌گرداند.

همپای رودخانه سوزان باید
مثل حریق توفان
بر فرق گوه‌ودشت برانم
زخم برادران شهیدم را باید
مثل ستاره‌های خون افشان
روی فلات سوگوار برگردانم
باید بجزم از جگرو

چون شیر
در بیشه‌های خشم بمانم

رگبارهای آتش فروخت
واستخوان و خون
در جنگل و خیابان آتش گرفت
سخت

قلب گوزن‌های جوان
قلب انفجار
در چشمه‌های آتش و خون
خفت
با دی‌ها سناک بر آمد
قلب‌ها رچشمه خونین
در جنگل سیاهکل

آشت
جنگل شکافت
و با نژده ستاره خونین
با نعره‌های سوزان برخاست از نهضت
و بر مدارهای گریزان چرخید
چرخید روی جنگل و

توفید روی شهر
بر فرق شب شکفت
با کاکلی شکافته
می‌راند
بر سنگ و صخره
رود
و نعره‌های من
پیچیده روی قلعه خونالود
گل‌های خوب سوخته دلشکستان
مردان خشم و خوف!
خونشعله‌های بیکر در خون نشستگان
وحشت فرو نهد و فرا زانید
از قلله‌های قرمز شیکرینگرید (۲)
با شاخ‌های خنجر
با چشم‌های خشم
روئیده بر کرانه خون
جنگل گوزن.

بازسازی و تقویت ارتش به نفع امپریالیسم و علیله توده‌هاست



بقیه از صفحه ۱

ایران بیشتر است. شما خواهان چند و پستانم هستید؟ بسیار خوب بگوئید چگونه می‌توانید جانشینی برای جنین نیروی پیدا کنید؟

از آنچه آنروز شاه درباره ارتش مزدور ضد خلقی خود گفت بخوبی میتوان در کوتاه‌ترین تعبیریه ما هیت این ارتش پی برد و تا کید کرده دولت بورژوازی ارگان سرکوب طبقاتی بورژوازی علیه زحمتکشان است و ابزار این سرکوب عبارتست از ارتش و سایر نیروهای مسلح.

بعد از کودتای امپریالیستی ۱۲۹۹، رضاخان بعنوان عنصر دست نشانده امپریالیسم برای درهم کوبیدن مبارزات مردم دست آوردهای جنبش مشروطه‌خواهی، ایجاد یک ارتش واحد و نیرومند را در سرلوحه برنامه خود داشت. سهپا لاری بعد از کودتا و بازسازی ارتش کلیه اهرمهای رهبری این نهاد ضد خلقی را قبضه کرد و بعدها فرزند جلدش محمدرضا با مقام بزرگ ارتشتاران در راس آن قرار گرفت.

طی بیش از نیم قرن سلطه پهلوی ارتش شاه بکمک مستشاران امپریالیستهای جهان خوار، با توجه به موقعیت استراتژیکی ایران در منطقه خاور میانه به آنچنان قدرت اهریمنی تبدیل شد که علاوه بر سرکوب خلقهای زحمتکش ایران وظیفه حراست از منافع امپریالیستها بشکل حمایت از رژیمهای ارتجاعی و مشارکت در سرکوب خلقهای منطقه را نیز عهده دار بود. ارتقاء درجه و مقام افسران شاه از درجه سرهنگی به بالا (بدون استثناء)

زیر نظر "سیا" قرار داشت و نیز فرماندهی عالی ارتش زیر نظر بود مستقیم مستشاران آمریکا و پیناگون بود. این همان رابطه‌ای است که توسط وزیر خارجه آمریکا از قریب غی و خسرو دادوسا بر فرماندهان خواسته میشود که نسبت به بختیا رهاش وفادار بمانند و روز دیگر ژنرال ارتش دجیم سگ مغضوب آستان شاه

را به مذاکره با آیت الله خمینی می‌فرستد و روز دیگر توکلی، رحیمی، قره‌باغی، ربیعی، فر دوست را در معیت هویز ریشت می‌مذاکره با حضرات آیات عظام موسوی اردبیلی، بهشتی و آقای بازرگان می‌نشانند و شاد مهور، رکنی، مدنی، شکر، ظهیر زبیرزاد علوی مقدم، امیر باقری، رحیمی، فلاخی، و دیگران نشاناران محمدرضا شاه را تطهیر کرده و در راس ارتش اسلام قرار میدهند تا از نابودی کامل ستون فقرات بورژوازی جلوگیری شود.

گذشته ارتش همچون تاریخ رژیمی که در آن بود سراسرتنگ است و جنایت علیه زحمتکشان و خلقهای تحت ستم ایران، خدمت است و جاکری در حق امپریالیستها و طبقات استثمارگر. ارتش ایران همواره در سوخته قرار داشته است که امپریالیستها و شاه، که بورژوازی وابسته، که فتوادلها و همه دزدان و غارتگران و همه دشمنان خلق، سلاحهای ارتش برای برقراری نظم ارتجاعی در جهت تسهیل چپا و لگری و بهره‌کشی همواره سینه‌کا رگران و دهقانان و دیگر زحمتکشان ایران را نشانده رفته است. کارنامه ارتش شاه یعنی سرکوب جنبشهای انقلابی و دمکراتیک و ملی

از مشروطیت تا کنون، یعنی سرکوب قیام خلق و بخون کشاندن جمهوریهای آذربایجان، کردستان و گیلان یعنی سرکوب زحمتکشان خلقهای عرب، لر، فارس، بلوچ... و در یک کلام کارنامه ارتش یعنی کارنامه ستم امپریالیستها، فتوادلها، سرمایه داران وابسته علیه کارگران و دهقانان و سایر زحمتکشان ایران و بالاخره یعنی کارنامه یکسال تمام سرکوب جوانین جنبش انقلابی خلق در سالهای ۵۶ و ۵۷ هفتاد هزار کشته و صدها هزار زخمی و این همه بدون برقراری یک سیستم تعلیماتی و پرورشی مبنی بر اطاعت کورکورانه بدان سگان که ارتشیان را به مهره‌هایی بی‌اراده در خدمت ماشین بزرگ سرکوب تبدیل کند امکان پذیر نیست. حال باید پرسید که با توجه به آنچه گفته شد و با تاکید بر اینکه ارتش ستون فقرات بورژوازی است و برای حفظ آن بوجود آمده است، چرا فرماندهان این ارگان ضد خلقی در روزهای بعد از ۲۲ بهمن تظاهرات همبستگی با مردم نمودند.

این بسیار طبیعی است که امپریالیسم برای حفظ منافع گسترده‌ای که در سایه استقراری سیستم سرمایه‌داری در میهن ما دارد هنگامی که در برابر امواج نیرومند جنبش خلق قرار میگیرد، اخبارا برای حفظ مواضع اصلی به عقب نشینی‌های تاکتیکی تن دردهد تا بتواند در فرصتی مناسب آنها را مجدداً خود را از نو آغاز کند.

تاریخ سراسر مبارزات خلقهای جهان آکنده از تجاربسی چنین است.

بقیه در صفحه ۲۰

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

بازسازی و تقویت ارتش به نفع ...

بقیه از صفحه ۱۹

توده های خلق در اندوختی در دهه ۱۹۵۰ پیروزیهای چشمگیری در مبارزه با امپریالیستی خود بدست آورد. اما از آنجا که جنبش از درک عمیق نسبت به ماهیت امپریالیزم برخوردار نبود و سر مست از پیروزی و غرور، به دشمن کم بها میداد و خود را مهیای دفاع از دست آوردهای انقلابی خود نکرده. بهمین دلیل در برابر اولین کودتا و یورش سازمان یافته امپریالیزم و ارتجاع نه تنها پیروزیهای بدست آمده را از کف داد بلکه نزدیک به یک میلیون تن از بهترین فرزندان خود را قربانی کرد.

نمونه دیگری است. در اوایل دهه ۱۹۷۰ جنبش خلق به پیروزیهای مهمی دست یافت. بالاتر از همه آنکه رهبر سوسیالیست جنبش خلق از طریق پارلمان به حکومت رسید. اما علیرغم تذکرات و اصرار نیروهای انقلابی داخلی بویژه جناح چپ جنبش کمونیستی شیلی و انقلابیون جهان از حمله فیدل کاسترو، دید انحرافی رهبری در عدم شناخت دقیق نسبت به ماشین دولت بورژوازی و ارگانی سرکوبگران، موجب شد که آئینده دست به ساخت ارتش ضد خلقی با فرماندهان آمریکائی آن نزنند و همچنان آنرا حفظ نماید. همین خطای بزرگ که به مثابه پروراندن ما در آستین بود بهترین زمینه را جهت تدارک کودتای فاشیستی دیکتاتور پینوشه مهیا نمود.

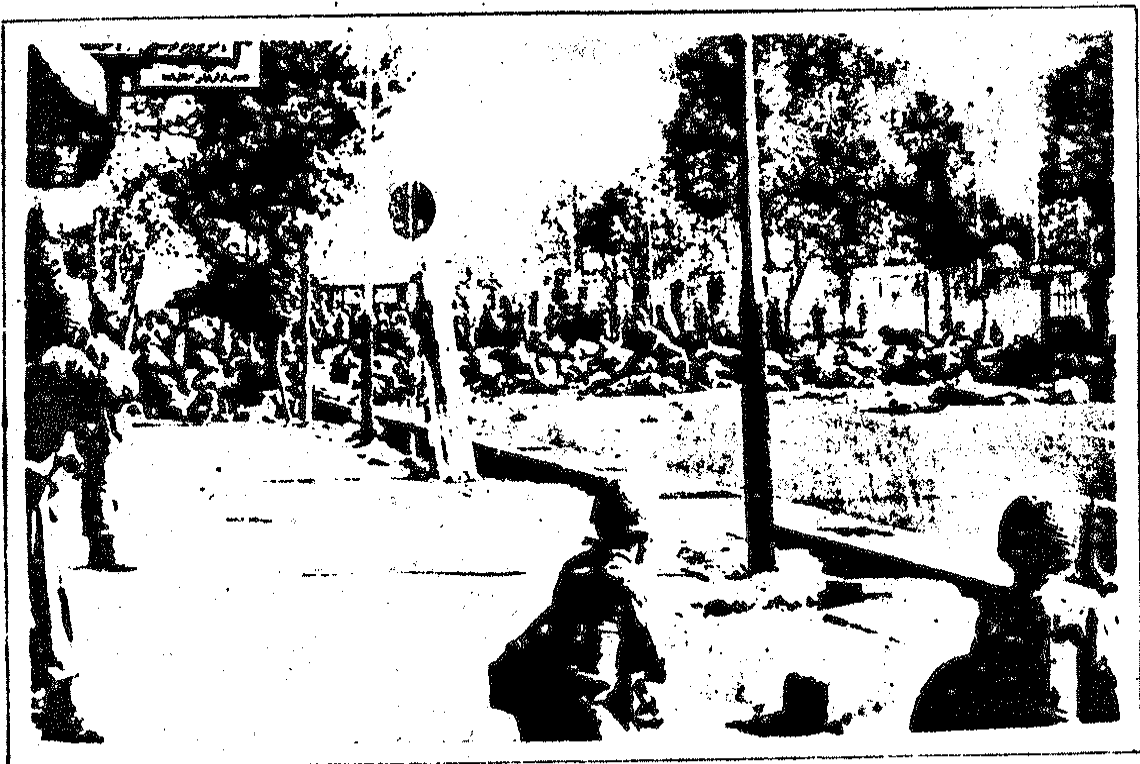
و یک نمونه دیگر در تاریخ معاصر ما، جنبش ملی دمکراتیک سالهای بعد از شهریور ۱۳۲۰ و اوج آن در فاصله سالهای ۳۰ - ۳۲ است در طول این جنبش، خلق ما پیروزیهای چشمگیری نصیبش گردید. شاه از ترس مجازات توسط توده های خلق همان کاری را کرد که در ۲۶ دیماه ۱۳۵۷.

در فاصله روزهای ۲۵ - ۲۸ مرداد مردم به خیابانها ریخته و مجسمه های شاه و پدرش را به زیر کشیدند، تمام خیابانها را عوض کردند بفرماندها، اموال دربار و شاه افتادند و در صدد برقراری نوع جدیدی از حکومت بجای سلطنت پهلوی برآمدند. در تمام این مدت ارتش که توسط مصدق دست نخورده باقی مانده بود در کمین بود. چند روز از این پیروزی نگذشته بود که فرماندهان گوش به فرمان امپریالیزم تانکها و مسلسلها را در خیابانها مستقر کردند و با گلوله باران مردم بی دفاع و غیر مسلح حکومت مصدق را ساقط کرده، با قدرت و خسونت هر چه بیشتر شاه را دوباره به سلطنت برگرداندند مصدق فکری

میکرد که چون خود او وزیر جنگ است و رئیس ستاد نیز از افسران وفادار وی میباشد لذا صحبت از کودتا شایعه ای است که "کمونیستها" آنرا بر سر زبان انداخته اند. بدین ترتیب رهبران جنبش بجز (شهید فاطمی) از درک ماهیت امپریالیزم غافل بودند. توده های مردم را فریب دادند و آنها را که برای هر نوع جانفشانی در حفظ دستاورد های انقلاب آماده گدی داشتند مسلح نکردند (در این میان تنها حزب توده از پیش جدی بودن خطر کودتا را فهمیده و آنرا مطرح ساخته بود اما رهبران فرصت طلب خیانتکار رو چون این حزب نیز عملاً سیاست قاطعی اتخاذ نکردند و با شیوه های خیانتکارانه، مانند دیگر رهبران آن زمان، خلق را زیر تیغ کودتا چنان تنها گذاشته و بعد از مدتی فرار را برقرار ترجیح دادند.) این واقعیتها همچون رنگ خطی میبایست فرار از جنبش انقلابی میهن ما قرار گیرد. جلوگیری از شکست قطعی شدن انقلاب خلق مستلزم افشای سیاستهای سازشکارانه و ضد انقلابی است که می کوشد بین مردم و با تکیه بر توهمات و اعتماد ناگاهان آنها منافع طبقاتی بورژوازی و امپریالیزم را بر آورده سازد.

موقعیت استراتژیکی ایران برای امپریالیزم اهمیت فوق العاده ای دارد. ارتش ایران در زمان شاه بزرگترین دژ بازی امپریالیسم در منطقه ای بود که تضادهای موجود در جوامع طبقاتی اش بشکله با روتی را میماند که هر آن انتظار انفجار آن میرفت و بهمین دلیل تمام کوشش و تلاش امپریالیسم در بازسازی آن بکار بسته میشود.

دقت کنیم: امپریالیستها "توسط" بازرگان اولین نخست وزیر منتخب امام در برخورد به ارتش میگویند: "این موضوع که افسران در دست مطیع فرمان شاه و امپریالیزم بودند دلیل طرد آنها نمیشود. چو لازم و طبیعتاً افسران طاعت از ما فوق خود است. همما نظور که وظیفه یک معلم درس



دادن در چارچوب برنامه مطرح ریزی شده است

(از یک سخنرانی نامرئوده در لوبزان) بازرگان زمانی چنین سخنانی ایراد می نماید که بیکرترین انقلابیون یعنی کمونیستها بر چیده شدن اساس ارتش آریامهری، محاکمه و مجازات سران و افراد موثر و مزدور ارتش، و در مقابل مسلح کردن توده ها، تقویت ارگانهای خلقی مانند شوراهای مسلح کارگران و دهقانان و زحمتکشان شهری، ایجاد ارتش انقلابی خلق مشکل از زمیندگان مسلح سازمانهای سیاسی شرکت کننده در قیام، افسران، همافران، درجه داران مترقی و انقلابی و تشکیل شورای منتخب سربازان و درجه داران و افسران انقلابی جهت فرماندهی ارتش را بعنوان وسیله ای جهت پاسداری از انقلاب و پیشبرد اهداف آن مطرح میکردند.

سازمان مابلی اطلاعاتی ۲۵ بهمن ۵۷ خودتاکید کرد: "مردم انقلابی و مسلح باید دفاع از دستاوردهای خونین خود را تا پیروزی نهائی بعهده بگیرند. صورت دفاع از انقلاب تا ریشه کن نمودن تمامی مظالم و محاکمه امپریالیزم و ارتجاع از وظایف اساسی آنهاست." ما گفتیم چون هنوز ارتجاع وابسته به امپریالیزم نیرومند است و انقلاب آنرا (تنها) وادار به عقب نشینی کرده اما به تمام ما می نماند. نکرده است و بسیاری از ضد انقلابیون دیروز به مقتضای شرایط خود را طرفدار انقلاب جا زده اند پس مردم باید در کمال هوشیاری این عناصر را مورد مراقبت قرار دهند. "همچنین تاکیدی کردیم که "سازمانهای مسلح انقلابی و توده های قیام کننده باید میناسا" و پایه هرگونه سازماندهی نظامی قرار گیرند و کسانی باید این ارتش را ایجاد کنند و عضوان باشند که علیه ارتش ضد انقلاب جنگیده باشند. در راستای ارتش کسانی باید برار گیرند که اطمینان خود را به آزمانهای مردم با شایسته رسانیده باشند."

بازسازی و تقویت ارتش به نفع...

بقیه از صفحه ۲۰

اما آیت الله خمینی و سایر سران ارگان سازش که زمام جنبش خلق را بدست گرفته بودند بنا بر ماهیت طبقاتی و از ترس قدرت گیری نیروهای انقلابی در پهناسگاه استقرار یک دیکتاتوری خلقی، از همان آغاز و به اشکال مختلف در ارتش نیز علم مخالفت با ایجاد و تقویت نهادهای مردمی را برداشتند. آنان با انتما بایات تحمیلی که در سطوح فرماندهی بدان دست زدند، بجای شعار مردمی "ارتش ضد خلقی نابود یا بیدگردد"، شعار تسخیر ارتش را شاهنشاهی را عملی کردند. با پیوستن ترتیب، قره نی، رکنی، محقق، مدنی، امیرباقری، رحیمی، شاکر، توکلی، علوی، فلاحی، ظهیرنژاد، ابن مزدوران امپریالیزم و شاه جنایتکار توسط "امام امت" تطهیر شده و بازسازی ارتش ضد خلقی از سوی ارگان سازش به آنها واگذار شد. (در این میان از جمله علوی، رحیمی، امیرباقری، رکنی، محقق، مدنی، هریک بنحسوی با کودتاگران و با عوامل آمریکایی رابطه داشته و برخی از آنها تاکنون دستگیر شده و بقیه فعلی قرار می دهند و این طبیعی بود زیرا ارتش نیز مانند سایر نهادهای جامعه بورژوازی دارای ساختی طبقاتی است که توسط بورژوازی و بر مبنای سیاستهای آن و در خدمت منافع وی اداره میشود. در رأس آن نیز عناصر مزدور و نمایندگان خود را می گمارد.

می بینیم که ارگان سازش همان سیاستی را اجرا می کند که در دوران قیام از آن پشتیبانی میکرد. هنگامی که سینه خلق قهرمان و زحمتکش ما آماج گلوله های ارتش آمریکائی شاه قرار داشت و به چشم خود می دید که شاه جنایت میکند، ارتش حمایت می کند. لیبیرالها و سران سازشکار خرده بورژوازی از مردم خواستند در مقابل گلوله به مزدوران گل تقدیم کنند... و شعار "ارتش برادر ماست" و "ارتش تو مال ماست" را سر میدادند. آنها مذبح خانه میکوشیدند مردم را از آگاهی به ماهیت واقعی ارتش بازدارند برعکس کمونیستها و انقلابیون دیکتاتور همواره تا کیستند داشتند که: ارتشی که بود چه سنگین آن به قیمت استعمار میلیون ها تن از هموطنان ما تا مین میشود، ارتشی که بقول ژنرالهای معدومش کمتر فرماندهی در مراکز آن بدون حضور عنصر مستشاری یافت می شد، ارتشی که در نوکری امپریالیستها و پاسداری از منافع آنان در منطقه بعنوان



است، کشتار خلق تبریز خود بهترین دلیل است.

پرسنل انقلابی بعد از قیام طی مبارزاتی خواستار انحلال ارتش و وابسته شاه و ایجاد ارتش نوین مردمی سازنده، با نظام شورائی بودند که سر باز گیری در آن بصورت دا و طلبانه انجام پذیرد و پرسنل حق شرکت در فعالیت سیاسی داشته باشند. ارتش نوین انقلابی از نظر پرسنل مترقی می باید از کلیه پرسنل انقلابی ارتش سابق، رزمندگان سازمانهای انقلابی مسلح و توده های انقلابی دا و طلب خدمت تشکیل بشود و وظیفه آن باید دفاع از استقلال میهن انقلابی در مقابل متجاوزین خارجی و دشمنان داخلی باشد.

اما دولت موقت با اصطلاح انقلابی بازرگان و شورای با اصطلاح انقلابی بخاطر هراس از تداوم انقلاب از یکسو - از همان اولین روزهای سرنگونی رژیم گذشته، چه آشکارا و چه پنهان (از ترس مردم) اساسی ترین برنامه خود را خلق سلاح خلق رزمنده و سازمانهای انقلابی آن قرار داد. و در هر کجا توانست این تمم را با خشنونت تمام علیه خلق اجرا کرد. و از سوی دیگر، دستور لغو انحلال شوراها را صادر نمود و با تهدید پرسنل انقلابی و تصفیه بسیاری از آنها زمینه استقرار مجدد نظم و اطاعت کورکورانه در ارتش را پایه ریزی کرد. تا ارتش فرمانبردار بورژوازی در خدمت بازسازی کل سیستم آسیب دیده که حاکمیت دولت مرکزی در آن توسط خلق خدشه دار شده بود مجدداً بازسازی شود. در این راه از تمام شیوه های ارتجاعی و مساله آفرینی ضد انقلابی از جمله دا مزدن به تضادهای فرعی درون خلقی و اختلافهای مذهبی و عقیدتی استفاده شد و ارتش برای برقرار کردن "اقتدار و حاکمیت" دولت اسلامی وارد عمل شد این امر پیش از هر جای دیگر در

بقیه در صفحه ۲۲

ژاندارم امپریالیزم معروف شد، نمی توانند با مردم باشد. ارتش ۲۸ مرداد، ۳۰ تیر، ۱۵ خرداد، سرکوب گر خلق ظفار، کشتار قم، ۱۷ شهریور، ۱۳ آبان، مسجد کرمان، کشتار اصفهان، قتل عام تبریز حتی در روزهای بعد از قیام خلق، ارتش شاه، ارتش آمریکا... نمی تواند به صف خلق بپیوندد در تمام مراحل جنبش عظیم خلق در یکساله قبل از قیام تنها تعداد معدودی از کادرهای پائین ارتش بخصوص سربازان بودند که... بدلیل وجود منافع طبقاتی مشترک میان آنها و کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری - قهرمانان از ارتش جدا شدند و بهمین دلیل بود که مردم صمیمانه فریاد می کشیدند "سرباز تو مال ماست" و "سرباز از ماست". اما بورژوازی در این زمینه نیز راه خود را میبرد و رهبری نیز تمامی اتوریته اش را در خدمت پیشبرد سیاستهای بورژوازی قرار داد و یکی از بزرگترین پیروزیهای جنبش خلق که همانا درهم شکستن نسبی ستون فقرات دشمن بود، پیش از آنکه تکمیل شود مورد تجاوز قرار گرفت.

پرسنل انقلابی ارتش یعنی بیانی که از نظر طبقاتی با نگرخواستار شده های میانی و پائینی ارتش بشمار می رود (سربازان، افسران جزء و درجه داران و افسران مندان زحمتکش) با شناخت عینی از ماهیت ژنرالهای آمریکائی تازه اسلام آورده، که مجدداً به فرماندهی ارتش منصوب شده بودند، دست به اعتراض برداشتند. اعتراض این عناصر مردمی در دوران ارتش مورد حمایت وسیع مردم قرار گرفت. مردم طی تظاهراتی در دومین روز بعد از قیام که همزمان بود با کشتار خلق در تبریز توسط واحدهای نظامی همچنان وفادار به شاه این شعارها را همراه پرسنل انقلابی ارتش تکرار میکردند، "ما کشته شدیم که سازش کنیم، امیر ارتش را نوازش کنیم" توبه فرماندهان یک حمله جدید



بازسازی و تقویت ارتش به نفع ...

بقیه از صفحه ۲۱

مناطق صورت گرفت که قدرت مسلح مردم و شوراهای انقلابی در حین تکوین، استقرار و تقویت سلطه خلق بود. نوطه ارتجاع از سنج شروع شد و در کنگره و ترکمن صحرا و خوزستان تکرار شد. نوروز ۵۸ یکماه و چند روز بعد از شکست ارتش و عقب نشینی آن در برابر قیام، ژنرال قره نئی و فلاحی توپخانه و هلیکوپترهای ارتش شاه را به تایلند و جمهوری اسلامی مزین کرده به سنج و از آنجا به گنبد گسل داشتند. البته از همین اولین جنایت ها وجود سپاهیان پاسدار به مثابه زائده ارگان سرکوب بویژه در گنبد محسوس بود. ظهور اولی این حرکت های ضد خلقی ارتش موجب از تحرک سیاسی راجه در داخل و خارج ارتش دامن زده نیروهای انقلابی که به ما هیت ضد خلقی و مزدور فرماندهان ارتش آگاه بودند به افشاگری و اعتراض علیه ارتش و حاکمیت دست زدند. اسناد شرکت قره نئی در کودتای ۲۸ مرداد و سرکوب مردم قهرمان رشت در آن سال توسط سازمان ما منتشر شد. در پیشگاه خلق نقش قره نئی که به همراه خیانتکارانی چون سرتیپ آزموه و سپهبد بختیار جلا دسازماندهی ارتش شاه را بعد از ۲۸ مرداد دیده داشتند آشفته گردید. اسنادشان میدادند که می که خلق قهرمان ایران و نظامیان انقلابی زیر شدیدترین سرکوب ها قرار داشتند قره نئی در پست ریاست رکن ۲ یعنی ضد اطلاعات ارتش از مهره های موثر رژیم بود.

پرسنل انقلابی ارتش نیز بنا اعتراضات و تحصن های پی در پی خود در مخالفت با بازسازی سیستم ارتش به این جنبش دامن زدند. در مقابل، ارتجاع با دسیسه چینی های گوناگون سعی در شکستن اتحاد پرسنل انقلابی ارتش و انحلال شوراها و نهاد های مردمی داشت. (بنی صدر مزورانه تحصن بزرگ پرسنل نظامی را که سال گذشته در مسجد دانشگاه صورت گرفت برهم زد و بعدها نمایندگان پرسنل را بازداشت یا از کار برکنار نمود) آبت الله خمینی، در تمام این کشمکشها همواره جانب سران مزدور ارتش و بورژوازی را که خواستبار بازسازی ارتش بودند گرفت. ها دوی اصطلاح دادستان انقلاب در تیرماه ۵۸ اعلام داشت "اگرچه نیروهای انقلابی در زمان شاه مجاز بودند که سلاح داشته باشند اما این امر اکنون دیگر ضرورتی ندارد و این درج سوای پرسنلهائی بود که از سوی مردم پیرامون دستگیریهائی متعقد

انقلابیون، تفتیش منازل و حملات سازمان یافته به مراکز سیاسی نیروهای مترقی و انقلابی، مطرح میشود.

حاکمیت برای مقابله با نیروهای انقلابی پیگیر و خلق سلاح آنها توسط دارو دسته های مزدور و چماق دار حزب الهی که از همان روزهای قبل از قیام و حتی طی تظاهرات او را خردوار رژیم شاه تدارک دیده شده بود، به میدان آمد. حادثه آفرینی کرد و حوادث را بهانه قرار داد و توده های نا آگاه را به دنبال چماق داران بحرکت در آورد و کوشید بخشی از مردم را در برابر بخشی دیگر قرار دهد و از ارتش برای سرکوب نیروهای انقلابی و استقرار خودکامک گیران تیمار مدنی با نوطه چینی های ارتجاعی کشتار خونین خلق مبارز عرب را در خوزستان تدارک دید گذشته از حملات سرکوبی به مراکز نیروهای انقلابی در شهرهای تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، مشهد... بزرگترین نوطه وسیع فدائیان بعد از قیام طی شبه کودتای ۲۸ مرداد ۵۸ بوسیله اعلام جهاد شوم علیه خلق کرد و جنبش خلق طلبانه آن صورت گرفت که خاطره جنایت ارتش و پاسداران سرمایه به سرکردگی عناصرمزدور جلادی چون چمران، فلاحی، ملا حسن... خلخالی... در حق خلق کرد یعنی داغ ننگ بزرگی بر تارک جمهوری اسلامی زده شد. طی این دوره مسئله بازسازی ارتش به همان روش و شیوه آریا مهری بطور جدی در دستور کار دولت و حاکمیت قرار گرفت که البته زمینه های این کار از همان ماه های اول بعد از قیام تدارک دیده شده بود. در زیر فهرست واریه های رویدادها و مسائل در این رابطه اشاره می کنیم:

حدوده ۲ نفر از پرسنل نیروی هوایی که در آمریکا مشغول تحصیل بودند تنها بعد از مسئله اشغال سفارت آمریکا فراخوانده شدند و برای ادامه آموزش به پاکستان رفتند. شورای انقلاب طی صدور تمویب نامه های متعدد درخواست خرید جنگ افزارهای آمریکائی ارتش و ادامه وابستگی تکنولوژیک نظامی به

امپریالیستها را مورد تأیید قرار داد.

دوما بعد از انقلاب (۵۸/۱/۲۲) از طرف فرماندهی کل ستاد ارتش "مجلسی" اسلامی بطور محرمانه درخواست استخدام کارشناس خارجی برای جنگ افزارهای ارتش شد و در تاریخ ۸ مرداد ۵۸ نام ۲۲ تن از مستشاران نظامی آمریکا که بعد از قیام به ایران آمده بودند توسط سازمان مادر روزنامه کار منتشر شد.

مهندس بازرگان اولین نخست وزیر منتخب امام خمینی، از انقادی قراردادهای اسارت با ریب امپریالیستها دفاع نموده آنها را مفید بحال ملت و مملکت توصیف میکند.

فرمانده لیکر آرمیه با زهربران "قیاده موقت" (یعنی سازمان کردهای دسراسری عراق که تحت فرماندهی ملامصطفی بازرانی با رژیم شاه و صهیونیست ها رابطه داشتند و امروز فرزندان او مسعود و ادیس بر آنها ریاست دارند) ملاقات نمود و بهمان شیوه آریا مهری در مقابل کمکهای مالی و تسلیحاتی خواستار مشارکت قیادهای ارتش در سرکوب نیروهای انقلابی کردستان ایران می گردد.

کشتار خلق دریا و توسط ارتش و پاسداران بعنوان مقدمه جهاد کدائی و بدنبال آن سراسر کردستان شاهد پیکار خونین و قهرمانانه خلقی میگردد که مقامات و متشزانوی حاکمیت رالزاند و اولین شکست مفتضحانه دولت جمهوری اسلامی را در برابر اراده خلق در تاریخ ثبت کرد. ارتش با فتوایها و مز تحمیل کردستان، فارس، بلوچستان قرارهایی مبنی بر حمایت از آنها در برابر جنبشهای دهقانی میبندد و متقابلا فتوایها با حاکمیت دست بیعت میدهند و به حضور امام شرفیاب می گردند.

ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی میراث شوم شاه توسط دولت بازرگان در تیرماه ۵۸ تجدید میشود. طبق این قانون هرگونه رابطه

بازسازی و تقویت ارتش به نفع...

بقیه از صفحه ۲۲

سیاسی میان پرسنل ارتش و سایر مردم ممنوع و نایل تعقیب است. امرای نظام خاصوس آمریکاییها و سحکوی دولت موقت منتخب استام خمینی در محاصره مطبوعاتی ۱۷ خرداد ۵۸ ممنوعیت فعالیت سیاسی پرسنل ارتش را اعلام داشت.

سرتیپ امیررحیمی فرمانده دژیان و سازمانده گروهای تروریستی سیاه جامگان، پرسنل انقلابی معترض به بازسازی سیستم گذشته ارتش را تهدید به اخراج و مجازات نموده از قوانین و شیوه های ضد انقلابی گذشته به دفاع برمی خیزد.

سرتیپ ایمانیان فرمانده نیروی هوایی به تنصیف پرسنل انقلابی نیروی هوایی و همافران یعنی همگان پرسنل دلیری که پیوستن آنان به قیام خلق نقطه عطفی در جنبش انقلابی علیه رژیم گذشته بود، دست می زند.

ژنرال شاهنشاهی، سرتیپ شاکر با سابقه شرکت در فرماندهی عملیات سرکوبگرانه علیه خلق ظفار که در بازداشت و منتظر محاکمه بسر میبرد آزاد شده در فرماندهی عملیات سرکوب خلق کرد شرکت کرد.

سرتیپ ولیاله فلاحتی که به مردم شرکت در فرماندهی عملیات سرکوب مردم قهرمان شیراز حتی بعد از اعلام همبستگی کذائی ارتش (۲۲ بهمن) تحت تعقیب قرار داشت و حکم جلب او تحت فشار نیروهای انقلابی و پرسنل متوقفی ارتش صادر شده بود بخاطر تجارت جتاییتکارانه اش در سرکوب انقلابیون به مقام فرماندهی نیروی زمینی رسید. (این مزدور را بسط عملیاتی ارتش ایران و آمریکا در جنگ ویتنام و یکی از تروریست ها و طراحان عملیات جنگی علیه خلق ظفار بود).

رئیس جمهور بنی صدر در مقام فرمانده کل قوا به ارتش دستور داد تا زمانی که خلق کرد را کاملاً سرکوب نکند نظاً میان پوتین از پادرنیا ورندا و همچنین با صراحت دم از شورایی شورازد و به تهدید پرسنل متحصن در دانشگاه و توطئه علیه آنها پرداخت.

ژنرال فلاحتی طی سخنانی در پادگان سندج اعلام داشت: "من با شورا مخالفم. ما به پرونده تمام کسانی که تا به حال مرتکب جرمی شده اند در دادگاه ویژه ارتش رسیدگی خواهیم کرد. و به خدمت کسانی که تحصن کرده، قطعاً مه نوشته و اعتصاب برآه انداخته اند ختمه می دهیم" ژنرال ظهیرنژاد در یک نطق



خانه ویران شده ای در روستای قزلجه، نمونه ای از خرابیهای جنگ دوم در ترکمن صحرا توسط ارتش جمهوری اسلامی.

تلویزیونی ضمن تائید سرکوب خلق کرد اظهار داشت:

"من با قاطعیت اعلام می دارم که هیچکس بعنوان نماینده در ارتش وجود ندارد نماینده همان کسی است که از بالاترین میشود..."

بدنبال بروز حوادث خونین نطقه، ارتش برای درهم کوبیدن مقاومت مبارزین کرد، قریه یا لخی نطقه را مورد حمله تانکها قرار داد. طی مدت بعد از قیام تا کنون سیاست کشتار های دسته جمعی در روستاهای قارنا، قلاتان، ایندرقاش - یوسف کند در کردستان قزلجه در ترکمن صحرا پاد روستاهای دیرپاسین، کفرقاسم و می لای در ایران زنده شد.

۵۸/۱۱/۲۲ اعلام رسمی انحلال به اصطلاح شورای موقت هماهنگی ارتش جمهوری اسلامی ایران و پایان تظاهر دغلاکارانه به قبول شورابود. قبل از این تاریخ از سوی ژنرال شادمهر رئیس ستاد مشترک ارتش، دستور انحلال فوری "عواملی بنام شورا" صادر شد و به فرماندهان پادگانها دستور داده شد تا در صورت "مقاومت عوامل مذکور عنداللزوم مورد تعقیب قرار گیرند."

آنچه گذشت گوشه هایی از چریکانی است که طی آن ارتش تا حدودی ضربات ناشی از قیام دلوران خلق بر سر خود را ترمیم کرد. پیش بینی های انقلابیون راستین خلق درست بود. ارتش ما من دشمن خلق و کمینگساز مزدوران سرمایه داری توسط ارگان سازش و برغم خواست توده های میلیونی بیباک استه با سازی شد و فرماندهان آریامهری مواضع از دست رفته را مجدداً بدست آوردند.

دیدیم که هواپیماهای آمریکایی با اتکاء به امنیت فضائی تامین شده از طرف مزدوران آمریکا در نیروی هوایی از مرزهای ایران گذشتند و چگونه

اسناد باقی مانده از آنها در طی این آزمایش برداشته شد.

دوره دومتهاجم ضد انقلابی خاکمیت به کردستان که همزمان با توطئه با اصطلاح انقلاب فرهنگی بود زمینه بیشتری جهت بازسازی ارتش فراهم آورد. در همین دوره بود که بر بستن بحرانهای سیاسی اجتماعی موجود در جامعه و نیز در اوج تظاهرات جناحهای مختلف خاکمیت که معمولاً در پی عدم موفقیتشان در سرکوب کامل خلق تشدید میشود. مزدوران وابسته به امپریالیسم برای بازگرداندن شاپور بختیار و تدارک یک کودتای دست راستی را دیدند که چند روز قبل از انجام آن کشف شد. تعدادی از کودتاچیان دستگیر شده سریفا محاکمه و اعدام شدند و با مردم در جریبا نکا مل کودتا قرار نگرفتند. در رأس کودتا عناصری مانند ژنرال سعید مهدیون قرار داشته که در حکومت بازرگان مدتی فرمانده نیروی هوایی بود. امپریالری نیز که توسط بنی صدر تظہیر میشد هنگام فرار در فرودگاه دستگیر شد.

یکی از کودتاچیان بنام نادر وحدتی پورا اعلام کرد: (میخواستیم) تشکیلاتی بدهیم علیه کمونیستها تا کمونیستها هر وقت دارند نفوذ میکنند در مملکت بتوانیم در مقام مقابله با آنها برآئیم... با این هدف شروع کردیم که فعالیتها را علیه کمونیستها انجام بدهیم.

(انقلاب اسلامی - ۲۶ تیر ماه ۵۹) بدنبال کشف کودتای که توسط ارتجاعی ترین معافل وابسته به امپریالیسم سازماندهی شده بود برخی جابجائی ها در سطوح فرماندهی ارتش صورت گرفت اما همهها نظور که انتظار میرفت هر دو جناح خاکمیت هم لیبیرالها و هم جناح حزب جمهوری اسلامی در اساس ادا مه با سازی و

بازسازی و تقویت ارتش به نفع...

بقیه از صفحه ۲۳

دهها خیریت مورد نظر (کمیت) مساله تقویت و انسجام ارتش و کسب اعتبار و نفوذ برای آن در میان مردم است. تجا و زات چنانکه ارتش را نه رژیم عراق به مناطق مسکونی ایران و گشتکار زخمیکشان بی دفاع بویژه در شهرها و روستاهای مرزی، عدم آگاهی لازم خلق نسبت به ماهیت ارتش و عیوب و نواقص جنگ به اضافه تبلیغات شوینیستی گردانندگان جمهوری اسلامی و اینکه مردم از اخبار آنسوی جبهه یعنی معاشی که طی جنگ متقا بلاوبر زخمیکشان عراق میروند، خبر ندارند، بویژه در آغا جنگ موجی از روحیه شوینیستی را در میان توده های زخمیکش خلق برانگیخت.

امپریالیزم و سرمایه داران کوشیده و می کوشند تا با استفاده از شرایط جنگی مقاصدشان را از جمله در بازسازی ارتش با جراد آورند. آنان می کوشند ارتشی را که موجود آورنده فجاج ۲۸ مرداد ۱۵۰۲۲ خرداد ۱۷۰۴۲ شهریور ۱۰۰۵۷ است، ارتشی را که خلقهای کرد و ترکمن و عرب را حتی در شرایط جنگ با دولت عراق سرکوب کرده می کند ارتشی را که فجاج قارنا، قلطان، ایندر قاش، یوسف کند، قزلجه و خرمشهر ۵۸۰۰ را بوجود آورده است تا جایی ملت قلمداد نماید. از شکستهای دم نمیزند از خیانتهای سرانش سخن نمی گویند، نمی گویند چگونه سراسر مرزهای جنوب غربی و بخشی از غرب کشور تا عمق متوسط ۲۰ کیلومتر جلوانگاه ارتش مزدور عراق شد، چگونه مرزهای هوایی ایران بر روی هواپیماهای عملیات نورسبز آمریکا با زب بود؟ چگونه در آغا جنگ سوسنگرد، وقصر شیرین توسط فرماندهان ارتش مستقر در آنها بدون شلیک حتی یک گلوله تسلیم دشمن شد؟ نمی گویند چگونه انبارها و زاغهای مهمات ارتش در مناطق مرزی دست نخورده به جنگ دشمن افتاد، و بدستور چه کسانی حوزه های مرزی مین گذاری شده از میان برداشته شد. نمی گویند که چرا هزاران گلوله چلچله های ارتش بجای هدف گیری روی مواضع دشمن بدلیل خیانت فرمانده عملیات آتش جبهه خونین شهر به سبق های (بیابانها) خونین شهر و حتی مواضع نیروهای خودی شلیک شد و در همان حال کردستان قهرمان با توپ و تانک فانتوم مها بادش و سایر شهرها پیش بر سر خلق درهم کوبیده می شد. و بالاخره آنها نمیخواهند در باره شکست اخیر بعد از به اصطلاح پیروزی مورد ادعای پشان سخنی بگویند ری سرمایه داری این واقعیت ها را نمی گویند بلکه فتنه

ترمیم ارتش و سایر ارگانهای سرکوبگر بورژوازی وابسته بقیمت فقر و فلاکت میلیونها کارگر و زخمیکش میهنمان اشتراک نظر داشته اند بهمین دلیل کشف کودتا نیز تفسیری در روند بازسازی ارتش نداد. بجای علوی ها و محقق ها و مهدویونها مزدورانی چون امیرباقری ها، ظهیرنژادها و فکوری ها و فلاهی ها نشستند و ارتش همچنان نقش عمده را در ادامه سرکوب خلق بویژه در کردستان برعهده گرفت.

بهر حال بخش همین اخبار جزئی از کشف طرح توطئه کودتای امپریالیستی دارودسته مهدیون، محقق ها و امیرباقری ها کمیتی را نشان داد که با پاسداری از ماشین دولتی گذشته و بازسازی ارگانهای سرکوب آن نظیر ارتش ضد خلقی به عیوب و خیانتهای خود دست زدند و استقراری رژیم به غایت ارتجاعی تر را در بطن خود فرآهم می آورد، ثابت کرد که این ارتش، ارتشی است در خدمت سرمایه داران وابسته به امپریالیسم که با اضافه کردن کلمه اسلامی بعنوان آن ماهیتش را نمیتوان تغییر داد. این حقیقت حتی گاه به مقتضای شرایط معینی از زبان برخی دست اندکاران حاکمیت نیز شنیده میشود. مثلاً بیت اللیله گیلانی حاکم شرع دادگاههای ارتش در ماههای با روزنامه انقلاب اسلامی در تاریخ ۱۹ شهریور گفت: "یکی از امرای ارتش که در دادگاههای بعد از قیام محکوم شد و بعداً مورد عناایت امام قرار گرفت و از زندان بیرون آمد همین سعید مهدیون بود: آیت اللیله گیلانی اضافه میکند که: "خود من پس از عفونا میرده را احضار کردم و بیا و بگویم: تبسم، دولت جمهوری اسلامی نیاز به افرادی چون شما برای فداقتی و حفظ آسمان ایران دارد. شما تلاش کنید از اینجا که بیرون میروید بیهوشمان امام و رئیس جمهور تهنیت بدهید. یک چندی حسن نیستیستان دهید تا شما را بخدمت بکما ریم سپس اضافه می کند که یک چندی که از آزادی تبسم تیمسار آریا مهری گذشت او را در راه دارودسته کودتا چیسان بزند آن آوردند و اعدام کردند. آری، این یک واقعیت است که گردانندگان جمهوری اسلامی از همان آغا زروی کار آمدن ثابت کرده اند که بدلیل وحشتشان از شکل گیری رگانهای توده ای مسلح ناشی از آزاده انقلابی خلق و در شرایطی که حتی هنگام جنگ با رژیم عراق نیز در فکر خلع سلاح توده ها هستند به ناچار با پیدار شدن تقویت کننده حال که به جنگ با عراق اشاره کردیم لازم است از این رویداد بعنوان یکی از مهمترین عواملی که در تسریع بازسازی ارتش موثر واقع شده و میشود یاد کنیم، جنگی که هزینه و خسارتهای سرسام آور آن بیگمان بردوش کارگران و دهقانان و سایر زخمیکشان دو کشور ایران و عراق سنگینی میکند.

یکی از اهداف امپریالیسم و سرمایه داران ایران از جنگ (یکی از

انقلابیونی که از آغا جنگ تا کنون به بند کشیده شده و یا تا کنون اعدام شده اند یکی از آنها ما نشان افشای ماهیت ارتجاعی جنگ و خیانت فرماندهان آن است. تبلیغات دولت که مبتنی بر فریب و تحمیه، توده هاست اساساً در خدمت حفظ و تقویت تئوریت ارتش و بازسازی کامل آن است کافی است به روزنامه بنی صدر و تبلیغات رادیو تلویزیون و مطبوعات تیول حزب جمهوری اسلامی نگاه کنیم. حاکمیت مصمم به بازسازی ارتش است زیرا بعد از جنگ با پیدائز به کسار سرکوب کارگران و دهقانان و خاقهای تحت ستم ایران بگیرد.

پس از آغا جنگ کودتا چنانی که اعدام نشده بودند آزاد شده و مانند "حربین مظلوم" به خدمت ارتش اسلام درآمدند. (اگر جنگ لحظاتی قبل از اعدام محقق ها و مهدیون ها آغاز میشد چه بسا آنها نیز از کشتن در فرماندهی ارتش مساعدت میکردند) بسیاری از فرماندهان مزدوری که پس از قیام فراری یا بازنشسته یا اخراج شده بودند به خدمت دعوت گردیدند.

روزنامه کیهان مستضعفین در تاریخ ۵ مهرماه در پاسخ به افسران فراری مقیم خارج که خواستار پیوستن به ارتش بودند می نویسد:

"ضمن قدردانی از این وفاداران با شرف و علاقمندان به اسلام و وطن اسلامی ایران امیدوار است همه نیروها و قدرتهای انسانی در خدمت حکومت مستضعفین که ودیعت خداوندی است درآید همچنان در اطلاعیه شماره ۱۲۱ ارتش خطاب به مزدوران پاکسازی شده و بازنشسته ارتش آمده است:

برای اینکه همکاران ما که از نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران بازنشسته شده اند نیز بتوانند دین خود را به میهن اسلامی ادا کنند، بدینوسیله از کلیه افسران و درجه دارانی که قبلاً در رسته زرهی و توپخانه و مخا برات خدمت کرده اند و از اول مهرماه سال ۶۰ تا کنون بازنشسته، باز خرید و با مستعفی شده اند دعوت مینماید برای دفاع از اسلام و ایران به برادران خود بپیوندند.

و هشدار به خلق قهرمانان که این یعنی همان ماری که در آستین جمهوری اسلامی پرورش می یابد.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران چه در دوران قیام چه پس از پیروزی خلق بر رژیم شاهنشاهی هواره در باره ماهیت ارتش بورژوازی و فرماندهان دست پرورده، مستشاران آمریکایی هشدار داده است امروز نیز همچنان موظفیم که حقایق را بیا توده های زخمیکش خلق در میان بگذاریم و با نیک برآوریم که:

اینک همه نمایندگان بورژوازی، سران سازشکار خرده بورژوازی و تمامی عوامل امپریالیسم از ارتش نیرومند سخن میگویند. اما آنها نمی گویند که رژیم مزدور شاه با همین ارتش به اصطلاح نیرومندش میهن ما را در بست در اختیار امپریالیستهای

بقیه در صفحه ۲۷

روز شمار قیام

بقیه از صفحه ۸ بود.

♦ یزدی در همین روز گفت "با وجودی که هم اکنون شمار بزرگی از مردم خواستار اسلحه هستند، اما با اینحال آیت الله خمینی هواداران خود را به آراش دعوت کرده است و توسل به اسلحه را کاملاً طرد کرده است."
♦ کارکنان اعتصابی رادیو و تلویزیون آمادگی خود را جهت بخش مراسم ورود آیت الله خمینی اعلام نمودند.

♦ ۱۲ بهمن ماه : آیت الله خمینی با هواپیما وارد تهران شد. هیونها نفر از مردم که با سلاح خود و تحقیق تمامی شعارهای انقلاب را در وی می دیدند، به استقبال آمدند. توده های خلق که قاطعیت آیت الله خمینی را در مورد اینکه "شاه باید برود" دیده بودند تصور میکردند که وی در برابر سایر خواستهای خلق نیز همین قاطعیت را از خود نشان خواهد داد. مراسم ورود آیت الله از تلویزیون توسط مزدوران ارتش با بخش عکس و سرودشاهی قطع گشت.

♦ شهرستانی شهردار تهران کسه استعفای خود را به آیت الله خمینی تقدیم کرد در مقام خود باقی ماند. بدین ترتیب اولین طلبیه های ابقای مزدوران آریا مهری پدیدار گشت.

♦ ۱۵ بهمن ماه : توده ها مبارزات تهران را به خود ادامه میدهند این مبارزات هر روز شکلی وسیعتر و قهرآمیزتر خود میگیرد. خلقی تمامی مظالم و ستم سرمایه داری - وابسته را به آتش می کشد و بدین وسیله خشم و نفرت خود را از سیستم موجود بیان میدارد. بانکها، شرکتهای بزرگ، ماشینهای پلیس و... همگی این روزها در شعله های آتش میسوزند. توده ها میروند تا بندهایی را که رهبران برای آنان نهاده اند بکشند و حرکات مستقل خود را شکل دهند.

♦ در این روز کیهان مینویسد "به منظور مذاکره تاریخی میان آیت الله خمینی و سایر چریکها که سالها ارتباطی جدید برقرار شده است. مینکران اقدام سیاستمدار مذهبی مهدی بازرگان را است که فیلاستینز توافقنامه ای برای انجام مذاکره میان آیت الله و چریکها ترتیب داده بود."

♦ ۱۶ بهمن ماه : مهدی مهدی بازرگان این سرمایه دار سیر حکم نخست وزیری خود را کرده است.



♦ ۱۹ و ۲۰ بهمن ماه : روز ۱۹ بهمن ماه توده های مردم بنا به فرمان آیت الله خمینی به خیابانها آمدند و دولت بازرگان را تا ناید کردند. سالروز رستاخیز سیا هکل به همین علت لغووبه ۲۱ بهمن موكول گشت.

♦ مهدی بازرگان در دانشگاه تهران بر نامه های دولت خود را اعلام کرد و وی گفت "پس از تشکیل مجلس موسسان و انجام فرمان دوم و تدوین قانون اساسی استعفا میدهم."

♦ نمایندگان آیت الله خمینی از جمله شهریار روحانی با آندریانگ ملاقات کردند. در این ملاقات "رعایت حقوق بشر" در ایران تضمین و تعهد گشت.

دیگر تمامی زمینه ها فراهم بود. "رهبران" به آهستگی و با آرامش کامل در عین کنترل جنبش خلق به قدرت می خزیدند. در اختیار گرفتن دستگاه بوروکراسی و ارتش توسط قدرت مداران جدید کاملاً نزدیک بود و چشم انداز تصاحب ماشین دولتی بشکلی سالم و دست نخورده بسیار روشن مینمود.

آیت الله خمینی رسیده بود! دست هاشمی رفسنجانی دریافت کرد.

♦ آیت الله خمینی در این روز اعلام کرد "مخالفت با حکومت بازرگان مخالفت با شرع است و جزایش بسیار زیاد است" آیت الله خمینی با این سخنان تمامی پایگاه توده های خود را در اختیار بازرگان نهاد. سازش - انجام شده بود.

♦ نشریه تایم نوشت : بازرگان اخیراً به شخصیت های حکومتی آمریکا گفته است که بقیه امکان دارد روابط نیکو با واشنگتن برقرار کرد.

♦ بنی صدر در گفتگو با رادیو فرانسه تماسهای با ارتش را "دلگرم کننده" توصیف کرد و گفت "ما میخواهیم از وفاداری ارتش مطمئن شویم." اینک پس از دو سال کاملاً مشهود است که سران ارتش در همان روزهای قبل از قیام کاملاً "رهبران" و از جمله بنی صدر را اروپا دارای خود مطمئن کرده بودند.

♦ ۱۸ بهمن ماه : ژنرال هویزر پس از یکماه اقامت در ایران با مرتب خود در اینجا را بیان داد. آنگونه که شواهد موجود روشن است ژنرال هویزر با خرسندی و اطمینان خاطر بر سران را ترک کرد. او که درست در اوج مبارزات خونین خلق و در اوج سرکوب و کشتار ارتش مزدور...

♦ ۱۸ بهمن ماه : ژنرال هویزر پس از یکماه اقامت در ایران با مرتب خود در اینجا را بیان داد. آنگونه که شواهد موجود روشن است ژنرال هویزر با خرسندی و اطمینان خاطر بر سران را ترک کرد. او که درست در اوج مبارزات خونین خلق و در اوج سرکوب و کشتار ارتش مزدور... "رهبران جمهوری اسلامی" بهشتی، موسوی اردبیلی و... به ملاقات و سازش نرسیده بود، با اطمینان کامل از "حسن بیرونی" سران را اینکه به سران ارتش "دلگیری" های لازم را داد و برای مواقع ضروری و ایستادگرفتنی نیروهای مسلحهای مهدی بازرگان نخست وزیر منتخب امام و آیت الله خمینی "مرد در میماند" جمهوری اسلامی را بیان داد. ایران را ترک نمود. سازش صورت گرفته بود.

۲۱ و ۲۲ بهمن قیام مسلحانه خلق

♦ جناح افراطی سلطنت طلب ارتش در این میان آمال خود را بر باد درند میدید. در ۲۰ بهمن ماه شب هنگام جنبش "گوسمالی" دادند به هم اقرا را شلاقی، کار در مردور شده با دکا بفرج... صدای تیراندازی بوده... های مردم را شب هنگام به خیابانها کشیدند. متناوبت هم اقرا و... بوده ها "گوسمالی" را طولانی کرد و تک معلوبد کس... شب در... ۲۵

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)
هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم

روز شمار قیام

بقیه از صفحه ۲۵

♦ صبح ۲۱ بهمن در حالی که مبارزه در فرج آباد ادامه دارد راهپیمایی عظیم سازمان از دانشگاه تهران آغاز میگردد. از همان ابتدای حرکت شعار هما فر - فدائی پیوندتان مبارک اوج میگردد. بلندگو مرتباً اعلام میکند که رفقای فدائی به پیروی هما فران شتافته اند. در میدان فردوسی با پدیدار شدن رفقای مسلح بر روی موتور جمعیت به یکباره از جا کنده میشود. رفقا دسته دسته بسوی فرج با حرکت میکنند. از این ساعت به بعد شهر شکل دیگری به خود میگیرد بتدریج جوانان مسلح در شهر پدیدار میگرددند و هر لحظه بیشتر و بیشتر میشوند. قیام آغاز گشته است.

♦ توده ها دسته دسته به مراکز ستم یورش می آورند. پادگانها و کلانتریها یک به یک تسخیر میشوند، رهبران به دست و پا می افتند مینی بوسهای متعددی با بلندگو در شهر حرکت میکنند و فریاد میزنند "اما دستور جهاد داده است" "دیگر رهبران نیز توده ها را به آرایش و مبارزات از توطئه دعوت میکنند. اما "سیل" جاری گشته است.

♦ آیت الله خمینی در فتوای خود میگوید "اینجا نبینا دارم که مسائل ایران بطور مسالمت آمیزی حل شود من با آنکه هنوز دستورها دمقدس نداده ام و نیز ما یلمت مسالمت حفظ و قضا یا موافق آراء ملت و موازین قانونی حل شود..."

♦ قیام در شهرستانها نیز کمابیش شکل میگیرد توده ها به مراکز جوار ستم رژیم حمله میبرند و مسلح میشوند. عمده ترین مسئله در این دوروز - کشمکش بین رهبران و توده ها است. رهبران با آخرین قدرت خود میکوشند هر چه سریعتر جلوی وسیعتر شدن حرکت را بگیرند.

♦ بازرگان در پیام تلویزیونی خود در ۲۲ بهمن میگوید "تیمسار ریاست ستاد در ملاقات حضوری همکاری خود را با دولت اظهار نمودند" "هموطنان عزیز لازم است حوصله به خرج داده مهلت دهند تا دولت با فرصت و بصیرت و عدالت امور مملکت و موضع و مقام مسئولین را با جریان صحیح بیندازد. بدیهی است که در آشفتگی و هرج و مرج و دست پا چکی نه تنها کارها سوسا مان پیدا نکرده صورت مطلوب نخواهد یافت بلکه خدای نکرده بدتر از گذشته و مصیبت بار خواهد شد." "بورژوازی تازه به قدرت رسیده با اوج گیری مبارزات توده ها، اینک وحشت زده است که "خدای نکرده وضع بدتر از گذشته و مصیبت بار شود."

♦ حکام جدید چاره ای نمی بینند مگر آنکه پروسه سازش را تسریع کنند.



ارتش در اعلامیه ای که به تصویب شورای عالی ارتش رسیده است اعلام میکند که سیاست "بیطرفی در امور سیاسی و پشتیبانی از تمام خواستهای ملت" را پیشه کرده است. بدینصورت با تلاشی "دسته جمعی" بیکره زخم خورده ارتش حفظ و حراست میشود تا در صورت فرصت و موقع مقتضی بازسازی گردد.

آیت الله خمینی برای ختم "هرج و مرج و آشوب" اعلامیه ای میدهد و در آن میگوید "نیروی ارتش عقب نشینی و عدم دخالت خودشان را در امور سیاسی ایران و پشتیبانی خودشان را از ملت اعلام کرده اند. ملت عزیز و شجاع ایران با کمال مراقبت از اوضاع و حفظ آمادگی برای دفاع احتمالی، در صورتی که نیروی ارتش بیگانه پادگانهای خود رفتند آرایش و نظم را حفظ نمایند. اگر اخلاص گران بخواهند با آتش افروزی و خرابکاری فاجعه بسیار آورند آنرا به وظیفه شرعی و انسانی نشان آگاه گردانند و نگذارند این قبیل کارها موجب هتک حرمت ملت شود و به سفارتنها حمله نکنند... سیل موقتا مهار میگردد. فرمان پایان انقلاب از سوی "رهبری" صادر گشته است.

♦ رادیو تلویزیون به قدرت خلق و با حضور فعال فدائیان تسخیر میگردد. رفیق سیادت رهبر عملیات نظامی سازمان درست در لحظه تسخیر ساختمان رادیو بشهادت رسید. در پناه خلق مسلح، رادیو ندا سر میدهد "این صدای راستین انقلاب ایران است" اما در همین روز قطب زاده به سرپرستی رادیو تلویزیون منصوب میشود و در مدت کوتاهی این "صدای راستین" را برآستی در گلو خفه میکند.

♦ ارگان سازش تشکیل یافته که حتی نمیتواند لحظه ای نیز خلق را - هر چند نسبت به او متوهم باشند - مسلح ببیند. بنا بر این از همین اولین روز ندای خلق سلاح را سر میدهد تلویزیون بارها و بارها اعلام میکند که "مردم باید اسلحه را هر چه زودتر به ستاد موقت نخست وزیر در دبیرستان رفقا تحویل دهند." "تمامی روحانیون نیز

از مردم تقاضا میکنند که سلاحها را که جزو بیت المال است - به "قرارگاه کل آیت الله خمینی" تحویل دهند. ♦ اما خلق مسلح حتی در اوج توهم نسبت به "رهبران" نیز بجز در مواردی به این فرمان تمکین نمیکند، نمود این عدم تمکین را در همین ماههای اخیر شاهد بوده ایم. هر زمان پس از آزیب قرمز ساعتها التماس و درخواست را دیوار مردم که هوا پیمایی در حال فرود فوری است لطفاً از تیر اندازی به آن خودداری کنید. "خود بهترین گواه مسلح بودن خلق است

♦ سپهبد نوروزی معاون شهربانی در رژیم شاه، به سمت سرپرست شهربانی کل کشور منصوب می شود در اینروز - کیا نوری که ربع قرن در اروپا کنج عافیت گزیده بود، در مصاحبه ای در بوداپست از آیت الله خمینی تمجید میکند و میگوید: "بازرگان یک مین پیرست خوب است" "او در همین مصاحبه اعلام میکند که "خود را آماده بازگشت به ایران میکند." میراث خواران انقلاب نه فقط از پارسیس، لندن، و نیویورک بلکه از بوداپست نیز به ایران سرازیر میشوند تا سهمی از سفره رنگین که با خون خلق آراسته گشته است برگیرند.

♦ ۲۳ بهمن ماه: بنی صدر مسئول جمع آوری سلاحها و خلع سلاح سازمان های سیاسی میگردد. او که سالهای سیاه خفقان را در فضای باز پارسیس گذرانده اینک ما موریت میاید تا فدائیان و مجاهدین را که در مقابل شاه مسلحانه ایستادند، خلع سلاح کند.

♦ امیران نظام این جاسوس آمریکائی معاون نخست وزیر و سخنگوی دولت در عین اعلام انتماب تیمسار قره نسی به سمت ریاست ستاد و استعفا ی قره نسی با غی گفت "نما می بکانه ای دلایمی انقلاب را به رسمیت شناخته اند."

♦ آیت الله شریعتمداری در پیام خود به ملت ایران تصریح کرد که "ارتش را حفظ نموده از آتش سوزی تغیر رفتار افراد معلوم الحال جلوگیری نمائید.

بقیه از صفحه ۳

ماه بهمن ...

★ فدائی شهید رفیق محمدحسین عارفیان

در روز ۲۲ بهمن ماه در پیام برآمد شاه و آمریکا شرکت خست و جان خویش را فدای خلق ایران نمود.

★ فدائی شهید رفیق محمدعلی ملکوتیان

اهل گیلان بود و چندین سال از عمر خویش را به عنوان یک انقلابی کمونیست در زندان گذراند. وی با اوچگی مبارزات خلق ایران از زندان آزاد شد و به صف مبارزان پیوست و سرانجام هنگامی که رهبری حمله به پادگان جمشیدیه را به عهده داشت به شهادت رسید.

★ فدائی شهید خسرو پناهی



متولد ۱۳۳۱ در روستای توت شا مشی گوران از توابع کرمانشاه - دانشجوی مدرسه عالی ورزش - او در جریان حمله به گلانتری (واقع در میدان تریا) به شهادت رسید.

بهمن ۱۳۵۸

★ فدائی شهید رفیق نعمت احمدی

متولد ۱۳۳۰ در محله درب دلاکسان خرم آباد - وی در یک حادثه اتومبیل به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق حسین جرجانی

متولد ترکمن صحرا - فارغ التحصیل مدرسه عالی کشاورزی همدان - عضو شورای روستای تانار علیا و نماینده اتحادیه تانار علیا در اتحادیه سراسری شوراهای روستائی ترکمن صحرا - وی شهید رفیق دیگر بوده و ناخواسته به قتل رسیدند.

بقیه از صفحه ۴

از اعلامیه ها ...

کارگران خواسته اند تا در برابر توطئه های مدیریت و انجمن اسلامی در شورای واقعی خود منگول شوند.

در سخنی از این تراکت آمده است: "گردستانی مردور (مدیر این واحد) پس از اینکه با کمک و همکاری هیئت پاکسازی و انجمن اسلامی موفق به انحلال شورا و اخراج نمایندگان ما شد اینک با آسودگی خیال بیشتر با تهدید و ارباب به تشدید استثمار ما کارگران پرداخته است. از طرف دیگر انجمن اسلامی نیز برای کسب قدرت بیشتر و مقابله با مدیریت میخواد هتشیبانی کارگران را جلب کند.
تنها یک شورای واقعی میتواند از منافع ما در مقابل امپریالیسم و عواملشان دفاع کند."
*

قیام شکوهمند

وظائف ما در این لحظات تاریخی است. نیروهای انقلابی موظفند خود را از هر نظری برای مقابله با بحرانهای سخت و تلاطمات انقلابی آینده آماده سازند تا بتوانند با پیروی از خط مشی صحیح و انقلابی در جهت رهبری جنبش توده ای گام بردارند.

در شرایط مشخص کنونی گسترش دامنه انقلاب و سوق دادن آن به جلو، تنها از طریق دادن زدن به مبارزه طبقاتی توده ها و تعمیق آن میسر است. هرگونه دنباله روی از جناحهای حاکمه خواه لیبرالها خواه حزب جمهوری اسلامی یا دیگر جناحهای حاکم، با هر استدلالی که صورت بگیرد، جز انحراف از خط و مشی انقلابی، افتادن به دام سازشکاری و به کجراه کشاندن مبارزات توده ای نمیباشد. نیروهای انقلابی موظفند با صراحت خط و مرز دوستان و دشمنان انقلاب را ترسیم نموده جا بجا به خویش را در صف انقلاب مشخص سازند و با پیشبرد سیاست اتحاد عمل نیروهای انقلابی، در جهت تقویت جنبش فدا مپریالیستی-دمکراتیک خلقهای ایران حرکت نمایند.

★ فدائی شهید رفیق شیرمحمد درخشنده توماج

متولد روستای یلمه سالیان - فارغ التحصیل رشته ادبیات - مسئول روابط عمومی ستاد مرکزی شوراهای ترکمن - صحرا - ۳ سال در اسارت رژیم شاه بود و ی نیز در اسارت به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق عبدالحکیم مختوم

متولد گنبد - معلم روستا - عضو کانن سیاسی فرهنگی خلق ترکمن - او هم پس از ربهوده شدن به شهادت رسید.

بقیه از صفحه ۲

اخبار کوتاه کارگری

بودجه گزاف از حقوق زحمتکشان ایران و مشخصاً "خلق بلوچ نامین شده است از بلوچستان خارج کند. چند ماه پس از قیام نیز رژیم قصد داشت این وسایل را (که شامل تا نکرهای آب، مونوره های آب شیرین کن، ژنراتورهای برق، دستکاهای فیبرپاش و آسفالت، دستکاهای سنگ شکن، بولدوزر، کامیونهای بارکش، دستکاهای پمپاژ آب و سایر وسایل راه سازی و خانه سازی میباشد) از منطقه خارج کند که مردم بوسیله خوابیدن بر روی کف جاده از حرکت تریلرها جلوگیری کردند و رژیم لاجرم عقب نشینی کرده و وسایل را به پایگاه بازگرداند.

مردم زحمتکش و محروم بلوچستان میگویند دولت موظف است از این وسایل برای آبادانی اینجا استفاده کند.

نقل از: "با منی استار" نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - سیستان و بلوچستان.

بازسازی و تقویت ...

بقیه از صفحه ۲۴

جهان خوار گذاشت. همین ارتش نیرومند علاوه بر سرکوب خلقهای ایران، خلق انقلابی ظفار را به خون کشید و پشت و پناه مرتجعین عرب و صهیونیسم علیه خلق قهرمان فلسطین و ژاندارم منطقه علیه خلقهای مبارز بود.

و بگوئیم که تقویت ارتش یعنی تقویت فدا انقلاب. بگوئیم بازسازی ارتش علیه توده ها است و با لاف با تکیه بر تجارب انقلابی همه خلقهای رسته از این دستم امپریالیستی بگوئیم، تنها و تنها خلق مسلم، خلقی که در ارگانهای توده ای متشکل با شور و هیبت انقلابی داشته باشد، قادر است در مقابل هرگونه تجاوزی به میهن زحمتکشان ایستادگی کند و از دست آورده های انقلابی خود دفاع نماید.

★ فدائی شهید رفیق طواق محمد واحدی

متولد ترکمن صحرا - فارغ التحصیل حقوق قضائی از دانشگاه تهران - کارمند دادگستری در بندر عباس - عضو ورشیس شورای شهروندی او نیز ربهوده شد و پس از انتقال به زندان اوین تهران، مجدداً از تهران به گنبد فرستاده شد و همراه با شهید رفیق دیگرش در راه گنبد به شهادت رسید.

یادشان گرامی باد

روز شمار قیام

صفحه از صفحه ۲۶

♦ مرکز ساواک در سلطنت آباد در این روز به همت خلق گشوده گشت و تمامی اسناد و مدارک و پرونده های ساواک به صورت سالم و دست نخورده بدست آمد. "رهبران" دوران تدبیر که در چشم انداز نزدیک افراد موجود در این لیست ها را بهترین متحدان خود می یافتند و در صدد احیای مجدد ساواک با یکا رگیری همین نیروها بودند از افشای نام آنها جلوگیری نمودند (امیران نظام در ۱۸ اسفند اعلام کرد) "میخواهیم از پرسنل و تجهیزات ساواک برای تشکیل یک سازمان اطلاعات و امنیت ملی استفاده کنیم".

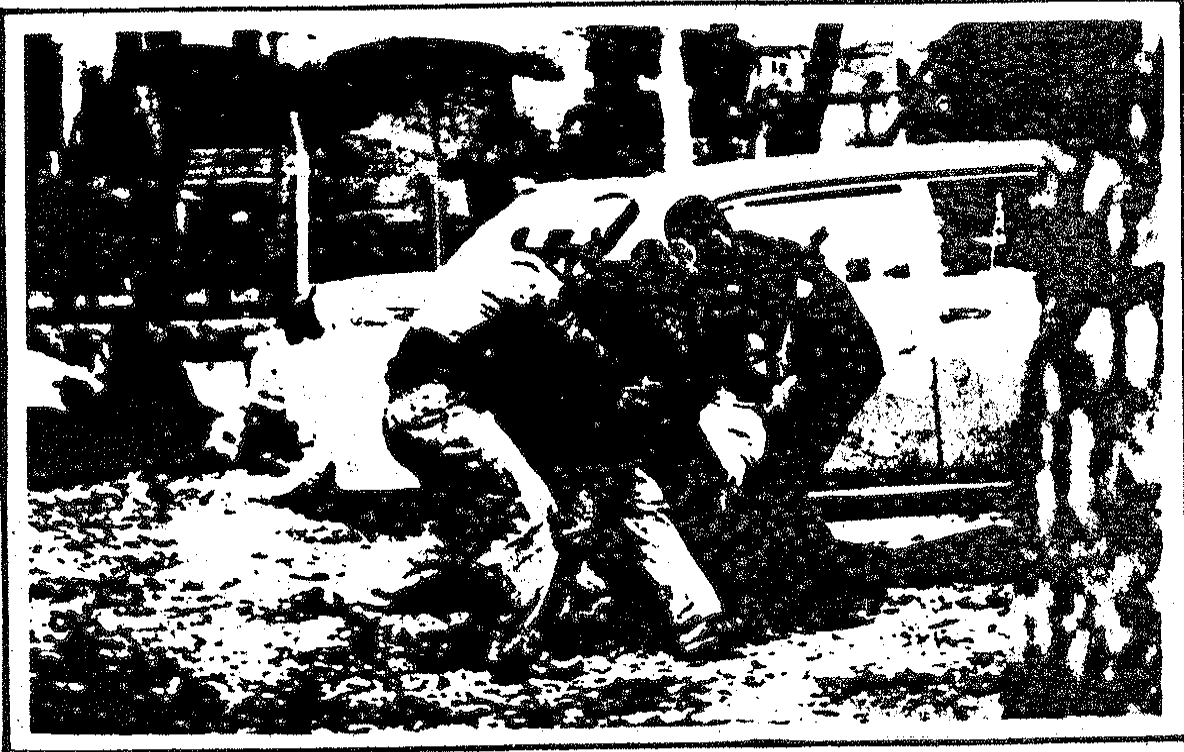
♦ بختیار جلاد در این روز دستگیر شد.
♦ زندان اوین تسخیر گشت. خلق که سالها فرزندانش را در سیاهالها و این زندان مخوف زیر شکنجه از دست داده بودند پس از تسخیر آن تصور نمیکرد که بار دیگر این دهلپزه ها از بهر پرسنل فرزندان مبارزش انباشته شود. اما دیری نپایید که...

♦ ۲۴ بهمن ماه - آیت الله خمینی در فتوای خود گفت "باید تمام اسلحه ها - شی که در دست مردم است جمع شود".
♦ دکتر ملاح خود مسئول کمیته ارتباط با مطبوعات کمیته انقلاب امام خمینی در محامیه های گفت در عین تأیید دستگیری بختیار مزدور از افشای محل نگهداری او خودداری نمود. در همین روز پسری بختیار در محامیه های با خبرگزاری فرانسه گفت "پدرم دوست سی ساله بازرگان است امیدوارم - بازرگان او را حفظ کند". این امید بزودی بعمل درآمد و بختیار از گریز بازرگان نگرینخت.

♦ اینک که دیگر قدرت به دست ارگان سازش افتاده بود درنگ جایز نبود. میبایست هر چه سریعتر سیستم با سازی شود و جهت با سازی آن به "رجال" کار آزموده نگاهایز بود. در این مملکت "قحط الرجال" چه کسانی بهتر از سر سپردگان و دست آموختگان رژیم ویسا سرما به داران کهنه کار و حامیان آنها را میتوان بکار گرفت. (بازرگان میگوید: در این قحط الرجال منسین پاکتر از یزیدی، صباغیان و امیران نظام پیدا نکرده ام).

♦ عوز برکا بینه در این روز مشخص شدند - سعایی - فروهر - صدر حجاج سید جواد - معین فر - مصطفی کتیرائی و...

♦ سپهد جلاد محققی، از جانب وزیر کشور به سمت سرپرست ژاندارمری کل کشور منسوب شد. سمت های وی از زمان شاه معاون عملیاتی ژاندارمری - جانشین فرمانده ژاندارمری و رئیس ستاد ژاندارمری بود. بر اثر فشار توده ها پس از چهار روز وی عزل و سرهنگ



عزت الله مهتاز به این سمت گمارده شد.

♦ سپهد مهدیون به کفالت سجاد نیروی هوایی برگزیده شد و از اولین روزها با اعتصاب همافران، درجه داران و افسران جز "روبرو گشت و در اثر این فشار عزل و سپهد تا هیوز در بررین که قبلا جانشین فرمانده بود بجای او برگمارده شد.

♦ تیمسار قره نسی طی بخشنامه ای از تمام امرای ارتش دعوت کرد که لباس شخصی در روز ۲۴ بهمن ماه به ستاد ارتش مراجعه کنند. قره نسی در سخنرانی خود برای آنان گفت "آقایانی که میایستند در ارتش بمانند و در ۲۸ بهمن ماه بر سرگازهای خود بروند و هر کدام از آقایان نمیخواهند می توانستند تقاضای بازنشستگی کنند."

♦ رژیم حاکم تمامی آتانی را که میتوانست دوباره بکار گرفت، آتانی را که از فرط رسوائی و شدت کینه خلق قادر به بکارگیری شان نبود فراری داد و فقط تحت فشار توده ها دست به اعدام معدود جلادانی زد که از فرط رسوائی رها کردند نشان موجودیت رژیم را بخطر می انداخت، رژیم بخوبی توانست به بهانه "قحط الرجال" صدها مزدور چون شاکر، فلاحی، ظهیر - نژاد، قره نسی، مدنی، فریده آذری و... را بکار بگیرد.

♦ ۲۵ بهمن ماه حجت الاسلام فلسفی که از دست اندر کاران کودتای ۲۸ مرداد است می بیند تمامی جلادان شاه بر سر کارند چه رسد به مداحان او. در نتیجه او نیز پایا به میدان می نهد و به دعوت "جامعه اصناف و بازرگانان" دربار سخنرانی میکند. او در این سخنرانی به تشریح و تحلیل جمهوری اسلامی می پردازد.

♦ خلق رزمنده به آنها جم خود ادا می دهد سفارت آمریکا مورد حمله قرار میگیرد و سولیان این مزدور آمریکا و عامل سیا به همراه ۷۰ نفر دیگر از جاسوسان دستگیر میشوند از ابتدای حرکت با بلندگوهای اعلام میگشت که امام خمینی فتواداده اند که به سفارت حمله نشود ولی بعد از آنکه "کارا زکار گذشت آقای دکتر یزیدی در صحنه ظاهر

گشت و با عصانیت ضمن "تقسیم اینگونه اعمال" جاسوسان را رها کرد. سرپرستی دفاع و محافظت از سفارت آمریکا با پیغمده سرهنگ توکلی قرار گرفت (این شخص پس از مدت کوتاهی توسط سائین بعنوان مزدور آمریکا و سیا افسان گشت). این حمله با شرکت فعال رفقای سازمان صورت گرفت.

♦ ۲۶ بهمن ماه - بازرگان گفت "در دو مکالمه تلفنی طولانی با ویلیام سولیان سفیر آمریکا در ایران از حمله به سفارت ایران نگرانی کرده و گفته است که امیدواریم به روابط خود با آمریکا ادامه دهیم."

♦ ۲۷ بهمن ماه آیت الله خمینی در پیام خود به نفتگران اعلام میکند که "اکنون اعتصاب برخلاف مسیر انقلاب است و شکستن آن موافق ملاح ملت است". و هزاران تن از نفتگران خواهان شرکت در شورای انقلاب اند اما رهبران معتقدند "انقلاب پایان یافته. اینک دوران سازندگی است

♦ مخالفت های شدیدی در رابطه با انتصابات انجام شده بخصوص در ارتش صورت میگیرد. راهپیمایی وسیعی علیه این انتصابات شکل میگیرد. توده ها فریاد میزنند "توبه فرماندهان یک - حیل" جدید است گشتار خلق تیریز خود بهترین دلیل است "گشته ندادیم که سازش کنیم - امیر ارتش را نوازش کنیم. این فریادها و حرکت های اعتراضی خاطر آسوده رهبران را پریشان میکند. آنها در می یابند که توده ها بسادگی به سازش انجام شده گردن نمی نهند. برای خلق انقلاب پایان نگرفته است. و اینچنین بود که پس از قیام رژیم بر سر کار قرار گرفت که نه جوشیده از درون مبارزات مسلحانه، خلق بلکه رژیم ترسانان از قدرت خلق، رژیم که یانه های ندرش را بر توهم بوده ها استوار کرده اند و بنای سرمایه داری و وابسته را بکمک "رجال" با سازی میکند. رژیم که از ابتدای بدست گیری جاکمیست عاجل ترین وظیفه خود را متوقف کردن انقلاب و مهار ساختن مبارزات خلق قرار داد.

بقیه از صفحه ۲

موقعیت برتر در قدرت دولتی و بیست
انحراف کثافتانندن مبارزات ضد
امپریالیستی توده‌ها بود است
زمانیکه حزب جمهوری اسلامی موقعیت
خوبش را در قدرت دولتی تحکیم نمود
و به اهدافش مثل آمدگروگانها را با
شرایطی سخت با رتزاز لیبرالها به
امپریالیسم آمریکا باز پس داد.
تجربیات عینی دوسال اخیر نشان
داده است که نه‌هیچ‌هوی حزب جمهوری
اسلامی درباره مبارزه با امپریالیسم
در جهت تعمیق مبارزات ضد امپریالیستی
توده‌ها برای محو سلطه امپریالیسم
است و نه آزادخواهی دروغین
لیبرالها طالب دموکراسی بی‌سرای
توده‌هاست. بلکه هر یک از این دو
جناح اصلی حاکمیت میکوشند به
نوعی توده‌ها را فریب داده و آنرا
تبدیل به اهرمی برای کسب موقعیت
برتر خوبش در قدرت دولتی نمایند.
و گرنه هر دو جناح برای سرکوب توده‌ها
و زیر پا نهادن خواسته‌های واقعی
زحمتکش‌ان با یکدیگر میثاق وحدت
بسته‌اند.

بنی صدر که امروز علیه انحصار
طلبی حزب جمهوری اسلامی و شکنجه در
زندانش سخن میگوید، همان کسی است
که دستور حمله به کردستان و ترکمن
صحرا را صادر کرد، ترور جنا پیکارانه
توماج، مخنوم، جرجانی و
واحدی را عملیات کشید نمود، از سرکوب
خونین دانشجویان دانشگاهها حمایت
کرد و در سخنرانی خوبش در زمین چمن
دانشگاه، بسته شدن دانشگاه را روز
استقرار واقعی حکومت جمهوری اسلامی
خواند، کودتاچیان را از زندان آزاد
نمود، شعار شورایی شوراداد، ارتش را
بازسازی کرد. اعتراض بنی صدر و سایر
دوستان لیبرالش علیه سیاستهای
فدوموکراتیک حزب جمهوری اسلامی
فقط تا آن حدودی است که آزادی
لیبرالها محدود می‌گردد و گرنه
سیاستهای ارتجاعی و ضد موکراتیک
حزب در سرکوب توده‌ها مورد تأکید
آنان می‌باشد.

اکنون بین دو جناح اصلی حاکم
لیبرالها و جناح حزب جمهوری اسلامی
رقابت سختی بر سر کسب هژمونی
در قدرت سیاسی جریان دارد. هر یک از
این دو جناح سعی دارند به شیوه خاص
خود به حرا ن سیاسی اقتصادی کنونی را
هل نماهند. درگیری این جناحها برای
کسب هژمونی و پیشبرد برنامه و سیاست
هایشان، بر بحران قدرت میان
"بالائی‌ها" دامن زده و بحران
سیاسی را تشدید می‌نماید. آغاز جنگ
بین دولتین ایران و عراق بحران
قدرت را شدت بخشیده و بروخاست
اوضاع اقتصادی افزوده است.
هزینه‌های ناشی از ادامه جنگ، قطع
نسبی مدور رفته خرابی تاسیسات
صنعتی و نفتی در اثر بمباران
آواره‌گی و بی‌خانمانی صدها هزار
خانوار، کمبود مواد سوختی و ما بحتاج

قیام شکوهمند ۲۲ بهمن و...

عمومی، رکود شدید اقتصادی و تورم،
اقتصاد ایران را در آستانه بی‌سک
ورشکستگی کامل قرار داده است.
در چشم‌انداز آینده هیچگونه نشانی
از بهبود اوضاع اقتصادی و تخفیف
بحران مشاهده نمیگردد. بدون حل
بحران سیاسی امکان تخفیف بحران
اقتصادی نیز موجود نیست.
لیبرالها میکوشند تا با تظاهرات
آزادخواهی و افشاء برخی از سیاست
های ضد موکراتیک حزب جمهوری اسلامی
که مورد تنفر توده‌ها واقع شده، وجهه‌ای
کسب کرده و توده‌ها را بدینسان خنود
بکشانند و از این طریق بحران قدرت را
بسود خود حل نمایند.
حاکمیت کنونی که دفاع از منافع
سرمایه‌داران و زمینداران و پاسداری
از نظام سرمایه‌داری و وابسته بر عهده
گرفته و از پاسبانگویی به نیازها و
خواسته‌های واقعی توده‌ها ناتوان
است برای جلوگیری از رشد و اعتلا
مبارزات توده‌ها بیش از پیش به
سرکوب آشکار خلق متصل می‌شود.
فشار بر شوراها و انقلابی، محدودیت
فعالیت سیاسی، توقیف نشریات
انقلابی دستگیری و شکنجه انقلابیون
در مواردی اعدام آنها، تعطیل
دانشگاهها تحت لوای انقلاب فرهنگی،
اخراج عناصر مترقی و انقلابی از
ادارات، اخراج معلمان انقلابی،
ممنوعیت اعتصاب، اجتماعات
تظاهرات، میتینگ، اعمال فشار بر
دانش آموزان در مدارس، سرکوب
ملحانه مبارزات خلق کرد و بمباران
روستاها و شهرهای کردستان و به خاک
و خون کشیدن کودکان، زنان و مردان
بیگناه، سرکوب شوراها و دهقانی
ترکمن صحرا و مبارزات حق طلبانه
آنان، سرکوب مبارزات خلق عرب و
ترک و بلوچ برقراری سانسور،
پایمال نمودن آزادیها و حقوق
دمکراتیک توده‌ها سیاست رژیم
جمهوری اسلامی برای مقابله با
موج گسترش با بنده انقلاب است.
اما علیرغم تمامی تلاشهای ضد
انقلابی حکومت، انقلاب درهم نشکسته
است، مبارزات کارگران، دهقانان
و زحمتکشان برای حفظ و گسترش
دستاورد های انقلاب و تحقق خواسته‌های
واقعی شان همچنان ادامه دارد.
خلق قهرمان کرد در برابر بربر
سرکوبگرانه ضد انقلاب حاکم دلیرانه
پایداری می‌کند، خلق ترکمن برای
تشکیل شوراها و انقلابی در ترکمن
صحرا مبارزه می‌کند، مبارزات دانش
آموزان و دانشجویان روبرو اعتلاست
حکومت هنوز قادر نیست مبارزات

توده‌ها را سرکوب کرده و رکود و خمود
را بر جنبش مستولی گردانند.
هم‌اینک طلبه‌های یک بحران
زرف در حال دمیدن است. رکود
اقتصادی، تورم بی‌سابقه، بیکاری
و حشمتاک، عدم تأمین اجتماعی، بی
مسکنی، آواره‌گی صدها هزار خانوار
در نتیجه جنگ، توده‌ها را در فرو
فلاکتی عظیم فرو برده است قیمت
کالاها و مختلف در چند ماه اخیر به
میزان چندبرابر قیمت سابق بالا
رفته است. کمبود مواد سوختی و
ما بحتاج عمومی زندگی زحمتکش‌ان را
مشقت با رترو محنت با رترو ساخته است
توده‌های زحمتکش که پس از دوسال
انتظار برای برآورده شدن خواسته
هایشان توسط رژیم جمهوری اسلامی
امیدها شان نقش بر آب میگردند، توده‌ها
که دوسال تمام توسط سردمداران رژیم
جمهوری اسلامی تحمیق شدند و جز وعده
وعید، فقر و بیکاری، جنگ و بی‌خانمانی
نصیب شان نگشته است، بتدریج
در می‌یابند که برای تحقق خواسته‌های
واقعی خوبش، برای تحقق استقلال،
کار، مسکن و آزادی با ید مبارزه‌شان
را همچنان ادامه دهند و به نیروی مستقل
خوبش متکی باشند. حاکمیتی که سرکوب
آنها را هدف خوبش قرار داده است
نه میتواند ندونه می‌خواهد خواسته‌های آنان
را برآورده سازد. توده‌ها در قیام
بهمن ماه و در این مدت دوسال
آموختند که هیچکس جز خود آنان قادر به
رهائی شان نخواهد بود.
گسترش مبارزات کارگران و
دهقانان و همه زحمتکشان، گسترش
مبارزات خلقهای تحت ستم ایران،
رشد اعتراضات عمومی علیه گرانی،
بیکاری، بی‌خانمانی، شکنجه و
اختناق، همه و همه بیانگر گسترش موج
انقلاب و اعتلا نوین مبارزات
توده‌ای است.
در این شرایط حساس تاریخی که،
درگیریهای حاد طبقاتی و تعارضات
شدید اجتماعی را در چشم‌انداز آینده
نزدیک پیش روداریم و وظائف بس
سنگینی بر دوش پیشگامان جنبش
کمونیستی ایران قرار دارد.
کوشش برای سازماندهی مبارزات
کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان
ارتقاء سطح آگاهی سیاسی و طبقاتی
آنان، تبلیغ و تزویج برنامه
و سیاست انقلابی در میان توده‌ها،
و کوشش برای پیوند هر چه مستحکمتر با
آنان، سمت انقلابی دادن به
مبارزات خود بخودی توده‌ها دفاع از
جنبش مقاومت خلق کرد و مبارزات دیگر
خلقهای تحت ستم ایران، کوشش
مجدانه و پیگیر برای ایجاد وحدت
در جنبش کمونیستی و غلبه بر پراکندگی
کنونی، ارائه یک آلترناتیو
انقلابی در برابر توده‌ها، کوشش برای
همگامی و اتحاد عمل همه نیروهای
انقلابی برای گسترش مبارزات ضد
امپریالیستی - دمکراتیک از برترین

بقیه در صفحه ۲۷

با نگاه به نیروی توده‌ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

اداری دانشگاه تهران - شهادت در درگیری

★ فدائی شهید رفیق انوشه فضیلت کلام

خانواده فضیلت کلام بد جز انوشه دو شهید دیگر - مهدی فضیلت کلام و شیرین فضیلت کلام (معاذ) - به خلق ایران تقدیم داشته است. یادشان گرامی باد.

★ فدائی شهید رفیق کیومرث سنجری

متولد ۱۳۲۹ در ملایر - دانشجوی رشته برق و مکانیک دانشگاه علم و صنعت - وی در جریان یک درگیری در مشهد پس از آزایی در آوردن یک ما مور ساواک و زخمی کردن چند ما مورد دیگر به وسیله قرص سیانور به زندگی پیوسته افتخار خویش پایان داد.

فدائی شهید رفیق حسن فرجودی

متولد لنگرود - در آذرماه ۵۵ در ایستگاه راه آهن مشهد طی درگیری با پلیس زخمی و اسیر شد و پس از چهل روز قحطی شکنجه در تهران به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق حسین جوحاجی

متولد تبریز - وی که از خانواده ای مرفه بود از منافع خویش روی برتافت و در راه آرمان طبقه کارگر کام نهادوسر انجام در یک درگیری در تهران به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق محسن نوربخش

★ فدائی شهید رفیق فردوس آقایی ابراهیمیان

۲۲ بهمن ۱۳۵۷

★ فدائی شهید رفیق مهدی اقتدارمنش

در جریان قیام با شکوه بهمن ماه ۵۷ در مبارزه با سربازان و ما موران رژیم شاه به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق قاسم سیادتی

متولد ۱۳۲۵ در بروجرد - او نیز در جریان قیام بهمن ماه هنگام تسخیر رادیو، به دست ما موران مزدور حکومت نظامی به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق بابک سیلابی

متولد ۱۳۳۶ - کارگر - رفیق بابک در حمله مسلحانه به پادگان عشرت آباد به دستور فرماندهان ارتش شاهنشاهی به شهادت رسید.

بقیه در صفحه ۲۷

ماه بهمن ...

بقیه از صفحه ۳۱

★ فدائی شهید رفیق مصطفی دقیق همدانی

متولد ۱۳۳۱ در اصفهان - دانشجوی رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی رفیق در درگیری در تبریز مجروح و به دست مزدوران ساواک اسیر شد و سرانجام در زیر شکنجه به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق کاووس رهگذر

اهل شهریار - دانشجوی فیزیکی دانشسرای عالی (دانشگاه تربیت معلم) - شهادت در درگیری.

★ فدائی شهید رفیق محمدعلی خسروی اردبیلی (داداشی)

متولد ۱۳۲۲ در بابل - معلم در دهات کردستان، کارمند اداره کشاورزی کرج، کارمند بانک ما درات درگنبد، معلم در ما زندران - شهادت در عمان در جبهه نبود ظفار.

★ فدائی شهید رفیق حمید مومنی

از این رفیق جزوه های چندی باقی مانده که می توان از رشد اقتصادی و رفاه اقتصادی - پاسخ به فرصت طلبان ... - طرح برنامه انقلاب ارضی - درباره مبارزات کردستان - مختصری از تاریخ جامعه - و ... نام برد.

★ فدائی شهید رفیق حمیدرضا هزارخانی

متولد ۱۳۲۴ در تهران - دانشجوی دانشکده علم و صنعت - هنگام بیرون آمدن از خانه تیمی درخیا بان لاله زار تهران با ما موران ساواک درگیر شد و با نارنجک به زندگی خود خاتمه داد.

بهمن ۵۵

★ فدائی شهید رفیق جعفر پشامی

متولد ۱۳۲۹ در قزوین - محصل، جو را ب فروش - شهادت در درگیری.

★ فدائی شهید رفیق محمدکاسه چی

متولد ۱۳۲۹ در قزوین - کارگر مکانیک دانشجوی دانشکده مدیریت و علوم

دانشیان و چندتن دیگر اقدام به تشکیل گروهی برای انجام عملیات مسلحانه بر ضد رژیم دست نشانده شاه نمود. او به نام یک فدائی خلق رژیم و دادگاه نظامی را به معاکمه کشید و به جرم فدائی بودن در برابر جوخه اعدام قتل گرفت و به دست مزدوران آمریکا به شهادت رسید.

بهمن ۵۳

★ فدائی شهید رفیق سعید بابان

متولد مشهد - از دوستان پویسان و احمدزاده ها بود - مسئول شرکت واحد درخیا بان جمهوری تهران و کارمند سازمان برنامه - در انفجار بمب در اهواز زخمی شد و به شهادت رسید.

بهمن ۵۴

★ فدائی شهید رفیق فتحعلی پناهیان

متولد ۲۸ مهر ۱۳۲۹ در تبریز - کارگر ساختمان، کارگر کارخانه در جنوب، در روز جمعه سوم بهمن ماه ۵۴ درخیا بان فرخ آباد سابق از سوی ما موران ساواک شناسائی شد. در این درگیری پس از معدوم کردن دوتن از مزدوران به شهادت رسید.

★ فدائی شهید رفیق فاطمه افدرنیا

یکی از پایگاه های سازمان در تبریز، روز بهمن مورلاتها جم مزدوران ساواک و پلیس قرار می گیرد که رفیق فدائی خلق فاطمه افدرنیا به همراه رفیق فدائی مسعود پرورش - جعفر محتشمی و عبدالحمید پیرزاده جهرمی پس از نبردی دلاورانه و به هلاکت رسانیدن ننی چند از مزدوران، به شهادت میرسد. یادش گرامی باد.

★ فدائی شهید رفیق مسعود پرورش

متولد ۱۳۳۲ در قزوین - دانشجوی دانشکده صنعتی - شهادت در درگیری در تبریز.

★ فدائی شهید رفیق عبدالحمید پیرزاده جهرمی

متولد ۱۳۲۲ - تحصیلات دبستان و دبیرستان در آبادان - دانشجوی رشته مهندسی شیمی دانشگاه صنعتی - شهادت در درگیری در تبریز.

★ فدائی شهید رفیق جعفر محتشمی

متولد ۱۳۳۰ در تهران - دانشجوی دانشکده صنعتی - شهادت در درگیری در تبریز.

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

ماه بهمن ..

بقیه از صفحه ۳۲

چریکهای فدائی خلق ریشه درخون بست و شکل گرفت و در هوای خفقان سی سرکوب نظام وابسته پهلوی از بالندگی بازنماندندندان که سرانجام شاخ و برگ آتشین اش در جنبش انقلابی خلق از سرخترین شگوفه های انقلاب سرشار شد و در قیام خونین خلق سرخترین شمر انقلابی رزم مسلحانه خلق را چون آتش انتقام برپا دگانهای ضد خلق فروبارید: فدائی در اوج قیام مظهر اراده انقلابی خلق بود و در جریان قیام خونین خلق خون فدائی: خون احمدزاده ها، پویان ها، جزنی ها مومنی ها، حمید اشرف ها، جلالی ها ... در خون سیادتی ها جوشید و با خون خلق گره خورد و آتش هنگامه ای تازه در ارگان ارتش ضد خلقی و پادگان های سرکوبگرش افکند.

بهمن ماه، ماه خون و مبارزه است. ماه حماسه و شهادت است. ماه آتش و فربا د است. ماه خروش سرخ سپاه هکل، ماه توفان خونین قیام است. بهمن ماه توفانی ترین ماه عزم مساجانه، خلق و سرخترین ماه رزم مسلحانه فدائیان خلق است. بهمن ماه، ماه سلاح بر گرفتن توده هاست. ماه آتش قدرت خلق از دهانه مسلسل هاست. ماه انفجار نارنجک و شلیک گلوله فدائیان خلق است. بهمن ماه، سرآغاز پیروزی خلق و سرآغاز شکست ضد خلق است. بهمن ماه، ماه آتش فشان هاست. نوید قیام مسلحانه خلق در بهمن ماه پنجاه و شش با خون برتارک رستاخیز مسلحانه سپاه هکل نقش بسته است.

اکنون به گرامیداشت بهمن ماه چهل و نه و پنجاه و هفت، ماه خلق، ماه فرزندان دلور خلق و رزمندگان پیشگامش، نام شهیدان بهمن را بخوانیم و شورمند تر به پاسداشت آرمان شهیدان راه زحمتکشان بر خیزیم و آتش مبارزه طبقاتی را شعله و رتر کنیم. در خط خون شهیدان پیش روییم و تا تحقق آرمان شهیدان از پای ننشینیم. و در راه سرخ گارگران چنان شکوهمند و پرطنین گام برداریم که از هم اکنون کسور داند و فرصت طلبان و خائنان تازه کار و کهنه کار در خط سازش از هراس مبارزه طبقاتی بلرزه در آیند.

بهمن ۱۳۴۹

★ فدائی شهید رفیق محمد مهدی اسحاقی

متولد ۱۳۲۴ در تهران - دانشجو - دانشگاه شیراز - عضو تیم جنگل

درسنگر بود سیادت

درسنگر بود سیادت
درسنگر خلق
درسنگر چریک های فدائی خلق بود سیادت

در خانواد های تنگ دست
پدري افلیح
کودکانی گرسنه و ژنده پوش
در لرستان دلاوران زاده شد سیادت

در محله ای فقیر می گشت
کت و کیف و دفتر نداشت سیادت

خانها و سردارها را دید و نفرت ورزید
سرما به داران را دید و کینه اندوخت
وسپیش هنوز سایه نینداخته بود
که فریاد زد مرگ بر امپریالیسم
و با رژیم خونخوار در آویخت سیادت

چون شهاب به قلب دشمن میزد
و چون گوزنی چالاک از دید می گریخت
هنگامیکه هنوز دود اسلحه اش در هوای
سحر تاب میخورد
آتش تن را بود سیادت

در کوی زیبا، در شهپاز
دو شا دوش همسر ز منده اش جنگید
و چون درسنگر نشست
همسرش را شهید یافت سیادت

در بمب بنزین شهاب جنگید
و مسلسلش ما شینهای گشتی را غربال کرد
در خیابان فرصت فریاد زد زنده با خلق

گروه سپاه هکل - شهادت در درگیری
در سپاه هکل

★ فدائی شهید رفیق محمد رحیم سمعی

متولد ۱۳۲۶ در تهران - دانشجو
دانشکده پلی تکنیک - عضو تیم
جنگل گروه سپاه هکل - شهادت در
درگیری در سپاه هکل

بهمن ۱۳۵۱

★ فدائی شهید رفیق بهروز عبیدی

متولد ۱۳۳۰ در تهران - دانشجو
دانشگاه صنعتی (شریف) - شهادت
در انفجار بمب در مشهد (او و رفیق
پوران بداللهی قرار بود با انفجار
بمب مانع برگزاری آرام جشنهای
۲۵۰۰ ساله در مشهد شوند).

★ فدائی شهید رفیق پوران بداللهی

متولد ۱۳۲۹ در اصفهان - دانشجو
دانشکده فنی دانشگاه تهران -
در انفجار بمب در مشهد زخمی شد و با
خوردن قرص سیانور به زندگی پر



و در کله های جا سوس آتش گشود
بانک ملی زنجان را صادره کرد
و در قیام بهمن تفنگش در انبوه تفنگهای
خلق به گردش در آمد
به مرکز گشتی های پلیس یورش برد
فرمانده یورش بود سیادت

آنگاه در میدان آرک سنکر گرفت
و در رگبار گلوله ها چرخید و در خون نشست
سیادت

شهید بیست و دوم بهمن
اولین فدائی شهید بر دروازه های قیام
شهیدی که خورش چون پرچمی سرخ
روی دریای مشت گره خورده، کارگران در
اهتراز است.

افتخار خویش خاتمه داد.

★ فدائی شهید رفیق ابراهیم پور
رفائی خلیق

متولد ۱۳۲۴ در تبریز - دانشجو
دانشگاه صنعتی (شریف) - فرمانده
تیم مشهد - رفیق ابراهیم در بهمن
ماه سال ۵۲ در مشهد دستگیر شد و در زیر
شکنجه مزدوران ساواک به شهادت
رسید.

بهمن ۱۳۵۲

★ فدائی شهید رفیق کرامت الله
دانشیان

متولد ۱۳۲۵ در شیراز - گروهیان ارتش،
دانشجوی مدرسه عالی تلویزیون،
آموزگار روستای سلیمان در مسجد
سلیمان - همراه با رفیق فدائی خسرو
گل سرخی در دادگاه نظامی به اعدام
محکوم شد.

★ فدائی شهید رفیق خسرو گل سرخی

شاعر و نویسنده - همراه کرامت الله

بقیه در صفحه ۲۰

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

● چهل و یکمین سالگرد
شهادت دکتر قی ارانی



در ۱۲ بهمن ۱۳۱۸ دکتر قی ارانی که مطهرشهاست... از خود کدسبکی میناموت و ایمان به سوسالسم بود پس از چهار سال اسارت در سیاهالها و پهلوهایی نمناکی که بر دیوارها بتار قنارج میروئید توسط رژیم خائن در سن ۳۷ سالگی در زندان شهادت رسید.

دکتر ارانی، در نوشتهها، در زندگی، در مبارزه بیامان و آتشی نا پذیر خود با دیکتاتور رژیم رضا خان، همواره مطهر دفاع از آرمان طبقه کارگرو سایر زحمتکشان جامعه بود. در هیچ زمینه ای حتی تصور کمترین مقایسه بین این کمونیست بزرگ و شاگردان آنروز و (رهبران خائن کنونی حزب توده) را نمیتوان بذهن راه داد. حزب توده، این حزب سازش و خیانت، بیهوده میگوید که سوء استفاده از نام ارانی برای خود کسب حیثیت کند. کاتوستکی مرتدنیز به شاگردی انگلس افتخار می کرد.

دکتر ارانیها، حیدرموا و غلیها، روز به روز به زحمتکشان ایران و بیست سنتهای انقلابی جنبش کمونیستی تعلق دارند و قرا گرفتن تمام غرور آفرین آنها در کنار نام کامبخش ها، اسکندریها، طبریها و کیا توریها توهین به زحمتکشان ایران و به جنبش کمونیستی کشورماست.

با افشاء بیامان و پیگیرانسه، ابورتونیستهای جنبش کارگری و خائنین به آرمان طبقه کارگر، بیاد ارانی، این کمونیست کبیر را گرامی بداریم و راه او را در جهت دفاع از حقوق زحمتکشان ادامه دهیم.

★ ★ ★



ماه بهمن، سرخترین
ماه آرمان و انقلاب خلق
از سیاهکل تا قیام مسلحانه خلق

رهائی و آزادی زحمتکشان را با تار و پود خون می یافتند.

در بهمن ماه سال چهل و نهم رزمندگان فدائی، در قلب خفقان رزم نوینی پی افکندند و طومار خیانت های تاریخی را با خروش خون درهم پیچیدند و وسیله خون بر جهره فراریان و سازشکاران و صبر و انتظار پیشه گان فرو کوفتند.

حماسه سیاهکل، این رستاخیز خون و خروش رزمندگان فدائی، در سال های تاریک دیکتاتور آتشی اصیل و خاموشی نا پذیر، مبارزه انقلابی را در خاکستر سنگین دهه های خاموشی و ترس، شعله ور کرد و خون خفته و خسته ستمدیدگان را در رگ های ایمان و امید به گردش در آورد و یک دهه، یک دهه، خونبار که در آن بدر مبارزه انقلابی شکفت و بالا گرفت، نام فدائی بزرگ تارک میهن می درخشید. سازمان بقیه در صفحه ۳۱

ماه بهمن، خونین ترین و شکوهمندترین ماه در تاریخ جنبش انقلابی خلقهای ستمدیده و پیشگامان سرخ و رزمنده آن است. هر روز بهمن، در تقویم مبارزات خلق برگی است خونین که چون سپیده دمان گلگون رهائی و آزادی می درخشد.

دست عاشقان خلق چون برگ برگی ماه بهمن را در تقویم سرخ مبارزات ورق میزند، یکبارچه آتش انقلاب می شود.

قلب عاشقان خلق در موج موج، موج خون شهیدان بهمن شعله می کشد و با رودخانه آتش و شقایقی که از خون شهیدان بهمن بر بستر زمستانی سالهای چهل و نه تا پنجاه و هفت، موج میزند، جاودانه می خروشد.

چشم عاشقان خلق انبوه شهیدان را بر قلعه های برف آلود بهمن ماه می بیند که با آهنگ ترانه های خلق، چگونه در کارگاه فردا، آفتاب

نابود باد امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی